

فصل سوم

ایران در عصر باستان؛ سرآغاز هویت ایرانی

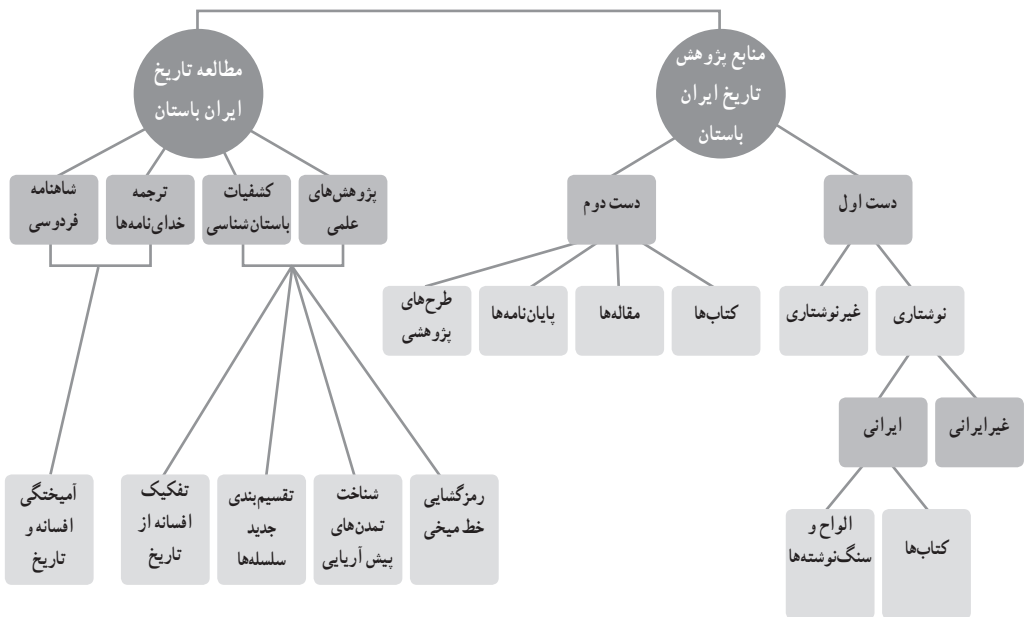
مطالعه و کاوش در گذشته‌های دور

درس ۷

الف) منطق طراحی و تدوین درس

ابتدای تاریخ ایران نیز، همانند بسیاری دیگر از سرزمین‌ها، با افسانه و اسطوره درهم آمیخته است و تفکیک این دو مقوله ضمن اینکه به اعتبار هر دو می‌افزاید، ذهنیت روشنی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. آنچه بخش قابل توجهی از تاریخ ایران باستان را، به عنوان دوره تاریخی، بازشناسی و معرفی کرده، پژوهش‌های تاریخی و کشفیات باستان‌شناسی است. ارائه روندی که موجب روشن شدن بخش‌های کمتر شناخته شده تاریخ ایران شود و در این درس مورد اهتمام قرار گرفته، به جنبه‌های عملی درس‌های ۱ تا ۳ عینیت می‌بخشد. به این معنی که به صورت عینی نتیجه فعالیت باستان‌شناسان و پژوهشگران عرصه تاریخ ایران باستان را به دانش‌آموزان معرفی می‌کند. انجام پژوهش‌های تاریخی، بدون شناخت منابع، غیرممکن است؛ بنابراین، ضمن پرداختن به سیر مطالعات تاریخی و کشفیات باستان‌شناسی، منابع و مآخذ مربوط به این دوره خاص از تاریخ ایران نیز دسته‌بندی و معرفی شده‌اند.

شبکه مفهومی درس ۷ (مطالعه و کاوش در گذشته‌های دور)



هدف های درس ۷ (مطالعه و کاوش در گذشته های دور)

هدف کلی: شناخت دوره های اسطوره ای و تاریخی تاریخ ایران و نتایج پژوهش های تاریخی و کشفیات باستان شناسی درباره تاریخ ایران باستان و منابع آن دوره.

هدف های جزئی:

- تشخیص کیفیت آگاهی مورخان از گذشته ایران پیش از کشفیات باستان شناسی و پژوهش های تاریخی؛
- مقایسه دیدگاه مورخان پیشین با مورخان امروزی درباره تاریخ ایران باستان؛
- تشخیص و تفکیک دوره اسطوره ای و افسانه ای از دوره تاریخی؛
- شناخت مفهوم افسانه و اسطوره و ارتباط آن با تاریخ؛
- درک پیشینه کشفیات باستان شناسی در ایران؛
- شناخت دستاوردهای کشفیات باستان شناسی و پژوهش های تاریخی درباره دوره ایران باستان؛
- دسته بندی و معرفی منابع تاریخ ایران باستان؛
- مقایسه وضعیت تاریخ نگاری در ایران باستان با یونان و روم؛
- کسب توانایی استفاده از منابع در یک پژوهش ساده تاریخی.

انتظارات عملکردی درس ۷ (مطالعه و کاوش در گذشته های دور)

انتظار می رود دانش آموزان با مطالعه این درس بتوانند:

- بخش افسانه ای و اسطوره ای را از بخش تاریخی ایران بازشناسند و در مورد هر یک توضیح دهند؛
- سلسله های افسانه ای و اسطوره ای ایران را به ترتیب نام ببرند؛
- دیدگاه مورخان پیشین در مورد تاریخ ایران باستان را با دیدگاه مورخان امروزی مقایسه کنند؛
- پیشینه تحقیقات جدید درباره ایران باستان را تشریح کنند؛
- نتایج کاوش های باستان شناسی و پژوهش های تاریخی در مورد تاریخ ایران باستان را شرح دهند؛
- منابع تاریخ ایران باستان را دسته بندی و معرفی کنند؛
- وضعیت تاریخ نگاری ایران باستان را با تاریخ نگاری یونان و روم باستان مقایسه کنند؛
- با استفاده از منابع، پژوهشی ساده درباره تاریخ ایران باستان انجام دهند.

(ب) ایده‌های کلیدی

مفاهیم	موضوعات
زمان، گاه‌شماری، مکان	دورهٔ ایران باستان؛ مکان‌های تاریخی.
تغییر و تداوم	پژوهش‌های تاریخی، کشفیات باستان‌شناسی.
کاربست شواهد و مدارک	قطعه صوتی، تصاویر، نمودار خط زمان.
ارتباط و ارائه	تهیهٔ پاوربونت و گزارش متنی در مورد منابع غیرنوشتاری و نوشتاری مربوط به تاریخ ایران باستان.

(پ) توصیه‌های تدریس

۱- آماده کنید

از دانش‌آموزان بخواهید افسانه‌ها و اسطوره‌هایی را که شنیده یا خوانده‌اند به صورت مختصر بازگو کنند و یا نام ببرند. بحث را هدایت کنید و به دانش‌آموزان فرصت دهید که آزادانه صحبت کنند. در بازگویی افسانه‌ها تفاوت‌هایی مشاهده خواهد شد. این تفاوت‌ها را مبنای ورود به بحث افسانه‌ها قرار دهید و با جمع‌بندی بحث، به علل پیدایش و ویژگی‌های افسانه‌ها و اسطوره‌ها و تفاوتشان با واقعیت‌های تاریخی بپردازید.

بهره‌گیری از دانستنی‌های معلم که مرتبط با اسطوره و افسانه است و در صفحات بعد می‌آید، به ارائهٔ مطلوب موضوع افسانه و آمیختگی بخشی از گذشتهٔ ایران با افسانه و اسطوره و نیز فهم و درک افسانه کمک می‌کند.

۲- آموزش دهید (فعالیت‌های یادگیری)

پس از بحث در مورد افسانه و اسطوره، مفاهیم و موضوعات اساسی درس را به دانش‌آموزان معرفی کنید. تفکیک دوره افسانه‌ای و دوره تاریخی تاریخ ایران، پیشینه تحقیق درباره تاریخ ایران باستان و نتایج و دستاوردهای آن، دسته‌بندی و معرفی منابع ایران باستان و روش تاریخ‌نگاری در ایران باستان و تفاوت آن با تاریخ‌نگاری یونان و روم، موضوعات اساسی این درس به شمار می‌آیند.

در آموزش این درس، استفاده از روش‌های متنوع تدریس، پخش تصاویر و قطعات ویدئویی و صوتی، ارائه نمودار خط زمان، معرفی نمونه‌هایی از منابع نوشتاری و غیرنوشتاری تاریخ و خواندن بخش‌هایی از مطالب مربوط به دوره اسطوره‌ای و دوره تاریخی ایران باستان، کاربرد دارد.

استفاده از آثاری که در زمینه افسانه و اسطوره تألیف شده و خواندن گزیده‌هایی از آنها می‌تواند در فهم ماهیت افسانه و اسطوره، به دانش‌آموزان کمک کند. علاوه بر گزیده‌های فوق، کتاب «از اسطوره تا تاریخ» نوشته مهرداد بهار از جمله منابع معتبر و مفیدی است که در این زمینه کاربرد دارد.

انجام فعالیت‌های ۱ و ۲ مستلزم مراجعه به کتابخانه و تهیه منبع مورد نظر است؛ بنابراین، ابتدا روش کار را برای دانش‌آموزان توضیح دهید و ارائه فعالیت توسط دانش‌آموزان را به جلسه‌ای مشخص در هفته‌های آینده موکول کنید.

در ارائه موضوع تفکیک دوره افسانه‌ای و دوره تاریخی تاریخ ایران، علاوه بر استفاده از متن کتاب، نمونه‌هایی از منابع تاریخی نظیر منابع عمومی تألیف شده در قرون اولیه بعد از اسلام و پژوهش‌های جدید مربوط به ایران باستان را به کلاس ببرید و مطالب مربوط به سلسله‌های ایران باستان را برای دانش‌آموزان بخوانید. سپس دیدگاه هر دو دسته از مورخان در مورد تاریخ این دوره را مقایسه کنید.

در مبحث پیشینه تحقیقات جدید مربوط به تاریخ ایران باستان، استفاده از متن و تصاویر سفرنامه‌های اروپاییان از دوره صفوی تا دوره قاجار و نیز گزارش‌های باستان‌شناسی، به آگاهی از روند تدریجی شناخت علمی دوره باستان کمک می‌کند. همچنین پخش قطعات ویدئویی و تصاویر مربوط به فعالیت‌های باستان‌شناسی در این زمینه راهگشا است.

مقایسه دو نمودار صفحات ۶۲ و ۶۵ که تفاوت درک مورخان سابق و مورخان جدید درباره سلسله‌های ایران باستان به خوبی در آنها پیدا است، روش مناسبی برای ورود به موضوع نتایج دستاوردهای کاوش‌های باستانی به شمار می‌آید. توجه به کتاب‌هایی که تصویر آنها در متن درس درج شده و خواندن قسمت‌هایی از کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» تألیف گیرشمن، می‌تواند به شناخت بیشتر نتایج کاوش‌ها و تحقیقات جدید درباره ایران باستان کمک کند.

برای تدریس موضوع تحقیق ایران در دوران باستان، تصویر یا فیلم آثار و اشیای باستانی را برای

دانش‌آموزان نمایش دهید و از آنان بخواهید که با توجه به آنچه در درس یکم خوانده‌اند، به این پرسش پاسخ دهند که این آثار جزء منابع دست اول هستند یا منابع دست دوم.

پس از استدلال در مورد دست اول بودن این آثار، به نقش و نگارها و ویژگی‌های آنها بپردازید و با مشارکت دانش‌آموزان به صورت مستدل نتیجه بگیرید که این آثار آگاهی‌های متنوعی در زمینه فنون، خلاقیت و وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران باستان در اختیار ما می‌گذارند. آن دسته از آثاری که دارای نوشته هستند را در ردیف دیگر منابع دست اول نوشتاری قرار دهید. همچنین نمونه‌هایی از منابع دست اول مکتوب نظیر «تاریخ هرودت» و «کوروش‌نامه» را با خود به کلاس ببرید و به عنوان منابع دست اول برای مطالعات و تحقیقات تاریخ ایران باستان معرفی کنید. بخش‌هایی از این منابع را انتخاب کنید و در کلاس برای دانش‌آموزان بخوانید. به شیوه‌ای که موجب بی‌اعتمادی دانش‌آموزان به نوشته‌های تاریخی نشود، گوشزد کنید که محققان امروزی نوشته‌های این گونه منابع را، با توجه به ملیت و گرایش‌های نژادی، سیاسی و دینی نویسندگان آنها نقد و ارزیابی می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند.

همچنین ترجمه متن یکی از سنگ‌نوشته‌های دوره ایران باستان و یکی از کتاب‌های دوره ساسانی نظیر «کارنامه اردشیر بابکان» را با خود به کلاس ببرید و به عنوان منابع نوشتاری دست اول ایرانی معرفی کنید. سپس بخش‌هایی از آنها را در کلاس بخوانید و با مشارکت دانش‌آموزان، اطلاعات تاریخی آنها را استخراج کنید.

در مبحث دسته‌بندی منابع دست اول و دست دوم تاریخ ایران باستان، بخش تصاویر آثار تاریخی و قطعات ویدئویی متناسب با موضوع و ارائه توضیحات لازم در مورد آنها به عنوان منابع دست اول نوشتاری و غیرنوشتاری تاریخ ایران باستان، به فهم موضوع کمک می‌کند؛ به عنوان نمونه:

تصویر مقبره‌های سنگی منسوب به مادها در سرپل‌ذهاب، اسحاق‌وند هرسین و سراب‌صحنه در استان کرمانشاه و مقبره سنگی فخریکا در جنوب دریاچه ارومیه، اشیاء و آثار منقول برجای مانده از آن دوره، به عنوان منابع غیرنوشتاری دوره ماد و تاریخ هرودت، کتاب پرسیکا نوشته کتزیاس یونانی، کتاب حیات مردان نامی نوشته پلوتارک یونانی به عنوان منابع دست اول نوشتاری دوره ماد؛

ارائه ترجمه و تصاویر کتیبه‌های هخامنشی در فارس، کرمانشاه، شوش و همدان و نیز تصاویر سکه‌ها و مهرهای شاهان هخامنشی برای معرفی آثار نوشتاری دست اول دوره هخامنشی، آثار مورخان یونانی نظیر تاریخ هرودت و کتاب حیات مردان نامی نوشته پلوتارک، کتاب پرسیکا نوشته کتزیاس، کتاب‌های بازگشت ده‌هزار نفری و کوروش‌نامه (سیرپدی) نوشته گزنفون و تصاویر انواع بناها و اشیای دوره هخامنشی به ویژه آن دسته از بناها و اشیایی که دارای نقش و نگار هستند، برای معرفی منابع غیرنوشتاری آن دوره؛

تصاویر کتیبه معروف به لائودیسه در نهاوند، سکه‌های شاهان سلوکی و بیکره هرکول در بیستون به عنوان منابع نوشتاری و غیرنوشتاری دوره سلوکیان؛

تصاویر و نقوش مجموعه کوه خواجه سیستان، معبد آناهیتا در کنگاور، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های شاهان اشکانی در بیستون و سرپل ذهاب، اشیاء سفالی و فلزی دوره اشکانیان، سکه‌های شاهان آن سلسله، به عنوان منابع دست اول نوشتاری و غیرنوشتاری دوره اشکانی؛

نقش برجسته‌ها، حجاری‌ها و کتیبه‌ها و آثار معماری دوره ساسانی در مناطق مختلف استان فارس و کرمانشاه، سکه‌ها، ظروف کتیبه‌دار و منقوش، ترجمه کتاب‌های کارنامه اردشیر بابکان، یادگار بزرگمهر، اندرز خسرو قبادان و نوشته‌های یونانی و رومی نظیر کتاب جنگ‌های ایران و روم نوشته پروکوپئوس و کتاب تاریخ روم نوشته هرودیانوس؛ به عنوان منابع نوشتاری و غیرنوشتاری دوره ساسانیان.

توضیح در مورد برخی نقوش و ویژگی‌های آثار و اشیای باستانی که تصویرشان در صفحه ۶۶ درج شده، اطلاعات لازم در مورد این دسته از منابع را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. فعالیت ۴ نیز در همین راستا طراحی شده است و انجام آن در کلاس، دانش‌آموزان را بیشتر با نقش منابع غیرنوشتاری در ارائه اطلاعات دست اول تاریخی، آشنا می‌کند. معلم با راهنمایی خود و در صورت لزوم با ارائه توضیحات تکمیلی در مورد نقوش اشیا و ویژگی‌های معماری کاخ اردشیر (صفحه ۶۶)، دانش‌آموزان را به هدف فعالیت ۴ رهنمون کند.

برای معرفی، دسته‌بندی و شناخت منابع ایران باستان، استفاده از کتاب بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تألیف محمود جعفری دهقی،^۱ پیشنهاد می‌شود.

دانستنی‌های معلم

تعریف اسطوره و دلیل وجودی آن

واژه «اسطوره» کلمه‌ای عربی است که از واژه «هیستوریا» به معنی جستجو، آگاهی و داستان گرفته شده است. برای بیان مفهوم اسطوره در زبان‌های اروپایی از بازمانده واژه یونانی «میتوس» به معنی شرح خیر و قصه استفاده شده است.

ارائه تعریف کاملی از اسطوره که در برگیرنده همه مفاهیم آن باشد کار آسانی نیست. در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره به معنی آنچه خیالی و غیر واقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد، آمده است؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و

۱- جعفری دهقی، محمود، بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران، سمت، ۱۳۹۱.

شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به صورت فراسوی که دست کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. در اسطوره، وقایع از دوران اولیه نقل می‌شود. به عبارت دیگر، سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. شخصیت‌های اسطوره را موجودات مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمان‌های مثبت آن را فرا گرفته است.

حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود، همچون داستان واقعی تلقی می‌گردد، زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. اسطوره گاهی، به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه در این روایت‌ها مهم است، صحت تاریخی آنها نیست، بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آنها در بر دارد؛ و همچنین از این جهت که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خویشتن و جهان و آفریدگار بیان می‌کند، دارای اهمیت است.

اسطوره‌های نیمه تاریخی عبارت است از تحول و تکامل حوادث و وقایع ابتدایی و همچنین شرح کارهای فوق‌العاده‌ای است که به دست آدمیان زورمند انجام گرفته و اندک اندک شاخ و برگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجایب و غرایب در آمده، به تدریج هاله‌ای از تقدس دینی به دور آنها حلقه زده و جنبه الوهیت پیدا کرده‌اند.

اسطوره، واکنشی از ناتوانی انسان است در مقابله با درماندگی‌های او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیرمترقبه. قدرت تخیل، نهایت فعالیت خود را در این زمینه انجام می‌دهد. خدایان به این ترتیب خلق می‌شوند و سپس به شهریاران و پهلوانان زمینی تبدیل می‌گردند و گاهی، به عکس، از شخصیتی تاریخی یا قهرمانی معمولی، موجودی اسطوره‌ای شکل می‌گیرد؛ به این صورت که همه ویژگی‌های یک موجود خارق‌العاده را به او نسبت می‌دهند و به تدریج با این ویژگی‌ها، قهرمان از صورت موجود بشری عادی خارج می‌شود.

از سوی دیگر، اسطوره تجسم احساسات آدمیان است به گونه‌ای ناخودآگاه، برای تقلیل گرفتاری‌ها یا اعتراض به اموری که برای ایشان نامطلوب و غیرعادلانه است و چون آن را تکرار می‌کنند، آرامشی به آنها دست می‌دهد. تکرار این داستان‌ها که در قالب نوعی آیین دینی برگزار می‌شود به آنها حقانیت و واقعیت می‌بخشد.

اسطوره همچنین نشانه‌ای از عدم آگاهی بشر است از علل واقعی حوادث. انسان به پیروی از تخیل خود برای رویدادها علت و انگیزه می‌تراشد و به این ترتیب، تخیل را با واقعیت‌ها پیوند می‌دهد.^۱

آغاز تاریخ ایران بر اساس افسانه

پادشاهی گیومرث

تاریخ اساطیری ایران در شاهنامه با گیومرث شروع می‌شود. در شاهنامه، گیومرث نخستین کدخدای جهان است که مردمان را می‌پرورد و پوشیدنی و خورش نو برای آنان پدید می‌آورد. سی سال پادشاه است و همه در اطاعت او. مردمان کیش او برمی‌گزینند. او پسری خوبروی و نیرومند و نامجو به نام سیامک دارد و در مقابل، اهریمن پسری بدسرشت و گرگ‌صفت دارد که نسبت به گیومرث و سیامک رشک می‌برد. سروش خبر این کینه را به گیومرث می‌رساند و او سیامک را با سپاهی به مقابله دیو می‌فرستد. سیامک با دیوسپاه نبرد می‌کند، اما شکست می‌خورد. دیو جگرگاه سیامک را می‌درد. گیومرث از خبر مرگ فرزندش افسرده و سوگوار می‌شود، ولی با یاری هوشنگ، پسر سیامک، به کین‌خواهی و نبرد با دیو سپاه می‌پردازد. چون هوشنگ بر دیو سپاه پیروز می‌شود، پادشاهی سی ساله گیومرث به پایان می‌رسد و دوره پیشدادی از اینجا آغاز می‌شود.^۱

پیشدادیان

دوره پیشدادیان با فرمانروایی هوشنگ فرزند سیامک شروع می‌شود. نام او (هئوشینگه) به معنی «کسی که خانه‌های خوب می‌سازد» یا «کسی که خانه‌های خوب می‌بخشد» و لقب او در اوستا پَرَداتَه است، یعنی کسی که (برای حکومت) تعیین شده که در زبان پهلوی و فارسی به صورت پیشداد در آمده است؛ به معنی «نخستین کسی که قانون می‌آورد». هوشنگ را فرمانروای هفت کشور دانسته‌اند که دیوان و جادوگران از مقابل او می‌گریزند. در شاهنامه، هوشنگ فرزندزاده گیومرث است. کشف آتش به هوشنگ نسبت داده می‌شود و شرح مختصر آن چنین است که او در کوه ماری می‌بیند و به سمتش سنگی پرتاب می‌کند. در برخورد آن سنگ با سنگ دیگر آتش پدیدار می‌شود و راز آتش کشف می‌گردد. جشن سده را یادبودی از این واقعه می‌دانند.^۲

۱- همان، ص ۵۰ و ۵۱ با تلخیص.

۲- همان، ص ۵۱ با تلخیص.

دانستنی‌های معلم

پیشینه توجه به آثار باستانی ایران

نخستین اروپایی که به آثار باستانی ایران اشاره کرده، راهب ایتالیایی، «اودوریکوس» است که در اوایل قرن چهاردهم میلادی به ایران سفر کرد. او تخت جمشید را از نزدیک دیده و به وجود تعدادی از کاخ‌های آنجا اشاره کرده است.

در نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی در فاصله سال‌های ۱۴۷۱ تا ۱۴۷۵ م «جوزفا باربارو» ایتالیایی در سفرش به ایران، از تخت جمشید دیدن کرده است. شرحی که باربارو درباره تخت جمشید نوشته، قدیمی‌ترین شرحی است که خارجیان درباره این آثار نوشته‌اند. باربارو با وجود توصیف نسبتاً مفصلی که از ستون‌ها و نقوش تخت جمشید دارد، به کتیبه‌های آنجا اشاره‌ای نکرده است.

«پیترو دلاواله» ایتالیایی در قرن هفدهم میلادی گزارش مفصلی درباره تخت جمشید تهیه کرده و آن را به همراه نخستین رونوشت از خط میخی فارسی باستان در اختیار محققان اروپایی گذاشته است.

«توماس هربرت» از جمله دیگر کسانی است که در قرن هفدهم، ضمن بازدید از تخت جمشید، سراسر آنجا را با قدم اندازه‌گیری کرده و از روی سنگ نوشته‌های آنجا رونوشت برداشته است.

«ژان شاردن» فرانسوی نیز در قرن ۱۷م، از تخت جمشید دیدن و چندین تصویر نقاشی از آنجا تهیه کرده و متن یک سنگ نوشته میخی را نیز انتشار داده است. یک نقاش هلندی در همان دوره، بقایای تخت جمشید را برای شاه‌عباس دوم نقاشی کرده است.^۱

دانستنی‌های معلم

تاریخ‌نویسی در ایران باستان

از کتاب *ایستِر* (یکی از کتاب‌های تورات) که احتمالاً در قرن پنجم ق. م. نوشته شده، بر می‌آید که در دوره مادها و هخامنشیان نوشتن تاریخ و ثبت و ضبط وقایع دوره هر کدام از شاهان، معمول بوده است، اما کم و کیف این کار و اینکه شرح وقایع بر روی چه چیزی نوشته می‌شد و چگونه آن را نگهداری می‌کردند، معلوم نیست.

ابن ندیم در کتاب *الفهرست* آورده که در روزگاران پیشین، نوشتن علوم بر روی پوست درخت خدنگ و

۱- هرمان، جورجینا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۲۲-۴۰؛

نوابی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، هما، ۱۳۷۰، ص ۱۲۷ به بعد.

پوست حیوانات در ایران معمول بوده است. ابن ندیم همچنین در روایتی که از قول ابو مشعر نقل کرده، نوشته است علاوه بر سنت نوشتن در ایران باستان بر روی درخت خدنگ (توز)، مکانی برای نگهداری کتاب‌ها در سارویۀ جی اصفهان انتخاب کردند که مناسب‌ترین جا از لحاظ اعتدال آب و هوا و دوری از عفونت و مصونیت در برابر زلزله بود. این مکان ناشناخته مانده بود تا اینکه در نیمۀ اول قرن چهارم هجری بخشی از آن ویران شد و آن‌طور که ابن ندیم، ابوریحان بیرونی و حمزه اصفهانی نقل کرده‌اند، تعداد زیادی کتاب در آنجا کشف شد که بر پوست حیوانات و درختان نوشته شده بودند. ابن ندیم نقل کرده تعدادی از کتاب‌های موجود در آن به دست استادش ابوسلیمان رسیده است. آنچه که ابن ندیم و دیگران نقل کرده‌اند، نشان می‌دهد که نوشتن بر روی پوست درختان و پوست حیوانات در ایران باستان معمول بوده و این متون را در محلی به نام «دژنپشت» یا «گنج‌نپشت» نگهداری می‌کرده‌اند.

با توجه به کشف الواح گلین در خزانه تخت جمشید، می‌توان گفت که در زمان هخامنشیان به ثبت و ضبط اطلاعات اداری و اقتصادی حکومت خود اهمیت می‌داده‌اند. پیدا شدن ترجمۀ قسمتی از متن کتیبه بیستون به زبان آرامی در مصر، نشان‌دهنده این است که در مناطق تحت حاکمیت نیز اسناد در خزانه نگهداری می‌شد. کهن‌ترین متنی که به وجود خزانه در دوره هخامنشیان اشاره کرده، کتاب «عزرا» از کتاب‌های تورات است. در کتاب نیرنگ‌های نظامی اثر پلی‌یانوس نویسنده اهل مقدونیه در قرن دوم میلادی، نوشته شده که اسکندر مقدونی، پس از تصرف تخت جمشید، لوحه‌ای مفرغین یافت که شرح سفرۀ شاهان هخامنشی و قوانین مربوط به دوره کورش بر آن نگاشته شده بود. در منابع دوران اسلامی از سوزاندن خزانه هخامنشیان به دستور اسکندر اشاره شده است. موسی خورنی، مورخ ارمنی، به وجود خزانه اسناد در زمان اشکانیان اشاره دارد. او نوشته وقتی ارشک، پادشاه اشکانی، نامه برادرش را که شاه ارمنستان بود، دریافت کرد، دستور داد خزانه اسناد را باز کنند و اطلاعات تاریخی ارمنستان را در اختیار فرستاده برادرش قرار دهند.^۱

۱- بردبار، مهران، خزانه در ایران باستان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال نوزدهم، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۸۳، بهار و تابستان ۸۴، شماره پیاپی ۳۷ و ۳۸، صص ۵-۸، کریعیان، حسین، پژوهشی در شاهنامه، به کوشش علی میرانصاری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، صص ۴۱-۳۳.

۳- ارزشیابی

محور ارزشیابی، علاوه بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس از طریق انجام فعالیت‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های نمونه، میزان تحقق انتظارات یادگیری است.

منابع برای مطالعه بیشتر

کتاب‌ها

- کریمیان، حسن، پژوهشی در باب شاهنامه، به کوشش علی میر انصاری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵.
- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- دریابندری، نجف، افسانه اسطوره، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۷۹.
- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگاه، ۱۳۷۵.
- کرستن سن، آرتور امانوئل، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- جعفری دهقی، محمود، بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- ابن ندیم، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱.
- بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، گردآوری ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، چشمه، ۱۳۸۴.
- کامرون، جورج، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- یارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳ قسمت اول، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴.
- بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه، ۱۳۷۶.
- هرمان، جورجینا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- نوابی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، هما، ۱۳۷۰.

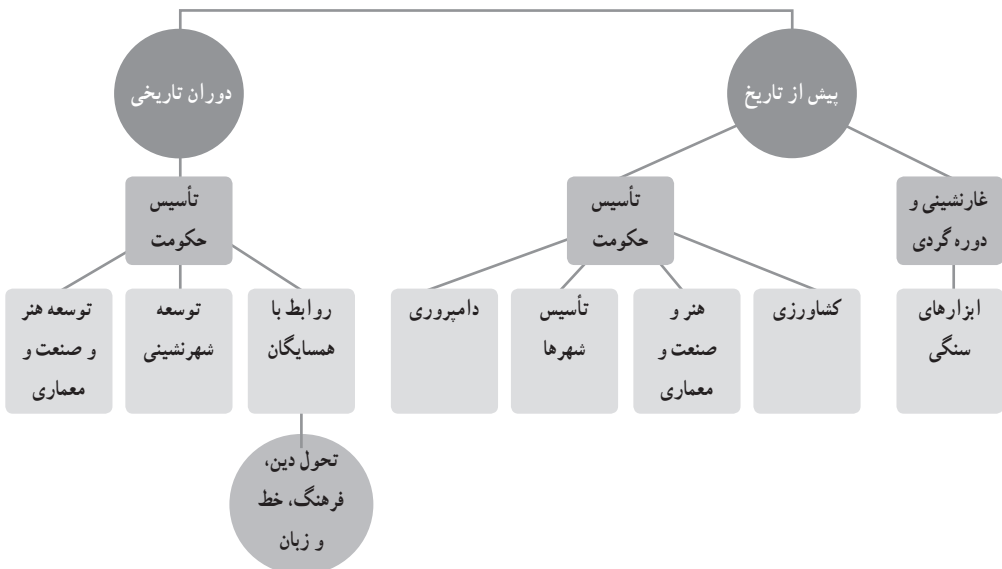
مقالات

- «مقایسه روایاتی چند از سلسله ساسانیان در شاهنامه و منابع تاریخی»، ندا اخوان مقدم، پژوهشنامه علوم انسانی (ویژه تاریخ)، ش ۵۱، پاییز ۱۳۸۵.
- «خزانه در ایران باستان»، مهرناز بردبار، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال نوزدهم، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۸۳، بهار و تابستان ۸۴، شماره پیاپی ۳۷ و ۳۸، صص ۵-۸.

الف) منطق طراحی و تدوین درس

آشنایی با مجموعه عواملی که منجر به پیدایش تمدن در سرزمین ایران و کیفیت تحول و تداوم آن شده، از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. موقعیت جغرافیایی ایران نقش اساسی در تکوین زندگی اجتماعی و تغییر و تحولات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فکری و فرهنگی این سرزمین داشته است. توجه به محیط به عنوان بستر مناسب زندگی انسان و شیوه‌های استفاده از امکانات موجود در آن، نقش محیط طبیعی در برآورده کردن نیازها و سیر تغییر و تحولات آن را معرفی می‌کند. در کنار این بستر طبیعی، بهره‌گیری انسان ایرانی از ذهن خلاق خود، منجر به ابداع و اختراع روش‌ها و ابزارهای جدید و متنوع در عرصه معیشت، صنعت، هنر و معماری شده است. پدید آمدن مدنیت در ایران و توسعه و تکامل آن توسط ایلامی‌ها، موضوعی بنیادی و درخور توجه است. بنیان‌گذاری نخستین حکومت شناخته شده در ایران توسط ایلامی‌ها، علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های اعتقادی و اجتماعی و دستاوردهای هنری و صنعتی، روابط متنوع نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این سرزمین با همسایگان و به ویژه ساکنان بین‌النهرین را رقم زده و حائز اهمیت و توجه است. تمامی این بنیان‌های تمدنی، فکری، فرهنگی و سیاسی و نظامی که در طی حدود ده هزار سال رقم خورده، در ادوار بعدی به شکل‌های مختلف در حیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی منشأ اثر بوده است.

شبکه مفهومی درس ۸ (سپیده دم تمدن ایرانی)



اهداف درس ۸ (سپیده دم تمدن ایرانی)

هدف کلی: آشنایی با نقش موقعیت و شرایط جغرافیایی در شکل‌گیری تمدن در ایران، پیشینه حضور انسان در ایران، مراحل و تحولات زندگی، هنر، صنعت، معماری، فرهنگ، زبان و اعتقادات از پیش از تاریخ تا پایان تمدن ایلامی.

هدف‌های جزئی:

– شناخت موقعیت و شرایط جغرافیایی فلات ایران و نقش آن در شکل‌گیری تمدن و تغییر و تحولات سرزمین ایران؛

- درک پیشینه و شواهد حضور انسان در ایران؛
- تشریح شیوه‌های زندگی و شکل‌گیری نخستین سکونتگاه‌ها در ایران؛
- تشخیص مراحل پیشرفت ساکنان اولیه ایران در سفالگری، فلزکاری، هنر و معماری؛
- تشریح موقعیت و محدوده جغرافیایی تمدن ایلام و چگونگی شکل‌گیری حکومت ایلامی؛
- درک روابط سیاسی، نظامی، تجاری و فرهنگی ایلامی‌ها با همسایگان و دستاوردهای آن؛
- تشریح اعتقادات و مراسم مذهبی ایلامی‌ها.

انتظارات عملکردی درس ۸ (سپیده دم تمدن ایرانی)

انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این درس بتوانند:

- نقش موقعیت جغرافیایی فلات ایران را در شکل‌گیری تمدن در ایران درک و تشریح کنند؛
- سکونتگاه‌های پیش‌آریایی سرزمین ایران را بر روی نقشه نشان دهند؛
- سابقه حضور انسان در فلات ایران را بر اساس شواهد توضیح دهند؛
- در مورد قدمت و پیشرفت‌های صنعت سفالگری در دوره پیش از تاریخ در ایران، توضیح دهند؛
- پیشینه و دستاوردهای صنعت فلزکاری در دوره پیش از تاریخ در ایران را شرح دهند؛
- در مورد شیوه خانه‌سازی در دوره پیش از تاریخ در ایران، توضیح دهند؛
- چگونگی شکل‌گیری حکومت ایلامی را توضیح دهند؛
- روابط حکومت ایلام با سرزمین‌های مجاور و دستاوردهای آن را توضیح دهند؛
- شهرهای معروف تمدن ایلامی را معرفی کنند و در مورد اوضاع اقتصادی، صنعتی و هنر و معماری آنها توضیح دهند؛
- اعتقادات مذهبی مردمان ایلام قدیم را با اعتقادات مردمان بین‌النهرین مقایسه کنند؛
- مقام و منزلت زن در تمدن ایلامی را شرح دهند.

(ب) ایده‌های کلیدی

مفاهیم	موضوعات
زمان، گاه‌شماری و مکان	پیش از تاریخ؛ دورهٔ ایلامی
تغییر و تداوم	مراحل مختلف شکل‌گیری و تکامل تمدن در ایران
کاربست شواهد و مدارک	نقشه، نمودار و تصاویر
ارتباط و ارائه	ترسیم نمودار خط زمان دوران پیش از تاریخ ایران

(پ) توصیه‌های تدریس

۱- آماده کنید

اطلس جغرافیایی که حاوی نقشه طبیعی ایران و جهان باشد را با خود به کلاس ببرید. پیش از تشریح موقعیت جغرافیایی ایران، با توجه به پیش‌آموخته‌های دانش‌آموزان و با این فرض که دانش‌آموزان این درس را پیش‌خوانی کرده‌اند، پرسش‌هایی در مورد موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی و آب و هوایی سرزمین ایران مطرح کنید.

پس از دریافت پاسخ دانش‌آموزان، از روی نقشه‌های اطلس، موقعیت نسبی و شرایط طبیعی و آب و هوایی ایران را تشریح کنید. سپس به تأثیر موقعیت جغرافیایی بر مهاجرت‌ها و تهاجمات به ایران بپردازید.

۲- آموزش دهید

توجه دانش‌آموزان را به نقشه صفحهٔ ۷۱ جلب کنید و از آنان بخواهید که به پرسش‌های فعالیت ۱ پاسخ دهند. در پاسخ به پرسش «الف» این فعالیت، دانش‌آموزان باید به مقایسهٔ پراکندگی محوطه‌ها و سکونتگاه‌های پیش‌آریایی با پراکندگی روستاها و شهرهای کنونی ایران بپردازند. تراکم سکونتگاه‌ها و محوطه‌های پیش‌آریایی در مناطقی از ایران که امروزه شهرها و روستاهای زیادتری دارند، قابل مشاهده است. این تراکم در مناطق غرب، شمال‌غربی، شمال و دامنه‌های جنوبی البرز، بیشتر از دیگر جاها مشهود است. مناطق مرکزی، جنوب، جنوب‌شرقی، شرق و شمال‌شرقی ایران تقریباً به همان نسبت که امروزه شهرها و روستاهای کمتری دارند، در دورهٔ پیش‌آریایی نیز، به نسبت دیگر مناطق ایران، سکونتگاه‌های کمتری داشته‌اند.

از دانش‌آموزان بخواهید با این شیوه به پرسش‌های «ب» و «پ» پاسخ دهند.

با تکیه به آنچه دانش‌آموزان در درس چهارم در مبحث پیش از تاریخ آموخته‌اند، به شیوهٔ معیشت و

تحولات و ابداعات انسان‌های دوره پیش از تاریخ در ایران بپردازید. سعی کنید بین این فراز از درس و مطالب و نمودار خط زمان در صفحات ۳۰ و ۳۱، ارتباط مناسب برقرار کنید. با توجه به آنچه که در درس چهارم مطرح شده، می‌توان گفت که سرزمین ایران یکی از نخستین مراکز تجمع انسان بوده است.

پس از ذکر این مقدمه کوتاه، تصاویری از ابزارهای سنگی و سفالی مربوط به دوره پیش از تاریخ ایران به دانش‌آموزان نشان دهید و تصاویر صفحات ۷۲ و ۷۳ را نیز معرفی کنید. قدمت آثار و ابزارهای یافته شده در نقاط مختلف ایران و نیز سیر تحولات مربوط به مراحل مختلف سکونت و پیشرفت‌های مربوط به ساخت مسکن و ابزار و وسایل در ایران را تشریح کنید. در ضمن تشریح، به مقایسه بعضی از جنبه‌های معیشت و تحولات تمدنی که در درس‌های چهارم و پنجم به آن پرداخته شده، اشاره کنید. سپس از دانش‌آموزان بخواهید که وجوه دیگری از این گونه تشابهات و تفاوت‌ها را معرفی کنند.

در هر مرحله از تدریس، به تناسب موضوع، توجه دانش‌آموزان را به تصاویر درس جلب نمایید. دانش‌آموزان را به انجام فعالیت‌های ۲ و ۳ وادار کنید. در انجام فعالیت‌ها، دانش‌آموزان را راهنمایی دهید و با آنان همفکری کنید.

در پایان مبحث ایران در دوران پیش از تاریخ، از دانش‌آموزان بخواهید نمودار خط زمان این دوره را ترسیم کنند.

مبحث دوران تاریخی ایران را با اشاره به تفاوت بارز دوران پیش از تاریخ با دوران تاریخی، یعنی استفاده از خط، آغاز کنید. تصویری از آجرهای کتیبه‌دار دوره ایلامی (تصویر صفحه ۷۸ و یا تصویری که خود انتخاب کرده‌اید) را به دانش‌آموزان نشان دهید و تأکید کنید چنین نوشته‌هایی اطلاعات تاریخی دوره ایلامی را به زمان ما منتقل کرده‌اند. توجه دانش‌آموزان را به نقشه قلمرو حکومت ایلام (صفحه ۷۶) جلب نمایید. با توجه به نقشه، از دانش‌آموزان پرسش کنید که وجه اشتراک اصلی شکل‌گیری تمدن ایلام با دیگر تمدن‌هایی که با آنها آشنا شده‌اید، چیست.

سپس به نقش رودهای کارون، کرخه و دز در شکل‌گیری تمدن ایلام بپردازید و سرزمین و محدوده قلمرو ایلامیان را معرفی کنید. در ضمن تدریس، بر تأثیرپذیری و تأثیرگذاری تمدن ایلامی از تمدن‌های بین‌النهرین تأکید کنید.

در مبحث تأسیس حکومت ایلام، به نقش عوامل خارجی در آن، یعنی حملات فرمانروایان بین‌النهرین، اشاره کنید. این موضوع را با مبحث نقش موقعیت جغرافیایی خاص ایران و تهاجم اقوام مختلف به این سرزمین که در مقدمه این درس (صفحه ۷۱) به آن پرداخته شده، ارتباط دهید. در ادامه، به شکل‌های مختلف رابطه ایلامی‌ها با سرزمین‌های همجوارشان و دستاوردها و پیامدهای مثبت و منفی آن بپردازید. این دیدگاه را به دانش‌آموزان انتقال دهید که با وجود فاصله مکانی بین تمدن ایلام و سرزمین‌های دوردست و

وجود روابط خصمانه بین این سرزمین و بین‌النهرین، دستاوردهای مختلف بین آنها تبادل شده و اشتراکات فرهنگی فراوانی پدید آمده است.

مقایسه اشتراکات و تفاوت‌های اعتقادی و اجتماعی مردمان تمدن ایلام با دیگر تمدن‌ها (تمدن‌هایی که دانش‌آموزان با آنها آشنا شده‌اند) را به دانش‌آموزان بسپارید. در پایان پاسخ‌های دانش‌آموزان را اصلاح و کامل کنید.

دانستنی‌های معلم

پیشینه زندگی انسان در جلگه خوزستان به بعد از دوران نوسنگی بر می‌گردد. رودهایی که از کوهستان‌های زاگرس سرچشمه می‌گیرند و در جلگه خوزستان جاری می‌شوند، زمینه مناسبی برای استقرار گروه‌های انسانی در خوزستان فراهم آورده‌اند. از هزاره هفتم ق. م. به بعد، ساکنان کوهستان‌های مشرف بر جلگه خوزستان در فصل زمستان، به همراه گله‌های خود به خوزستان می‌آمدند. این گله‌داران به تدریج در بخش‌هایی از شمال دشت شوش که با آب رودها آبیاری می‌شد، به کشاورزی مشغول شدند. در همان دوران، عده‌ای از این گله‌داران در دشت دهلران ساکن شدند. در حدود ۶۰۰۰ سال ق. م. چغامیش و در هزاره پنجم، جلگه شوش در غرب چغامیش مسکونی شدند و اجتماعات انسانی در آنجا به کشاورزی پرداختند. در حدود ۳۹۰۰ ق. م شهر شوش در مقایسه با چغامیش که مدتی حاکم‌نشین بود، جایگاه برتری یافت و حاکم‌نشین شد.

از اواسط هزاره پنجم ق. م از طریق دهلران، روابط ساکنان خوزستان با سرزمین بین‌النهرین برقرار شد. این روابط، بین این دو منطقه اشتراکات فرهنگی ایجاد کرد و تأثیرات آن در دوره‌های اولیه تمدن ایلامی به طور واضح در ساخت و تزیین ظروف سفالی نمایان شد.^۱

ایلام، نام تمدن و حکومتی است که به مدت حدود ۲۰۰۰ سال (تا قرن هفتم قبل از میلاد) بر جنوب غربی ایران حاکم بود. حکومت ایلام از اتحاد مجموعه‌ای از حکومت‌های کوچک تشکیل شده بود. فرمانروایی ایلام گاهی مستقل و گاهی بخش‌هایی از آن تحت سلطه دولت‌های حاکم بر بین‌النهرین بود. این حکومت در اوج قدرت خود (۱۰۰۰-۱۵۰۰ ق. م) بر بخش‌هایی از بین‌النهرین فرمان می‌راند. در دوران اوج قدرت، از سمت شمال تا نزدیک همدان، از شرق تا کرمان، از جنوب تا سواحل خلیج فارس و از شرق تا بخش‌هایی از سرزمین بین‌النهرین گسترده بود.

انسان، ورخشه، سیماش و سوزیانا از جمله مراکز پادشاهی‌های کوچک‌تر بودند که پادشاهی بزرگ

۱- آمیه، بی. یر، شوش شش هزار ساله، ترجمه علی موسوی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۹، ص ۳۲-۲۹.

ایلامی را تشکیل می‌دادند. کوتیک این شوشیناک، شاهان کوچک را در اتحادیه‌ای گرد آورد و حکومت بزرگ ایلامی را پایه‌گذاری کرد.

اوج قدرت ایلام در قرن دوازدهم ق.م بود که در طی آن ایلامی‌ها به حکومت کاسی‌ها بر بین‌النهرین پایان دادند.

پادشاهی ایلام در شرایطی تشکیل شد که کشاورزی و دامپروری در جلگه خوزستان، به سبب حاصلخیزی خاک و فراوانی آب، رونق یافته بود.

ایلامی‌ها به زبان ایلامی سخن می‌گفتند و به خط ایلامی می‌نوشتند. زبان و خط سومری و خط اکدی نیز در میان ایلامی‌ها رایج بود.

شوش و دور اوتش از جمله شهرهای تمدن ایلامی هستند. شوش پایتخت اصلی ایلام بود. دور اوتش در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شوش قرار داشت که معبد چغازنبیل از آن باقی مانده است. این شهر در زمان اوتش‌گل مدتی پایتخت ایلام بود.

در قرن هفتم ق.م. مداخلات آشور و اختلافات داخلی، حکومت ایلامی را تضعیف کرد. میان سال‌های ۶۴۸ تا ۶۴۶ ق.م آشور بانی‌پال، فرمانروای آشور، به سرزمین ایلام لشکرکشی کرد. در نتیجه این حمله، آشوری‌ها شوش و تعدادی دیگر از شهرهای ایلامی را تاراج و ویران کردند. این حمله موجب فروپاشی حکومت ایلام شد. فرمانروایان محلی بخش‌هایی از حکومت ایلام، تا مدتی بعد از این حمله، به حیات خود ادامه دادند. فرمانروایان هخامنشی از جمله این فرمانروایان محلی بودند که بر بخش‌هایی از شرق قلمرو ایلام، که به «اثنان» معروف بود، حکومت می‌کردند.^۱

۳- به پایان ببرید

در پایان، بعد از جمع‌بندی موضوعات اساسی درس با مشارکت دانش‌آموزان، توضیح دهید که از بین رفتن حکومت ایلام به معنی از بین رفتن تمدن ایلامی نیست. دستاوردهای تمدن ایلام در زمینه هنر، معماری و خط از طریق حکومت‌های محلی از جمله حکومت اثنان، به تمدن‌ها و حکومت‌های بعدی انتقال یافته است.

۴- ارزشیابی

محور ارزشیابی، علاوه بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس از طریق انجام فعالیت‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های نمونه، میزان تحقق انتظارات یادگیری است.

۱- فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، جلد ۴، شورای کتاب کودک زیر نظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی، تهران، شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷. صص ۲۸۳-۲۸۰.

منابع برای مطالعه بیشتر

- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- آمیه، بی‌یر، شوش شش هزار ساله، ترجمه علی موسوی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۹.
- گذار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۴۵.
- هینس، والتر، دنیای گم شده ایلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- میرسعیدی، نادر، تاریخ سیاسی ایلام باستان، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵.
- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، جلد ۴، شورای کتاب کودک زیر نظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی، تهران، شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷.

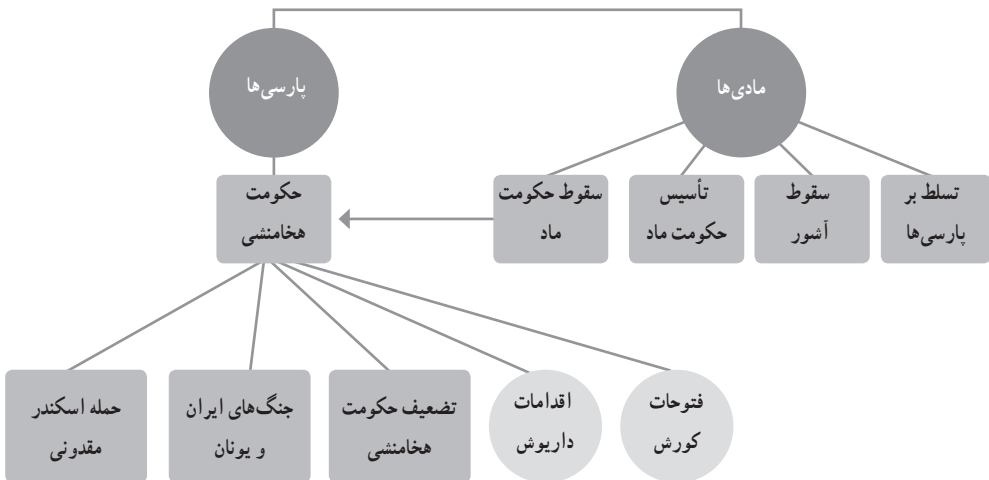
از ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان

درس ۹

الف) منطق طراحی و تدوین درس

سرزمین ایران، از زمان ورود آریایی‌ها تا پایان حکومت هخامنشیان، از جنبه سیاسی، نظامی و حکومت‌داری، تغییر و تحولات مختلفی را شاهد بوده است. این تغییرات، شرایط جدیدی در این سرزمین ایجاد کرده است. توجه دانش‌آموزان به این تغییر و تحولات، آنان را با مفهوم زمان، تغییر و تداوم آشنا می‌کند. علاوه بر آن، نقش موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران و سرزمین‌های همجوار به عنوان مقصد مهاجرت و عامل رقابت و درگیری حکومت‌ها در این دوره زمانی، به صورت آشکار به چشم می‌خورد. همچنین آگاهی از تغییر و تحولات این دوره نسبتاً طولانی، دانش‌آموزان را به فهم پایه‌ای از این مقطع سرنوشت‌ساز تاریخ ایران و نوع روابط حاکمان آن با ملل و حکومت‌های معاصر خود می‌رساند. دانش‌آموزان از این طریق می‌توانند شرایط سیاسی و اقتصادی این مقطع زمانی را با دوره‌های قبل و بعد از آن مقایسه کنند. این واحد یادگیری همچنین دانش‌آموزان را با نقش شخصیت‌های تأثیرگذار در سرنوشت سیاسی ایران آشنا می‌کند.

شبکه مفهومی درس ۹ (از ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان)



اهداف درس ۹ (از ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان)

هدف کلی: درک موضوع مهاجرت آریایی‌ها به ایران، چگونگی تشکیل حکومت‌های ماد و هخامنشی، اقدامات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی شاهان این حکومت‌ها و روابط آنها با همسایگان.

هدف‌های جزئی:

- درک مفهوم واژه‌های آریایی، ایران و هند و اروپایی؛
- شناخت چگونگی تشکیل حکومت ماد و فراز و فرود آن؛
- تشریح اقدامات فرمانروایان تأثیرگذار مادی؛
- ارزیابی قلمرو حکومت مادی‌ها؛
- شناخت موقعیت سیاسی پارس‌ها پیش از تشکیل حکومت فراگیر هخامنشیان؛
- تشریح چگونگی تشکیل حکومت هخامنشی؛
- درک فتوحات هخامنشیان و دستاوردهای این فتوحات؛
- مقایسه قلمرو حکومت‌های ماد و هخامنشی؛
- شناخت اقدامات داریوش هخامنشی؛
- تشریح علل و عوامل جنگ‌های هخامنشیان و یونان؛
- شناخت علل ضعف و سقوط حکومت هخامنشیان؛
- بیان دستاوردهای حکومت هخامنشیان.

انتظارات عملکردی درس ۹ (از ورود آریاییان تا پایان هخامنشیان)

انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان این درس بتوانند:

- بر روی نقشه نشان دهند که قلمرو حکومت ماد کدام قسمت از سرزمین ایران و همسایگانش را شامل می‌شد؛
- محدوده تقریبی حکومت محلی هخامنشیان در زمان مادی‌ها را بر روی نقشه نشان دهند؛
- تمدن‌های معاصر حکومت ماد را بر روی نقشه نشان دهند؛
- منابع دست اول که در تدوین این درس از آنها استفاده شده را برشمارند؛
- جنبه‌های سیاسی و نظامی فتوحات کوروش هخامنشی را بررسی کنند؛
- رفتار کوروش هخامنشی با مردمان سرزمین‌های فتح شده را با رفتار فاتحان آن دوره مقایسه کنند؛
- نقش موقعیت جغرافیایی در شکل‌گیری روابط هخامنشیان و یونان را بررسی کنند؛
- بر روی نقشه نشان دهند که هخامنشیان بر چه قسمت‌هایی از جهان امروز حکومت می‌کردند؛
- علل و پیامدهای جنگ‌های ایران و یونان در زمان هخامنشیان را بررسی کنند؛

- مهم‌ترین رخداد‌های ایران را بر روی خط زمان از زمان مهاجرت آریاییان تا سقوط هخامنشیان نشان دهند؛
- نقش شخصیت‌های دوره تاریخی استقرار آریاییان در ایران تا پایان حکومت هخامنشیان را بررسی کنند؛
- پژوهشی ساده درباره جنگ‌های ایران و یونان انجام دهند.

(ب) ایده‌های کلیدی

مفاهیم	موضوعات
زمان، گاه‌شماری و مکان	نیمه دوم هزارهٔ دوم قبل از میلاد تا ۳۳۱ ق. م؛ قلمرو حکومت‌های ماد و هخامنشی؛ نقش عوامل جغرافیایی
علت و معلول	تضعیف و سقوط سلسله‌های ماد و هخامنشی؛ جنگ‌های ایران و یونان؛ شورش شهرهای آسیای صغیر؛ دخالت هخامنشیان در جنگ‌های پلوپونز؛ نقش شخصیت‌های تأثیرگذار
تغییر و تداوم	مهاجرت آریاییان؛ شکل‌گیری و سقوط حکومت‌های ماد و هخامنشی؛ سقوط حکومت آشور؛ گسترش قلمرو هخامنشیان؛ فتوح شاهان ماد و هخامنشی؛ اقدامات شاهان ماد و هخامنشی
کاربست شواهد و مدارک	نمودار خط زمان؛ نقشه‌ها؛ تصاویر؛ گزیده متن کتاب تاریخ مردم ایران؛ فایل صوتی
ارتباط و ارائه	ترسیم نقشه قلمرو حکومت‌های ماد و هخامنشی و مقایسه آنها؛ معرفی منشور کوروش و استدلال در مورد اهمیت آن

پ) توصیه‌های تدریس

۱- آماده کنید

پیشنهاد می‌شود درس را با پرسش در مورد ریشه نام «ایران» شروع کنید. از دانش‌آموزان بپرسید در مورد نام کشور ایران چه می‌دانند. به دانش‌آموزان فرصت دهید در این باره نظرات خودشان را بیان کنند. در حین اظهار نظر دانش‌آموزان، بحث را هدایت کنید و به نحو شایسته، ارتباط نام ایران و اقوام آریایی را بیان نمایید. سپس وارد دیگر موضوعات درس شوید.

۲- آموزش دهید

محتوای این درس به گونه‌ای است که می‌توان در تدریس آن از روش‌ها و وسایل متنوع بهره گرفت. روش سخنرانی، پرسش و پاسخ، مشارکتی و استفاده از قطعات ویدیویی و صوتی، تصاویر، نقشه و نمودار در این درس کاربرد دارد.

علل و پیامدهای مهاجرت آریاییان به ایران، شرایط سیاسی و نظامی موقعیت زمانی تشکیل حکومت ماد، توجه به اقوام و همسایگان دولت ماد و قلمرو آن دولت، نقش شاهان ماد، موقعیت و شرایط تشکیل حکومت هخامنشی و علل و عوامل فراز و فرود آن، نقش شاهان هخامنشی، قلمرو هخامنشیان و نوع روابطشان با ملل و همسایگان، مفاهیم اساسی درس را تشکیل می‌دهد. استفاده از متن درس، نقشه و نمودار خط زمان و توضیحات تکمیلی معلم به همراه مشارکت دانش‌آموزان، می‌تواند یادگیری عمیق و پایدار در این درس ایجاد کند.

توجه دانش‌آموزان را به نمودار پایین صفحات ۸۰ و ۸۱ جلب نمایید تا از این طریق آگاهی اجمالی از محدوده زمانی موضوع درس و رخدادهای اساسی این دوره حاصل شود. پرسش در مورد رخدادهای اساسی این دوره و استدلال در مورد آن می‌تواند شیوه مناسبی برای ورود به درس باشد. همانند مباحث پیشین، شایسته است معلم استدلال‌های دانش‌آموزان را بشنود و سپس رخدادهای سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار این دوره را با استدلال معرفی کند؛ به عنوان مثال، تشکیل حکومت ماد از این جنبه که به ایجاد اتحادیه سیاسی و نظامی در مقابل دولت مهاجم و ویرانگر آشور منجر شد، یکی از رخدادهای سرنوشت‌ساز این دوره است. مهاجرت آریایی‌ها به ایران، تأسیس حکومت هخامنشی، فتوحات، جنگ‌ها و دیگر نقش‌های شاهان آن سلسله، حمله اسکندر به ایران و پایان یافتن حاکمیت هخامنشیان، از دیگر رخدادهای سرنوشت‌ساز این دوره تاریخی هستند.

ارتباط این درس با موضوع اهمیت موقعیت جغرافیایی، این ضرورت را ایجاد می‌کند که در هنگام تدریس، به رابطه این موضوع با بخشی از درس ۳ (پیوند جغرافیا و تاریخ) به عنوان پیش‌آموخته‌های

دانش آموزان توجه شود. موقعیت جغرافیایی ایران، به عنوان مقصد مهاجرت آریاییان و رقابت هخامنشیان و یونانیان بر سر بخش‌هایی از آسیای صغیر از موارد قابل توجه در این زمینه است. مهاجرت آریایی‌ها و استقرارشان در سرزمین ایران، مثال بسیار مناسبی برای نقش عوامل و موقعیت جغرافیایی در تحولات تاریخی است.

توجه دادن دانش‌آموزان به نقشه قلمرو دولت ماد و اقوام و سرزمین‌های تابع آن حکومت و نیز مقایسه آن با نقشه قلمرو دولت ایلام، به آموخته‌های آنان می‌افزاید.

تشکیل حکومت هخامنشی، به عنوان یکی از مقاطع مهم و اثرگذار تاریخ ایران، بسیار مهم است؛ بنابراین، در پرداختن به هخامنشیان لازم است به این موضوع توجه شود که تشکیل این حکومت، ایران را به معادلات جهانی آن زمان وارد کرد و موقعیتی را پیش روی سرزمین ما گشود که پیامدهای مختلف و متنوع آن تا چندین قرن این سرزمین را تحت تأثیر قرار داد. فراز و فرود حکومت هخامنشیان، علل، عوامل و پیامدهای آن و نیز نوع روابط هخامنشیان با ملل تابع و حکومت‌های قدرتمند آن زمان، از دیگر مباحث شایان توجه است.

تأکید بر نقش و اقدامات شخصیت‌های این دوره تاریخی در تثبیت و گسترش قدرت و قلمرو هخامنشیان، از جمله پیوندهای مناسب و شایسته توجه در این درس است.

افزون بر ارائه توضیحات لازم درباره متن درس و مشارکت دادن دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های طراحی شده در درس، معلم می‌تواند در فرازهایی از درس، با شیوه‌های مختلف، دانش‌آموزان را در دیگر فعالیت‌های درس درگیر نماید. در این راستا شیوه‌های زیر قابل توجه است:

■ از دانش‌آموزان بخواهید با توجه به آنچه که در درس‌های پیش درباره افسانه و اسطوره آموخته‌اند، در مورد سرگذشت کورش نظر بدهند. با راهنمایی معلم جنبه‌های افسانه‌ای از واقعیت‌های تاریخی زندگی کورش، تفکیک شود؛

■ از یکی از دانش‌آموزان بخواهید متن بررسی شواهد و مدارک صفحه ۸۲ را بخواند و سپس پرسش کنید کورش و داریوش هخامنشی با چه هدفی اجداد خود را معرفی کرده‌اند. هدف این است که دانش‌آموزان، با راهنمایی و هدایت معلم، به اهمیت موضوع کسب مشروعیت در سلسله‌های حکومتی پی ببرند؛

■ از دانش‌آموزان بخواهید نقشه حکومت‌های ماد و هخامنشی را مقایسه کنند. در مقایسه قلمرو دو سلسله، به موقعیت‌های ویژه جغرافیایی که این سلسله‌ها از آن برخوردار بوده‌اند و نیز تمدن‌های پیشین که به حاکمیت آنها در آمده‌اند، توجه شود. به عنوان مثال، حکومت ماد قلمرو تمدن ایلام و دیگر تمدن‌های پیش‌آریایی را تحت حاکمیت خود درآورد و از دستاوردهای آن استفاده کرد.

شایسته است در هنگام طرح نظرات دانش‌آموزان درباره این موضوعات، معلم بحث را هدایت کند و نتیجه مطلوب از آن به دست آورد.

برای توضیح منشور کورش، که تصویر آن در صفحه ۸۳ آمده است، ارائه توضیح مختصر زیر توسط معلم به درک و فهم بیشتر آن کمک می‌کند:

دانستنی‌های معلم

«منشور کورش» در کاوش‌های هیئت باستان‌شناسی انگلیسی به سرپرستی هرمزد رسام در بین‌النهرین در سال ۱۲۵۸ ش/۱۸۷۹ م کشف شد و هم‌اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود. منشور کورش به شکل استوانه‌ای به درازای ۲۳ و پهنای ۱۱ سانتی‌متر و از جنس گل پخته ساخته شده و قطر قسمت میانی آن بیشتر از دو سر آن است. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که منشور در فاصله سال‌های ۵۳۸ تا ۵۳۰ ق. م یعنی یک تا هشت سال پس از تصرف شهر بابل توسط سپاه هخامنشی، به فرمان کورش و به خط میخی و زبان بابلی نو (اکدی) نوشته شده است. بخشی از کتیبه منشور دچار شکستگی شده و بخش‌هایی از نوشته‌های آن آسیب دیده است. از این منشور ترجمه‌های متعددی توسط زبان‌شناسان اروپایی به زبان فارسی ارائه شده است. ترجمه انگلیسی متن منشور به همراه نسخه بدلی استوانه، در سال ۱۳۵۰ به دبیر کل سازمان ملل متحد تحویل داده شد که هم‌اکنون در ساختمان سازمان ملل در نیویورک نگهداری می‌شود.

۳- به پایان ببرید

در پایان، توجه دانش‌آموزان را به نکات اصلی درس جلب کنید. از دانش‌آموزان بخواهید فزاینده‌های سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار دوره ورود آریایی‌ها تا پایان حکومت هخامنشیان را معرفی کنند. مطالبی که دانش‌آموزان به آنها توجه نکرده‌اند را بیفزایید. مهاجرت آریایی‌ها به ایران، تأسیس حکومت ماد و هخامنشی، نقش شخصیت‌های تأثیرگذار، ایجاد وحدت و هماهنگی بین اقوام قلمرو پهناور هخامنشی، توجه به اصول و حقوق انسانی، پایه‌گذاری شیوه کشورداری، علل و نتایج درگیری با یونان و عوامل مؤثر در ضعف و انحطاط حکومت هخامنشیان، از موضوعات قابل توجه در جمع‌بندی درس است.

۴- ارزشیابی

محور ارزشیابی، علاوه بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس از طریق انجام فعالیت‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های نمونه، میزان تحقق انتظارات یادگیری است.

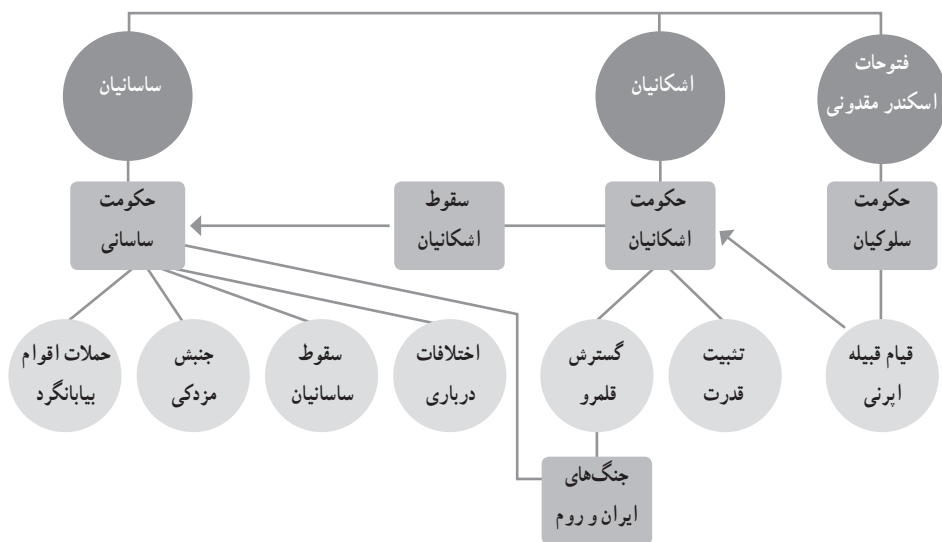
منابع برای مطالعه بیشتر

- بریان، بی.یر، تاریخ امپراتوری هخامنشیان، ۲ جلد، ترجمه مهدی سمسار، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۷.
- دباکونوف، ا. م، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- اومستد، آبرت تن آیک، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- داندامایف، م. آ، ایران در دوران نخستین شاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- هرودت، تواریخ، ترجمه و حواشی وحید مازندرانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- فرای، ریچاردنلسون، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.
- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- میراث ایران، گروه مؤلفان (سیزده تن از خاورشناسان)، زیر نظر ا. ج. آربری، ترجمه احمد بیرشک و همکاران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
- ماری کخ، هاید، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، کارنگ، بی تا.
- امپراتوری فراموش شده، جهان پارسیان باستان، گروه مؤلفان، ویراستاران انگلیسی جان کرتیس و نایجل تالیس، ترجمه فرح مستوفی و دیگران، تهران، کتاب آمه، ۱۳۹۲.
- هینتس، والتر، داریوش و ایرانیان، تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ماهی، ۱۳۸۷.
- هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
- باستان‌شناسی در ایران، هیئت باستان‌شناسی آلمان در ایران، ترجمه سروش حبیبی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.
- رجبی، پرویز، هزاره‌های گمشده، تهران، توس، ۱۳۸۰.

الف) منطق طراحی و تدوین درسی

آشنایی با چگونگی شکل‌گیری و تداوم دو حکومت اشکانیان و ساسانیان و شرایط سیاسی و نظامی حاکم بر ایران در دوره حاکمیت این دو سلسله، از جنبه‌های مختلف قابل توجه است. اوضاع سیاسی و نظامی نامطلوب ایران در دوره حاکمیت کوتاه اسکندر و استقرار حاکمیت سلوکیان بیگانه بر این سرزمین، از عبرت‌های تاریخ ایران و شایسته توجه است. اشکانیان، به عنوان قومی ایرانی، علاوه بر آنکه به حاکمیت سلوکیان بیگانه بر ایران پایان دادند، استقلال و یکپارچگی قومی و سرزمینی را احیا و به بازآفرینی بخش‌هایی از هویت ایرانی کمک کردند. برقراری شکل جدیدی از روابط با جهان شرق و غرب، در دوره اشکانیان رقم خورد. در شرق، برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با چین، فصل نوینی در ایران رقم زد. در مرزهای غربی روابط خصمانه ایران و امپراتوری روم در دوره اشکانیان آغاز و به درگیری‌های متعدد منجر شد. پیروزی سپاه اشکانی بر سپاه روم در جنگ حران یکی از رخداد‌های افتخارآمیز ایران است و توجه به آن ضمن معرفی خوی تجاوزکارانه امپراتوری روم، در کنار بیرون راندن سلوکیان از خاک ایران، به تقویت هویت ملی دانش‌آموزان کمک می‌کند. با قدرت یافتن ساسانیان، شیوه نوینی از حکومت در ایران ایجاد شد که یکی از جنبه‌های آن تقویت قدرت حکومت مرکزی در سراسر سرزمین ایران و از بین بردن آثار ملوک‌الطوایفی است. تداوم درگیری‌های ایران و امپراتوری روم به طور متناوب تا اواخر عمر حکومت ساسانی و برخورد با تجاوزات قبایل بیابانگرد از موضوعات اساسی و شایسته توجه در آن دوره است. جنبش مزدکی که در نوع خود نخستین جنبش اجتماعی تاریخ ایران به حساب می‌آید، به همراه واکنش‌های مختلف حکومت ساسانی در مقابل آن و کشمکش‌ها و رقابت‌های سیاسی درباریان و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی، فرازهایی از وقایع این دوره است که به همراه عوامل دیگر در تضعیف حکومت ساسانیان نقش اساسی دارد. توجه به این موارد و کلیت دوره ساسانی به عنوان حلقه اتصال تمدن دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی تاریخ ایران، ضروری است.

شبکه مفهومی درس ۱۰ (اشکانیان و ساسانیان)



هدف‌های درس ۱۰ (اشکانیان و ساسانیان)

هدف کلی: درک چگونگی شکل‌گیری و شیوه فرمانروایی حکومت‌های اشکانیان و ساسانیان، روابط ایران با چین، علل و عوامل درگیری‌های ایران و روم، مشکلات داخلی و خارجی زمان فرمانروایی ساسانیان و علل ضعف حکومت ساسانی.

هدف‌های جزئی:

- شناخت اوضاع ایران در زمان حکومت سلوکیان؛
- درک چگونگی تشکیل حکومت اشکانیان؛
- تشریح روابط اشکانیان با چین و امپراتوری روم؛
- درک علل بروز اختلاف و درگیری ایران و روم در دوره اشکانیان؛
- مقایسه شیوه فرمانروایی اشکانیان و ساسانیان؛
- درک دستاوردهای حکومت اشکانی؛
- آشنایی با موقعیت خاندان ساسانی پیش از تشکیل حکومت و چگونگی تشکیل حکومت ساسانی؛
- ارزیابی علل بروز و تداوم اختلاف و درگیری ایران و روم در دوره ساسانیان؛
- درک مشکلات داخلی و خارجی آغاز پادشاهی اردشیر بابکان؛
- تشریح جنبش مزدک و سرانجام آن؛

- شناخت مشکلات درونی دربار ساسانی؛
- درک علل ضعف و سقوط حکومت ساسانی.

انتظارات عملکردی درس ۱۰ (اشکانیان و ساسانیان)

انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان این درس بتوانند:

- وضعیت ایران در دوره حاکمیت اسکندر و سلوکیان را تشریح کنند؛
- چگونگی تأسیس حکومت اشکانی و تثبیت و تداوم آن را تشریح کنند؛
- در مورد اختلافات و درگیری‌های اشکانیان با امپراتوری روم و نتایج آن توضیح دهند؛
- دستاوردهای سیاسی و فرهنگی حکومت اشکانی را توضیح دهند؛
- علل و عوامل تضعیف و سقوط حکومت اشکانی را بیان کنند؛
- خاستگاه حکومت ساسانی و چگونگی انتقال حکومت از اشکانیان به ساسانیان را شرح دهند؛
- مشکلات داخلی و سیاسی حکومت ساسانیان را دسته‌بندی کنند؛
- استنباط خود را از دلایل بروز جنبش مزدک و شیوه برخورد حکومت ساسانی با آن بیان کنند؛
- دلایل تداوم اختلاف ایران و امپراتوری روم در دوره ساسانیان را دسته‌بندی کنند؛
- در مورد نقش اختلافات داخلی در تضعیف حکومت ساسانی استدلال کنند؛
- عوامل مؤثر در سقوط ساسانیان را برشمارند.

ب) ایده‌های کلیدی

مفاهیم	موضوعات
زمان، گاه‌شماری و مکان	دوره اشکانیان و ساسانیان
علت و معلول	جنگ‌های ایران و روم؛ ضعف و سقوط حکومت‌های اشکانی و ساسانی
تغییر و تداوم	سقوط حکومت سلوکی؛ تشکیل حکومت اشکانی و ساسانی؛ جنبش مزدک؛ جنگ‌های ایران و روم
کاربست شواهد و مدارک	نمودار خط زمان؛ تصاویر؛ نقشه‌ها؛ متن شواهد و مدارک
ارتباط و ارائه	تهیه پاورپوینت؛ انجام پژوهش ساده؛ تهیه نمودار خط زمان مربوط به جنگ‌های ایران و روم

پ) توصیه‌های تدریس

۱- آماده کنید

توجه دانش‌آموزان را به نمودار پایین صفحات ۹۰ و ۹۱ جلب کنید و از آنها بخواهید رخدادهای سرنوشت ساز نمودار را تعیین کنند و در مورد اهمیت آن دلیل بیاورند. در هنگام ارائه نظرات دانش‌آموزان، راهنمایی‌های لازم را ارائه دهید.

۲- آموزش دهید

استفاده از روش‌های متنوع و تلفیقی در ارائه این درس پیشنهاد می‌شود. در هنگام استفاده از روش سخنرانی، در فرصت‌های مناسب توجه دانش‌آموزان به نمودار خط زمان، نقشه‌ها و تصاویر کتاب جلب شود و معلم آنها را به عناصر گویا تبدیل کند؛ به این معنا که اطلاعات مورد نیاز و مرتبط به هر یک را ارائه دهد.

وضعیت ایران در دوره حاکمیت اسکندر و سلوکیان، قیام اشکانیان علیه سلوکیان، تأسیس و تثبیت حکومت اشکانیان، خاستگاه ساسانیان، مشکلات و مسائل داخلی و خارجی ساسانیان، جنبش مزدک و شیوه برخورد حکومت ساسانی با آن، اختلافات و درگیری‌های ساسانیان و امپراتوری روم، دلایل و عوامل تضعیف و سقوط حکومت ساسانی، موضوعات و مفاهیم اساسی این درس را تشکیل می‌دهد. شایسته است این موضوعات محور تدریس قرار گیرند.

این درس با هویت سیاسی ارتباط دارد و می‌توان در تدریس آن به این ویژگی تاریخ ایران توجه کرد که ایرانیان با وجود شکست نظامی، تسلیم حاکمیت بیگانه نمی‌شوند. قیام اشکانیان علیه سلوکیان از جمله نخستین مقاومت‌های ایرانیان در برابر بیگانگان است و فرصت مناسبی به معلم می‌دهد که به این ویژگی بپردازد.

در ابتدای تدریس، به حمله اسکندر و سقوط حکومت هخامنشی اشاره کنید و شرایط ایران در دوره حاکمیت اسکندر بر ایران و نحوه استقرار حکومت سلوکیان را تبیین نمایید. در این فراز از درس، این پرسش را مطرح کنید که چرا حکومت سلوکیان مدت زیادی دوام نیاورد و فرهنگ یونانی در ایران ریشه پیدا نکرد. پاسخ دانش‌آموزان را بشنوید، هدایت کنید و در پایان جمع‌بندی خود از این موضوع را ارائه دهید. در موضوع اشکانیان به این موضوع توجه شود بر خلاف آنچه رایج شده است، نام پارتیان مترادف نام اشکانیان نیست. ترتیب استقرار اشکانیان در پایتخت‌های سه‌گانه، از شرق به غرب سرزمین ایران، مراحل پیروزی آنها و بیرون راندن سلوکیان از ایران را نشان می‌دهد. نمودار پایین صفحه ۹۱ نیز این روند تدریجی را که کمی بیش از ۱۰۰ سال طول کشیده، نشان می‌دهد. توجه دادن دانش‌آموزان به نمودار خط زمان و نشان دادن محل پایتخت‌های اشکانی بر روی نقشه قلمرو اشکانیان، به درک روند تدریجی گسترش قلمرو و تثبیت آن سلسله کمک می‌کند.

موضوع توسعه قلمرو اشکانیان را به برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با چین و شروع اختلافات ایران و روم ارتباط دهید. از جمله وجوه بارز حکومت اشکانی، سپاه آن حکومت به ویژه سواره نظام است. در موضوع درگیری‌های اشکانیان با امپراتوری روم به این ویژگی که موجب برتری و پیروزی اشکانیان شده، توجه شود. در این رابطه، نظر دانش‌آموزان را به تصویر صفحه ۹۳ جلب کنید و توضیح لازم درباره آن ارائه دهید.

در ضمن تشریح علل و عوامل ضعف و سقوط سلسله اشکانی، از دانش‌آموزان بخواهید آن را با علل سقوط هخامنشیان و مآنها مقایسه کنند. معلم بر شیوه مقایسه نظارت و آن را هدایت کند. در مبحث شکل‌گیری و تثبیت قدرت ساسانیان، به خاستگاه و ویژگی‌های ساسانیان یعنی جایگاه دینی خاندان ساسانی و ایجاد حکومت متمرکز اشاره شود. هنگام ارائه این دو موضوع، از دانش‌آموزان بخواهید آن را با حکومت اشکانیان مقایسه کنند. در مقایسه وجوه مختلف حکومت‌ها، تشابهات و تفاوت‌ها از همدیگر تفکیک شود.

از جمله مسائل دوره ساسانیان، ادامه حملات قبایل بیابانگرد در شرق و جنوب غرب قلمرو آن حکومت و تداوم اختلافات ایران و امپراتوری روم است. شایسته است هنگام طرح این مسائل، به ریشه‌های تاریخی آنها اشاره شود. در نقشه قلمرو اشکانیان (صفحه ۹۲)، مسیر حملات اقوام مختلف از شمال شرق و شمال غرب به سرزمین ایران در دوره اشکانیان نمایش داده شده است. توجه به این نقشه، بخشی از این سابقه تاریخی حملات اقوام بیابانگرد به خاک ایران را روشن می‌کند. اشاره به این موضوع لازم است که در دوره ساسانیان، یورش قبایل عرب نیز به آن افزوده شده است.

دوره حکومت ساسانیان مانند دیگر حکومت‌ها فراز و نشیب‌هایی داشته، اما از جنبه‌هایی با حکومت‌های پیشین تفاوت دارد. شایسته است هنگام تدریس، به این تفاوت‌ها توجه شود. از جمله این تفاوت‌ها مواجه شدن حکومت ساسانی با جنبش اجتماعی مزدکی، شورش سردارانی همچون بهرام چوبین، نفوذ و قدرت فراوان موبدان در دستگاه حکومت و رقابت و اختلافات اشراف و شاهزادگان در موضوع جانشینی است. در بُعد خارجی، علل تداوم درگیری‌های ایران و روم در دوره ساسانی و مواجه شدن حکومت ساسانی با اعراب مسلمان، شایسته توجه ویژه است.

دانستنی‌های معلم

شاهان ایرانی مشهور به اشکانی پس از اشک، بنیانگذار سلسله آنها، یا پارتیان بنا بر نام منطقه پارت، نخستین مرکز آنها در ایران، از حدود سال ۱۴۰ ق. م. بر امپراتوری عظیم چند فرهنگی و چند قومی سلطنت کردند. اینان که در نبردهای خود علیه سلوکیان و متحدان آنها شکست می‌خوردند، ابعاد امپراتوریشان به وسعت شاهنشاهی هخامنشی یا سلوکیان اولیه نرسید، منتهی بخش اعظم ایران و تقریباً همیشه تمام بین‌النهرین را شامل شد. اشکانیان تأثیر بسیار زیادی بر تاریخ ارمنستان و نیز موقتاً بر تاریخ سوریه و آسیای صغیر که هر دو سرگرم جنگ با روم بودند، برجا نهادند. همچنین در جنگ‌های خود با همسایگان غربی خویش به خوبی جلوه کردند و به‌طور کلی در مبارزه با تجاوزات و دست‌اندازی‌های قبایل بیابانگرد سکا در شمال شرقی موفق شدند. پایان غافلگیرکننده شاهنشاهی پارتیان که در تاریخ ایران تقریباً دو برابر طول مدت امپراتوری هخامنشی حکومت کردند، در آغاز قرن سوم میلادی فرا رسید و این هنگامی بود که یکی از «شاهان کوچک» پارس به نام اردشیر که بسیار بلندپرواز و آزمندانه جوای قدرتی بود، آنها را به مبارزه طلبید و در زمان سلطنت آرتابانوس (اردوان) پارتیان را شکست داد.

قلمرو اشکانیان، همانند امپراتوری داریوش یکم، سرزمین‌هایی را در برمی‌گرفت که اقوام گوناگون به زبان‌های مختلف در آنجا سخن می‌گفتند. در خود ایران این زبان‌ها عمدتاً پارسی میانه (پهلوی)، پارتی، سغدی، خوارزمی و بلخی بود؛ در غرب به زبان‌های ارمنی، انواع زبان‌های قفقازی و بابلی سخن می‌گفتند؛ در بین‌النهرین و سایر بخش‌های امپراتوری، زبان آرامی به اشکال متفاوت آن و زبان یونانی در شوش و در سلوکیه دجله به یونانی صحبت می‌شد. پیش از بحث درباره زبان‌های انفرادی، بهتر است چند کلمه درباره دوره میانی تاریخ زبان‌شناسی ایرانی صحبت کنیم که به پنج‌تای اول آن در سطور بالا اشاره کردیم. «چون هیچ تداومی در استفاده از خط در دوره پیشین ایران باستان وجود ندارد، زبان‌های ایرانی میانه را می‌توان زبان‌هایی دانست که نخست در دوره بعد از هخامنشی ولی پیش از اسلام مکتوب و مضبوط شده‌اند» (اشمیت). می‌توان افزود که چهار تا از این زبان‌ها (پارسی میانه، پارتی، سغدی و خوارزمی) به الفبای مشتق از خط آرامی ثبت شده‌اند، حال آنکه زبان بلخی، چنان‌که قبلاً متذکر شدیم، به الفبای محلی مشتق از یونانی نوشته می‌شده است. کاتبان آرامی، همانند زمان هخامنشیان، به فعالیت مترجمی و تفسیح و «دبیری» خود ادامه می‌دادند، اما به‌زودی در بسیاری از بخش‌های امپراتوری مردم محلی نیز با خط آرامی آشنا شدند.

این امر به تحولی جداگانه در نظام‌های نوشتاری و به افول سلطه خط آرامی انجامید. در آغاز، زبان مادری کاملاً با کلمات آرامی ثبت می‌شد. اما رفته‌رفته با گذشت زمان، واژه‌های ایرانی بیش از پیش

رایج شدند و کلمات آرامی به تدریج به نمادهایی قراردادی تبدیل شدند که املائی نادرستی داشتند. همچنین باید خاطر نشان سازیم که معلوم شده است زبان‌های «ایرانی میانه» شکل‌ها و حتی «گوش‌های» متفاوتی داشته‌اند. گرچه در آغاز قرن بیستم لغت‌شناسان فقط به زبان «پارسی میانه» آشنایی داشتند، پژوهش‌ها، حفاری‌ها و تحقیقات زبان‌شناسی تاکنون زبان‌های متعددی را از این دوره کشف کرده‌اند. زبان‌های پارتی و پارسی میانه از جمله زبان‌های «ایرانی میانه» غربی محسوب می‌شوند. اینها «دو گویشی هستند که در میان تعداد زیادی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی - غربی که تاکنون برای ما شناخته شده‌اند، تبدیل به زبان‌هایی ادبی شدند.»

پارتی زبان ایالت قدیمی پارتیا (پارت) است که اشکانیان از آن به عنوان زبان درباری و اداری امپراتوری استفاده می‌کردند. با این حال از این دوره اسناد بسیار کمی به زبان پارتی به دست ما رسیده است. سنت شاعری و دینی عمدتاً به‌طور شفاهی منتقل می‌شد، سکه‌ها تا مدت‌های مدید مضامین یونانی داشتند، و خط پارتی آن قدر در آن زمان کلمات آرامی داشت که سپس به واژگان مورد تأیید (به‌ویژه اسامی خاص) کاهش یافت. فقط در اسناد دوره پس از سلطنت اشکانیان است که بازینه استوارتری برای تحقیق مواجه می‌شویم. توانایی فهم روایات پارتی سنگ‌نبشته‌های سلطنتی ساسانی متعلق به قرن سوم میلادی و آثار ادبی جماعت مانویان پارتی سده‌های سوم تا ششم منطقه پارت و نیز خاورمیانه و آسیای مرکزی، سهم بسیار زیادی در این رشته از پژوهش‌ها داشته‌اند.

«پارسی میانه» [پهلوی] اصطلاحی است برای زبانی که از «پارسی باستان» (سده سوم قبل از میلاد تا هشتم/نهم میلادی) مشتق شده و سرانجام در توسعه بعدی خود به «پارسی جدید» تبدیل یافته است. تا قرن سوم میلادی این زبان انحصاراً زبان محلی پارس (فارس) در جنوب غربی ایران بود، اما در زمان ساسانیان که خود از این منطقه بودند، این زبان تبدیل به زبان اداری و زبان آمیخته سراسر امپراتوری آنها شد. در واقع متون «پارسی میانه» دوره پارتیان بسیار کوتاه، قالبی و بر روی سکه‌های جنوب غربی فراتاراکای ایرانی و جانشینان او از سده دوم ق. م. هستند؛ بقیه متعلق به دوره ساسانی و حتی بعد از آنند.

درباره زبان‌های «ایرانی میانه» شرقی تاکنون از سغد تا شهر عمده اش سمرقند یاد کرده‌ایم؛ زبان ساکنان این ناحیه از طریق بازرگانان «جاده ابریشم» به سوی شرق گسترش یافت. بیشتر اسناد و مدارک مکتوب مربوط به دوره ساسانیان و حتی پس از ایشان است؛ از دوره اشکانیان فقط نوشته‌های روی سکه‌ها متعلق به قرن دوم میلادی باقی مانده است. زبان ایرانی کهن خوارزم، یعنی منطقه اوکسوس سفلی (=آمودریا = جیحون) و مصب آن در دریاچه آرال، «خوارزمی میانه» نامیده شده و از طریق نوشته‌های

کوتاه روی بشقاب‌ها و کاسه‌ها و نیز سکه‌ها، چوب و چرم به دست ما رسیده است. حال آنکه در امپراتوری‌های یونانی/بلخی و کوشان آغازین، زبان یونانی رسماً رواج داشته است و بعداً جای خود را به زبان مکتوب بلخی که به خط محلی یونانی نوشته می‌شده، داده است. این امر را هم سکه‌ها و هم تعداد زیادی اسناد مکتوب و کتیبه ثابت می‌کنند.

غیر از زبان‌های ایرانی، به زبان‌های دیگری نیز در امپراتوری اشکانی سخن می‌گفته‌اند. یکی از آنها زبان ارمنی بود، اما به عنوان مدرک غیر مستقیمی از ارمنی ماقبل ادبی – سنت نوشتن فقط از قرن پنجم میلادی شروع شد – فقط نام‌ها (به خصوص نام جاها در مدارک یونانی) برای ما شناخته شده‌اند. چنان‌که از واقعیت تماس نزدیک میان تاریخ ایران و ارمنستان انتظار می‌رود، زبان ارمنی کلمات پارتی بی‌شماری اخذ کرده و در دوره پارتیان اسامی خاص ایرانی را پذیرفته بود. زبان ایرانی فقط از سوی اشراف و مقامات مذهبی و اداری به کار گرفته و فهمیده نمی‌شد بلکه تمام مردم از آن استفاده می‌کردند. نفوذ یونانیان و زبان یونانی در شاهنشاهی اشکانیان نه فقط در گزارش‌های درباره «یونانی مآبی» دربار پارتیان و ارمنیان (نک. به بعد) بازتاب یافته، بلکه ناشی از این واقعیت است که شاهان در روی سکه‌های خود را به زبان یونانی معرفی می‌کرده‌اند و کتیبه‌های یونانی این دوره از مناطق ماد، ارمنستان، بین‌النهرین و خوزستان به دست ما رسیده است.

در زمان فرمانروایی پارتیان، زبان آرامی که زبان آمیخته امپراتوری هخامنشی بود، تبدیل به زبان محلی شد. اسناد و مدارک تأثیر بعدی این زبان، کتیبه‌های متعددی در سراسر امپراتوری و کاربرد آن به عنوان الگو در نظام‌های نوشتن و مکتوبات یهودیان و ماندائیان بابلی است.

یامبلیکوس داستان‌نویس در قرن دوم میلادی گزارش می‌دهد که در این دوره به زبان بابلی (آکدی) سخن می‌گفتند. از سوی دیگر از خط میخی استفاده نمی‌کردند. آخرین خط میخی درباره اخترشناسی است و به سال‌های ۷۴/۷۵ م تعلق دارد. جایی که نمونه خوبی برای ارائه این تنوع زبان شناختی و قومی محسوب می‌شود شهر دورا اوروپوس [واقع در سوریه کنونی بر ساحل فرات و نزدیک مرز عراق] است. در این شهر، که توسط سلوکوس یکم ساخته شد و در ۱۶۵ میلادی توسط رومیان فتح شد و سرانجام در ۲۵۶ میلادی به چنگ ساسانیان افتاد، تقریباً مدارک هم‌زمانی از زبان‌های یونانی/مقدونی، لاتینی، بابلی، پالمیری/آرامی، نبطی، عربی و نام‌های خاص ایرانی وجود داشت.

برای بررسی اسناد و مدارک مکتوب مربوط به دوره پارتیان از لحاظ محتوا و نیز ارتباط زمانی و مکانی آنها، باید توجه خاصی به خرده شکسته‌های سفالی و گلی (ostraca) مربوط به نسا که مرکز قدیمی اشکانیان بوده و اکنون در ترکمنستان است و شهر قومس (هکتاتومپیلوس یا شهر صد دروازه؟)، و

نیز به نوشته‌های بر روی پوست مکشوفه از آرومان [اورامان] در غرب ایران [کردستان] و پوست‌ها و پاپيروس‌های دورا معطوف داشت. در نسا اقامتگاه اصلی و اولیه اشکانیان در ترکمنستان (نزدیک عشق‌آباد کنونی)، کاوشگران شوروی بیش از ۲۰۰۰ قطعه از این خرده‌شکسته‌های سفالی با ۲۷۵۸ متن از «اداره ثبت» پیدا کرده‌اند. اینها عمدتاً جزئیاتی دربارهٔ تحویل شراب به کاخ‌ها (در قرن اول پیش از میلاد) از تاکستان‌های املاک مختلف، معابد یا مردم عادی در اختیار ما قرار می‌دهند، و نام‌ها و عناوین مقامات رسمی پارسی را ذکر می‌کنند. ostraca یا این خرده‌شکسته‌ها را احتمالاً می‌توان یادداشت‌هایی در مورد تأمین آذوقه تلقی کرد که خلاصه‌ای از آنها در ملحقاتی از مواد دیگر (شاید چرم) ذکر می‌شده است. در زیر یکی از این نوع نوشته‌ها را نقل می‌کنیم:

در این خُم [خرمه سفالی] ۱۷ ماری (۱ ماری = حدود ۱۱ لیتر) شراب از تاکستان اوزباری متعلق به ملک فریپاتیکان واقع در ساتراپ، وجود دارد. در سال ۱۸۸ (به تاریخ پارسی = ۶۰ ق م) هوماپاک، اهل آرتاستاواناک عامل شراب آن را آورده بود.

یادداشتی الحاقی نیز در بی آن آمده است: «از انبار ۲ ماری ۲ k شراب [افزوده شد]». در اینجا معلوم می‌شود که شراب از تاکستانی در حومه نسا - به عنوان مالیات - به قلعه مهرداد تکیرت (نسای قدیمی) تحویل شده، در پارچ‌ها ریخته شده و سپس مصرف شده است. مقدار کمی نیز بعداً برای پر کردن کوزه افزوده شده است.

«اسناد» به اصطلاح «اورامان» که در ۱۹۱۳ (۱۲۹۲ خورشیدی) در غاری در کوه سالان در کردستان ایران کشف شده و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، عبارت است از دو سند یونانی و یکی پارسی بر روی پوست. اسناد یونانی مربوط به سال‌های ۸۷/۸۸ و ۲۱/۲۲ ق. م. و دربارهٔ نیمی از یک تاکستان به نام ردبکان در محلی به نام کوپ (ه) اینس هستند، سند پارسی مربوط به سال ۵۳ میلادی است و گواهی فروش «نیمی از تاکستان آسمک با زمین شخم زده»، به وسیلهٔ پتسپیک، پسر تیرن از بُد به آویل پسر بشنین و برادرش به قیمت ۶۵ دراخما [درهم] محسوب می‌شود. این متون به علت نام‌های افراد مربوطه و تعداد گواهان، اهمیت خاصی در تاریخ تحقیق دارد. همین نکته در مورد پوست‌ها و پاپيروس‌های دورا نیز صدق می‌کند که در میان آنها پوست شماره ۱۰، توافقنامه‌ای به زبان یونانی برای اخذ وام است به تاریخ سال‌های ۱۲۱ یا ۱۲۲ م که نه تنها حاوی نام‌ها و عنوان‌های مختلف است، بلکه اطلاعات مهمی نیز دربارهٔ سیاست‌های داخلی و خارجی آن دوره به دست می‌دهد. دو سفال شکسته [ostraca] به خط پارسی از «شهر قوس» آخرین سند از این گروه اسناد است.

اسناد ثبت شده بر سنگ و مفرغ را به دشواری می‌توان کم‌اهمیت دانست. دو کتیبه به خط و زبان

پارتی متعلق به خونگ نوروزی در خوزستان (حدود ۱۴۰ م) دو چهره بسیار مهم بر نقش برجسته در این محل را مشخص می‌کند که یکی «مهرداد شاهنشاه» و دیگری «کب‌تشکیر فرماندار شوش» است؛ با این سنگ‌نبشته، لقب خاص شاهان ایرانی برای نخستین بار در مورد اشکانیان تأیید شده است. دو سنگ‌نبشته بی تاریخ پارتی از سر پُل ذهاب در جنوب کردستان در جاده کرمانشاه به بابل، مربوط به تصویر مردی است که از شاهی به نام گوتارزس، که هویت او مورد بحث است، هدیه دریافت می‌کند. آخرین اثر با سنگ‌نبشته‌ای پارتی باید با جزئیات بیشتری معرفی شود، سنگ مزار ساتراپ شوش خواساک مربوط به سال ۲۱۵ م است که در آن «شاهنشاه» آرتابانوس (اردوان) چهارم به زیر دست خود حلقه سلطنت اعطا می‌کند.

سنگ‌نبشته‌های یونانی یک برجسته‌کاری در بیستون، مهرداد دوم را در حال دریافت نشانه‌های احترام از چهار مقام بلند پایه نشان می‌دهد - و در فاصله نزدیک آن - تصویر جنگاوری سوارکار به نام گوتارزس، شبیه نام شاهی که در چند سطر بالا اشاره کردیم قرار دارد. درباره کتیبه‌های یونانی شوش در فصل پیش سخن گفتیم. برجسته‌ترین آنها بدون شک نسخه بریده شده‌ای از سنگ از نامه‌ای است به سال ۲۱ میلادی از شاه اردوان دوم خطاب به رؤسای شهر (Polis)، آنتیوخوس و فراتاس، که در آن انتخاباتی در اداره شهرداری به سبک یونانی را مورد تأیید قرار می‌دهد. این ثابت می‌کند که سلوکیه اولائوس (شوش) همانند دوره سلوکیان در صلاحیت قضایی شاه قرار داشته است. آنچه این اواخر هیجان خاصی ایجاد کرد، سنگ‌نبشته دو زبانه یونانی - پارتی بر بالای ران‌های مجسمه کوچک هرکول است که در سلوکیه دجله کشف شده است؛ در این سنگ‌نبشته به زبان یونانی نوشته شده که: در سال ۴۶۲ بنابر یونانیان [۱۵۱ م]، شاهنشاه بلاش اشکانی پسر مهرداد شاه، علیه [شهر] مه‌سن (دشت میشان؟) علیه شاه مهرداد، پسر پاکور، که قبلاً شاه بود، لشکر کشید، و شاه مهرداد را از مه‌سن بیرون راند. او ارباب تمام مه‌سن شد. او این مجسمه برنزی ایزد هرکول [پارتی: ورنراغنا Vərəθraγna = بهرام] را که از مه‌سن آورده بود در معبد ایزد آپولو [پارتی: تیر Tir] که در جلوی دروازه برنزی قرار دارد برپا کرد.

پس این کتیبه ثابت می‌کند که پس از لشکرکشی بزرگ تراژان [امپراتور روم] به شرق (در ۱۱۷ م) و امضای توافق با هادریان، اشکانیان گرچه قادر به بیرون راندن رومیان از مناطقی بودند که در شمال و مرکز بین‌النهرین فتح کرده بودند، در زیر سلطه کشیدن مجدد شهر مه‌سن [میشان] موفق نشدند. تا زمان پیروزی بلاش چهارم، این منطقه در جنوب بین‌النهرین که به لحاظ اینکه در سر راه جاده سوریه (پالمیرا) قرار داشت و از راه دریا با هندوستان و آن سوی آن ارتباط داشت دارای اهمیت سوق‌الجیشی و اقتصادی زیادی بود، در تحت سلطه سلسله اشکانی دیگری خودمختار باقی ماند. اکنون مجسمه

هرکول در سلوکیه پارت و وحدت مجدد امپراتوری را اعلام می‌دارد. آخرین اسناد خط میخی آگدی از بین‌النهرین به دست ما رسیده است. متون اداری از بابل وجود دارد که تقریباً همگی دربارهٔ پرستشگاه مردوک در این شهرند و تاریخ آنها سال ۹۲ ق. م. است؛ اما دربارهٔ تقویم و گاه‌شماری، متون اختربینی و طالع‌بینی و زایچه‌بینی حتی تا ۵۷ میلادی نیز پیش می‌روند. این اسناد متأخر بابلی همچین حاوی مطالبی دربارهٔ مقامات پارتی، مثلاً داروغه شهر ("Pāhātu") و نیز مقامات رسمی معبد و اعضای شورای محراب از اجلای پرستشگاه مردوک است که در عین حال مرجع عالی مدنی شهر محسوب می‌شد.

متون تاریخ‌دار میخی در عین حال اطلاعات مفصل‌تری دربارهٔ جنگ‌های میان سلوکیان و پارتیان بر سر بابل در اختیار ما می‌گذارد. بابل از ژوئیه ۱۴۱ تا سال ۱۳۱ تحت سلطه پارتیان بود؛ سپس شاه سلوکی آنتیوخوس هفتم برای مدت کوتاهی (۱۳۰-۱۲۹/۱۲۸) آنجا را فتح کرد؛ پارتیان در ۱۲۷/۱۲۸ دوباره آن را به‌چنگ آوردند، پس از آن برای مدت کوتاهی در اختیار هیسپائوسینس (از مه‌سن) قرار گرفت، و بالاخره از سال ۱۲۶ به‌طور قطع به تصرف اشکانیان درآمد. این سال‌های آشوب‌زده ۱۴۱ تا ۱۲۶ ق. م. که وقایع مربوط به آنها در اسناد محلی به‌طور پراکنده بازتاب یافته است تا مدت‌های طولانی نقد و بررسی شدند، چون اوروک در جنوب بین‌النهرین به تدریج اهمیت خود را از دست داد و معابد بزرگ آن ویران شد و متروک ماند. با این حال سندی از دورهٔ اشکانیان ثابت می‌کند که دست کم تا بهار ۱۰۸ ق. م. از محراب‌های بیت رش و ایریگال استفاده می‌کردند و بخشی از خدمات معبد یا عواید آن به ترتیب به مزدوری یا فروش گذاشته می‌شد. بسیار جالب توجه است اگر دریابیم که کاوش‌های این محل و کشف بایگانی‌های بیشتر الواح گلی در آن، چه بینش‌های جدیدی دربارهٔ حکومت پارتیان در بین‌النهرین در اختیار ما قرار خواهد داد. انواع خاص آنها (از دوره سلوکی - پارتی) عبارت‌اند از الواح «یونانی - بابلی» که تعدادشان ۱۶ عدد لوحهٔ گلی است که بعضی بسیار کوچک‌اند و با زبان آگدی یا سومری هستند و به الفبای یونانی نوشته شده‌اند. استدلال‌های گوناگون دربارهٔ کاتبان، دستوردهندگان، هدف و تفسیر این نوشته‌ها همچنان ادامه دارد.

بررسی ما دربارهٔ اسناد مکتوب با واریسی روایات ادبی غرب (و شرق دور) پایان می‌گیرد، گرچه قطعاتی از آپولودوروس آرتمیتایی و ایسیدوروس خاراکیسی برجا مانده‌اند و هم‌اکنون دربارهٔ شان بحث خواهیم کرد، در واقع گزیده‌هایی هستند از دو اثری که دو تبعهٔ یونانی اشکانیان [یعنی همین دو نفر فوق‌الذکر] نوشته‌اند. آپولودوروس که تاریخ زندگی اش معلوم نیست، نویسنده کتاب «تاریخ پارتیان» است که دست کم به چهار جلد می‌رسیده است. یگانه بخش‌های باقی‌مانده از این کتاب نقل قول‌های آتنائوس از آن و مراجعات

مکرر استرابو به آن است به‌ویژه بر صحت و دقت گزارش‌های آپولودوروس درباره شاهنشاهی پارتیان تأکید می‌کند. آپولودوروس غیر از اینکه یک منبع دوم محسوب می‌شود (بعد از مورخان اسکندر و جغرافی‌دانان متقدم)، به علت تحقیقات محلی شخصی خود و اطلاعاتی که شخصاً از هموطنان یونانی‌اش و نیز از بازرگانان و مسافران گردآورده است، آگاهی دهنده معتبری به‌شمار می‌آید. ایسودوروس خاراکسی که در مه‌سن ساکن بوده و احتمالاً هم‌زمان با آغاز مسیحیت زندگی می‌کرده است، مؤلف کتاب کوچک چاپارخانه‌های پارتی [stathmoi parthikoi] است که به توصیف جاده امپراتوری پارت از شهر زوگمای فرات به اسکندریه رنج می‌پردازد. از قرار معلوم او اطلاعات رسمی مربوط به دوره مهرداد دوم (۲۳/۱۲۴-۸۷/۸۸ ق. م.)، را با تجربیات شخصی‌اش ترکیب کرده است. گوشه‌ای از گزارش او مربوط به صید مروارید در خلیج فارس نیز جالب است.

گزارش تاریخ پارتیان در کتاب تاریخ فیلیپ (Historiae philippicae) نوشته پومپئوس تروگوس اهل جنوب‌گُل نیز اهمیت ویژه‌ای دارد که اولین «تاریخ جهانی» در ادبیات روم و ۴۴ مجلد آن درباره پایان قرن اول پیش از میلاد است. در این کتاب، تاریخ امپراتوری‌های اولیه خاورمیانه و خاور نزدیک ذکر شده، سپس از تاریخ مقدونیان (که عنوان کتاب به خاطر ایشان است) یاد شده و نیز به شاهنشاهی پارتیان تا سال ۲۰ ق. م. اشاره شده است. کتاب - پس از ذکر خلاصه‌ای از تاریخ آغازین روم - با پیروزی اوگوستوس در اسپانیا در سال ۱۹ ق. م. پایان می‌گیرد. متأسفانه کتاب تروگوس در عهد باستان مفقود شده و آنچه امروزه موجود است فقط خلاصه‌ای است به زبان لاتینی متعلق به ژوستین (سده سوم میلادی) همراه با جملات کوتاهی از محتوای کتاب اصلی به عنوان سرآغاز. منبع خبری تروگوس درباره بخش پارتیان مؤلف ناشناخته‌ای است که برخی دانشمندان او را آپولودوروس دانسته‌اند. منابع مفید دیگر درباره تاریخ و فرهنگ پارتیان عبارت‌اند از توصیف‌های استرابو در کتاب جغرافیای خود و گزارش آریان درباره ظهور پارتیان در کتابش به نام Parthika که فقط تکه‌هایی از آن باقی مانده است. اطلاعات اضافی دیگر را مؤلفان غربی زیر به دست می‌دهند: پولیبیوس درباره لشکرکشی آنتیوخوس سوم سلوکی به شرق که او را با پارتیان نیز درگیر می‌سازد؛ فلاویوس جوزفوس درباره روابط یهودیان و پارتیان؛ پلوتارک در زندگی‌نامه‌هایی که درباره زندگی کراسوس و آتونونی نوشته است که هر دو را پارتیان مغلوب کرده‌اند؛ آپیان، کاسیوس دیو و تاسیتوس درباره روابط میان رومیان و پارتیان؛ پلینی مهین (اکبر) با توصیف‌هایی که از جغرافیای تاریخی آسیا به عمل آورده؛ و بالاخره شاعران اوگوستن که همسایگان شرقی را به عنوان دشمنان روم ترسیم می‌کنند و در عین حال خود را بشارت‌دهندگان کامیابی سیاست‌های اوگوستن در مورد پارتیان می‌دانند. با گزارش‌های مورخان چینی کمتر از نویسندگان غربی بالا آشنا هستیم. سیماکیان رئیس بایگانی

دربار امپراتور وو - دی، که گاه به عنوان «هرودوت چین» به او ارجاع می‌دهند، در کتاب شی - جی («یادداشت‌های تاریخی») از یک سفیر چینی یاد می‌کند که از جمله از مناطق فرغانه، سُغد و بلخ بازدید کرده است. برادران بان‌گو و بان‌ژائو متعلق به دوره هان، که با «سالنامه‌های هان متقدم» ادامه‌دهنده شی - جی هستند، گزارشی نیز درباره پارتیان افزودند. و فان - بی، مورخ قرن پنجم میلادی، که «سالنامه‌های هان متأخر» او در قرن یازدهم تکمیل شده است، در فصل ۱۱۸ درباره «سرزمین‌های غربی» سخن می‌گوید که یک مقام رسمی چینی به شاهنشاهی پارت (آن - هسی) در سال ۹۷ میلادی مسافرت کرده و تا خلیج فارس هم رفته است.

نتیجه اینکه، گرچه گزارش‌های مربوط به دوره اشکانیان در روایات ایرانیان متأخر (نوشته‌های زردشتی و مؤلفان ایرانی - عرب‌زبان) محفوظ مانده است، در دوره ساسانیان به‌منظور کاستی از اهمیت و عظمت و دستاوردهای پارتیان، زمان آن کوتاه شده و خود آن تحریف شده است. از سوی دیگر، «سنت کیانی» که از تاریخ پادشاهان باستانی اسطوره‌ای ایران سخن می‌گوید، احتمالاً در دوره پارتیان خصوصیات ویژه و مهمی داشته است.^۱

۳- به پایان ببرید

در پایان درس، پس از جمع‌بندی موضوعات اساسی درس با مشارکت دانش‌آموزان، به نقش ساسانیان در حفظ، تداوم و تکامل فرهنگ و تمدن ایران باستان اشاره کنید. برای دانش‌آموزان این موضوع را تشریح کنید که سقوط ساسانیان به معنی پایان یافتن فرهنگ و تمدن دوره باستان نیست. بسیاری از دستاوردهای تمدن ایران باستان، به دوران اسلامی منتقل شده و حکومت‌های دوران اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف از آن بهره گرفته‌اند.

۴- ارزشیابی

محور ارزشیابی، علاوه بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس از طریق انجام فعالیت‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های نمونه، میزان تحقق انتظارات یادگیری است.

۱- ویسپوفر، یوزف، ایران باستان از ۵۵۰ تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷، صص ۱۶۱-۱۵۳.

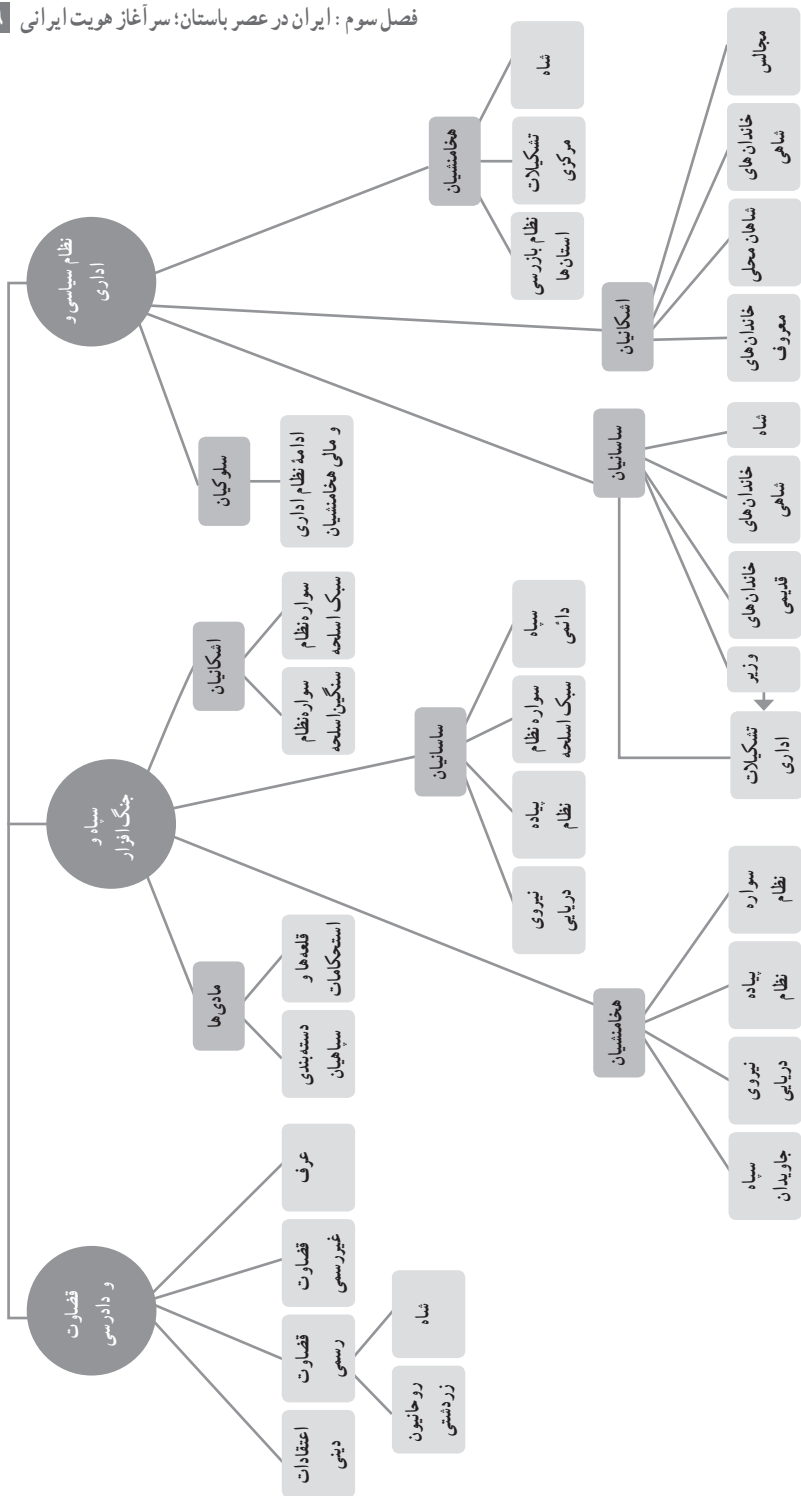
منابع برای مطالعه بیشتر

- یارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳ قسمت اول، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴.
- یارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳ قسمت دوم، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳.
- شبیمنان، کلاوس، میانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۴.
- پیگولوسکایا، ن. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- سامی، علی، تمدن ساسانی (جلد ۲)، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- گذار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۴۵.
- کالج، مالکوم، اشکانیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، هیرمند، ۱۳۸۰.
- واندنبرگ، لویی و شبیمنان، کلاوس، نقش برجسته‌های منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی فر و آزاده محبت خو، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- محمدی فر، یعقوب، باستان‌شناسی و هنر اشکانی، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جریده دار، تهران، اساطیر ۱۳۸۳.
- رجبی، پرویز، هزاره‌های گمشده (جلد ۵)، تهران، توس، ۱۳۸۰.
- رضا عنایت‌الله، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- کارنامه اردشیر بابکان، ترجمه قاسم هاشمی‌نژاد، تهران، مرکز، ۱۳۶۹.
- آذری، علاء‌الدین، تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.

الف) فلسفه و منطق وجودی درس

حکومت‌های ایران باستان برای اداره قلمرو خود، که گاه سرزمین‌های پهناور با قومیت‌ها و پیروان اعتقادات و ادیان مختلف را در بر می‌گرفت، ضمن بهره‌گیری از تجارب اقوام پیشین، اصول و روش‌های نوینی را ابداع کردند. روش خردمندانه و مدارای دینی با اقوام تابعه که بنیان‌گذار سلسله هخامنشی به عنوان اصول حکومتی از آن بهره‌گرفت، تا آن حد اهمیت یافته که یکی از وجوه تمایز حکومت هخامنشیان با دیگر حکومت‌های باستان به شمار می‌آید. در پرتو چنین اصولی، هخامنشیان به بنیان‌گذاری ساختار حکومتی نوین اعم از تقسیمات کشوری، نهادهای اداری، نظارتی، اقتصادی و ارتباطی توسط داریوش پرداختند. توجه به این اصول، این امکان را برای هخامنشیان فراهم کرد که قلمرو خود را در بخش‌هایی از آسیا، آفریقا و اروپا به راحتی اداره کنند. این ساختار آن‌چنان بنیادی و استوار بود که سلوکیان بیگانه، بسیاری از اصول و رویه‌های آن را به کار گرفتند. پیشگامی اشکانیان در تأسیس نهاد مجلس مشورتی از جمله موضوعات قابل توجه در تاریخ ایران باستان به شمار می‌آید. اشکانیان هرچند در اداره کشور از شیوه تمرکزگرای پیشین پیروی نکردند، اما در ایجاد نهاد مجلس مشورتی در ایران، پیشگام بودند و با استفاده از شیوه غیرمتمرکز اداره کشور و واگذاری اختیارات داخلی به شاهان محلی، روش جدید و نسبتاً موفق‌تری از حکومت‌داری ایجاد کردند. انتقال حکومت از اشکانیان به ساسانیان و رسمی شدن دین زردشتی منجر به تقویت رابطه دیانت و سیاست و قدرت یافتن روحانیان در عرصه امور حاکمیت سیاسی شد.

شبکه مفهومی درس ۱۱ (آیین کشورداری)



هدف‌های درس ۱۱ (آیین کشورداری)

هدف کلی: درک ساختار قدرت سیاسی و نظامی، شیوه حکومت و نظام اداری و سیستم قضایی حکومت‌های ایران باستان.

اهداف جزئی

- شناخت نظام سیاسی و اداری حکومت ماد؛
- تشریح جایگاه، مشروعیت و اختیارات شاه در حکومت هخامنشی؛
- معرفی نظام اداری حکومت هخامنشی در زمان پادشاهی کوروش؛
- درک تشکیلات اداری مرکزی حکومت هخامنشی در زمان فرمانروایی داریوش؛
- شناخت تشکیلات سیاسی و نظارتی هخامنشیان در استان‌ها (شهری‌ها)؛
- تشریح نظام اداری و مالی و تقسیمات داخلی حکومت سلوکی؛
- شناخت نظام سیاسی حکومت اشکانی؛
- بیان اختیارات و وظایف شاهان محلی در نظام حکومتی اشکانی؛
- درک جایگاه شاه در حکومت ساسانی؛
- شناخت گروه‌های صاحب قدرت در نظام حکومتی ساسانیان؛
- آشنایی با ساختار اداری حکومت ساسانیان و نقش و جایگاه وزیر در آن؛
- درک نظام قضایی ایران باستان؛
- شناخت سازمان و تجهیزات سپاه در ایران باستان.

انتظارات عملکردی درس ۱۱ (آیین کشورداری)

- انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان این درس بتوانند:
 - جایگاه و اختیارات شاهان هخامنشی را تشریح کنند؛
 - سیاست حکومت‌داری کوروش هخامنشی را شرح دهند؛
 - اقدامات سیاسی - اداری داریوش هخامنشی را دسته‌بندی و تشریح کنند؛
 - سازمان اداری ساسانیان را با هخامنشیان مقایسه کنند؛
 - شیوه مدیریت ایالات و تصمیم‌گیری سیاسی در دوره هخامنشیان را با دوره اشکانیان مقایسه کنند؛
 - روش حکومت سلوکیان را تشریح کنند؛
 - ساختار قدرت سیاسی و جایگاه شاه در حکومت هخامنشیان و ساسانیان را مقایسه کنند؛
 - ساختار تشکیلات اداری ساسانیان را توضیح دهند؛
 - بنیادهای دینی قضاوت و دادرسی و شکل‌های آن را تشریح کنند؛

- وضعیت قضاوت و دادرسی دوره هخامنشیان و ساسانیان را مقایسه کند؛
- نیروی نظامی دوره هخامنشیان و ساسانیان را مقایسه کند؛
- ویژگی‌های سپاه دوره اشکانیان را شرح دهند.

(ب) ایده‌های کلیدی

مفاهیم	موضوعات
زمان، گاه‌شماری و مکان	نیمه دوم هزاره اول ق. م. تا نیمه دوم هزاره اول م؛ قلمرو هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان
تغییر و تداوم	نظام سیاسی؛ تشکیلات اداری؛ نهادها و سازمان‌های نظامی، اقتصادی و خدماتی
کاربست شواهد و مدارک	تصاویر، نقشه، فعالیت‌های مرتبط با فره ایزدی، تقسیمات کشوری هخامنشیان و ساسانیان، مقایسه تشکیلات اداری اشکانیان با هخامنشیان و ساسانیان، نمایش نقش برجسته‌های ساسانی با موضوع دریافت تاج و حلقه شاهی، اهمیت طبقه دبیران در دوره ساسانی از نگاه فردوسی، عدالت و مقابله با بیدادگری و دروغ‌گویی، قضاوت.
ارتباط و ارائه	انجام پژوهش ساده در ارتباط با مقایسه تقسیمات کشوری دوره هخامنشی با تقسیمات امروزی ایران؛ تشکیلات اداری و مراتب اداری دوره ساسانی با وزارتخانه‌ها و ادارات امروزی.

(پ) توصیه‌های تدریس

۱- آماده کنید

نقشه قلمرو هخامنشیان (صفحه ۸۵) را به دانش‌آموزان نشان دهید. از دانش‌آموزان بخواهید یک بار دیگر نام سرزمین‌های تحت حاکمیت هخامنشیان را ذکر کنند. آنچه را که در درس ۹ در مورد قلمرو هخامنشیان توضیح داده‌اید، به صورت مختصر یادآوری کنید. سپس پرسش کنید:

آیا یک نفر به تنهایی قادر خواهد بود این قلمرو پهناور را اداره کند؟ چگونه می‌توانیم از شیوه اداره این قلمرو پهناور آگاه شویم؟

به دانش‌آموزان فرصت دهید در مورد این دو پرسش فکر کنند و پاسخ دهند.

۲- آموزش دهید

ماهیت این درس به گونه‌ای است که می‌توان با استفاده از روش‌های معمول تدریس، یعنی روش سخنرانی و بارش فکری و با بهره‌گیری از تصاویر و فعالیت‌های کتاب، آن را آموزش داد.

پس از دریافت پاسخ دانش‌آموزان، نحوه اطلاع از شیوه کشورداری هخامنشیان را شرح دهید. شایسته است بر نقش و اهمیت منابع دست اول که در متن درس به آنها اشاره شده، در شناخت شیوه کشورداری هخامنشیان، تأکید شود. کتیبه بیستون به عنوان منبع دست اول برای شناخت پیشینه تقسیمات کشوری ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ترجمه کتیبه بیستون را با خود به کلاس ببرید و قسمت‌هایی از آن که مربوط به نام استان‌های حکومت هخامنشی است را برای دانش‌آموزان بخوانید. سپس از دانش‌آموزان بخواهید استنباط خود را از این قسمت از کتیبه بیستون بیان کنند.

پس از دریافت پاسخ دانش‌آموزان، به تشریح شیوه حکومت‌داری هخامنشیان و نقش تقسیمات کشوری در اداره قلمرو گسترده آن حکومت پردازید و در آن بر اهمیت این موضوعات تأکید کنید: شیوه حکومت‌داری هخامنشیان پیوند خاصی با ویژگی‌های آن سلسله دارد و در بیان شیوه حکومت‌داری باید به آن توجه شود. توجه به اعتقادات مذهبی، رعایت حقوق اقوام تابعه و گستردگی قلمرو حکومتی از ارکان و ویژگی‌های حکومت هخامنشیان است که در نظام سیاسی و شیوه حکومت‌داری آنان تبلور یافته است.

نقش کورش، به عنوان بنیان‌گذار حکومت، از جنبه‌های مختلف همچون مدارا با اقوام تابعه و نقش داریوش اول به عنوان پادشاهی که تشکیلات نوینی در حکومت هخامنشی بنا نهاد، مورد تأکید قرار گیرد. در این فراز از درس، علاوه بر متن کتاب، از تصاویر برای انتقال موضوع استفاده شود. تصاویر مهر و پیک‌های دوره هخامنشی و فعالیت ۲ در ارتباط با تشکیلات اداری طراحی شده و توضیح در مورد آنها به فهم موضوع کمک می‌کند. تأثیر و نقش تشکیلات اداری در ایجاد وحدت و هماهنگی در قلمرو هخامنشیان و تداوم حاکمیت آن، از نکات قابل توجه درس است.

در مبحث سلوکیان اشاره به این نکته ضروری است، که در دوره سلوکیان هر چند تعدادی از یونانی‌ها به ایرانیان کوچانده و در شهرهای جدید اسکان داده شدند، اما حاکمان سلوکی ترجیح دادند ساختار اداری و مالی هخامنشیان را نگه دارند و از کارکنان آن برای اداره سرزمینی که آن را تصرف کرده بودند، استفاده کنند. برتری سلوکیان تنها از نظر نظامی بود و ناچار بودند از تشکیلات منظم و کارآمد هخامنشیان استفاده کنند.

در مبحث سلوکیان و اشکانیان، به وجوه اشتراک و تفاوت شیوه حکومت‌داری‌شان با هخامنشیان پرداخته شود؛ به عنوان مثال، واگذار کردن مناصب سیاسی، اداری و نظامی حکومت سلوکی به یونانیان و بیگانه بودن آنان با مردم ایران، بارزترین وجوه تمایز و تفاوت سلوکیان با هخامنشیان است. وجوه تمایز شیوه حکومت‌داری اشکانیان با هخامنشیان نیز به همین صورت مقایسه شود. یکی از وجوه تمایز حکومت

اشکانیان با هخامنشیان، نقش دو مجلس و نمایندگان خاندان‌های مهم و پیشوایان دینی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی است. علاوه بر آن، شیوه غیر متمرکز فرمانروایی اشکانیان، اختیارات بیشتری به شاهان محلی می‌داد. انجام فعالیت ۳ نیز در همین راستا پیشنهاد شده است.

در فرصتی مناسب، تصاویر متناسب با حکومت‌داری و نیروهای نظامی هخامنشیان و ساسانیان را برای دانش‌آموزان بخش کنید و توضیحات لازم درباره تصاویر ارائه دهید. در صورت در اختیار نداشتن تصاویر و یا عدم امکان بخش، به تناسب موضوع، توجه دانش‌آموزان را به تصاویر کتاب جلب کنید.

از دوره ساسانیان به عنوان سرفصلی جدید در تاریخ ایران یاد کنید و سپس به وجوه اشتراک و تمایز ساختار قدرت و شیوه حکومت‌داری ساسانیان با حکومت‌های پیشین بپردازید؛ به عنوان مثال، وجوه اشتراک شاهان ساسانی با هخامنشیان، ادعای آنها در مورد مشروعیت دینی حکومتشان است. وجه تمایز حکومت ساسانی با حکومت اشکانی از نظر شیوه حکومت، ایجاد حکومت متمرکز و قدرتمند به جای حکومت ملوک‌الطوایفی اشکانیان و کاهش تعداد حکومت‌های موروثی محلی است.

در مقایسه با حکومت‌های پیشین، ساختار حکومت، سلسله مراتب قدرت و تشکیلات اداری ساسانیان وضوح بیشتری دارد و در کتاب خلاصه‌ای از آن آمده است. کتاب «ایران در زمان ساسانیان» تألیف کریستن سن در زمینه تشکیلات حکومت ساسانی اطلاعات مفصل و مفیدی دارد. بخش‌هایی از این کتاب را انتخاب کنید و در کلاس برای دانش‌آموزان بخوانید.

دانستنی‌های معلم

تشکیلات حکومتی هخامنشیان: هخامنشیان تشکیلات دربار خود را از مادها گرفته بودند. در رأس دربار هخامنشی، وزیر دربار قرار داشت. وزیر دربار، شاه را از کارهای مملکتی مطلع می‌کرد و پیام‌ها را به او می‌رساند. همه امور دربار هخامنشیان زیر نظر وزیر دربار انجام می‌شد. خدمتکاران دربار، زیردست وزیر دربار کار می‌کردند.

خزانه دربار توسط یکی از نجای بلندپایه که عنوان «خزانه‌دار» دربار داشت، اداره می‌شد. خزانه‌دار دربار تخت جمشید بر خزانه‌های پارس از جمله خزانه کاخ کورش در پاسارگاد و خزانه شیراز ریاست داشت. در خزانه‌ها فلزات گرانبها و اشیای قیمتی نگهداری می‌شد. کارگاه‌های شاهی هم زیر مجموعه خزانه دربار بود. گنجبانان، نگهبانان و متخصصان کارهای دستی و هنری جزء مجموعه خزانه دربار بودند. خزانه‌های بیرون از ایالت پارس زیر نظر ساتراپ‌ها اداره می‌شدند. در رأس خزانه هر استان یا ساتراپ، یک نفر خزانه‌دار قرار داشت که می‌توان او را همچون وزیر دارایی امروزی به حساب آورد.

هر چند وقت یک بار، اموال موجود در خزانه‌های ساتراپی‌ها به خزانه مرکزی در تخت جمشید فرستاده می‌شد. صورت اموالی که از خزانه‌های دیگر به خزانه تخت جمشید می‌رسید و یا از آن خارج می‌شد، روی الواح گلی و پوست به ثبت می‌رسید.

تمامی مکاتبات مربوط به ورود و خروج اموال از خزانه‌داری دربار، در دیوان اداری دربار نیز ثبت می‌شد. حواله‌هایی که از بیرون به خزانه دربار نوشته می‌شد، ابتدا توسط وزیر دربار مهر می‌شد و سپس به دست خزانه‌دار دربار می‌رسید. دریافت کنندگان اموال خزانه، دریافت اموال را با مهر مخصوص خود تأیید می‌کردند. خزانه‌دار دربار و قائم مقام او نیز حواله‌های مربوط به پرداخت‌ها را مهر می‌کردند. تمامی اسناد در بایگانی خزانه دربار نگهداری می‌شد.

دیوان دربار زیر نظر وزیر دربار اداره می‌شد. دیوان دربار، منصبی مهم بود و کارمندان آموزش دیده در آن فعالیت می‌کردند. مرکز دیوان دربار در تخت جمشید بود و هنگام مسافرت شاه، وزیر دربار و کارمندان و تشکیلات این دیوان نیز در رکاب شاه بودند و قائم مقام وزیر دربار در تخت جمشید بقیه امور را اداره می‌کرد.

زبان اداری در مکاتبات حکومت هخامنشی، زبان آرامی بود. از زبان آرامی برای نامه‌نگاری با ساتراپی‌ها استفاده می‌شد. در دیوان اداری، منشی‌هایی که با زبان‌های مختلف آشنا بودند، کار می‌کردند. این منشی‌ها مکاتبات شاه هخامنشی با ساتراپ‌ها را به زبان ایلامی و آرامی می‌نوشتند.

گروهی هفت نفره از مقامات بلندپایه در کنار شاه هخامنشی بودند. شاه در امور مهم مملکتی با این گروه مشورت می‌کرد. وزیر دربار، نیزه‌دار یا آجودان ویژه، یکی از مقامات بلندپایه نظامی، جامه‌دار دربار، مفتش شاهنشاهی (چشم و گوش شاه) و رئیس دادگاه دربار جزء این مشاوران بوده‌اند. عضو هفتم این شورا احتمالاً مُهردار بزرگ بوده است.

نظام اداری هخامنشیان از زمان کورش شروع شد، اما ساماندهی اساسی آن در زمان داریوش انجام گرفت. در ابتدای پادشاهی داریوش، تعداد ساتراپی‌های هخامنشی ۲۳ نفر بود و داریوش ساتراپی‌های سند، تراکیا، مقدونیه و مدتی هم سرزمین سکا‌های شمالی را به آنها افزود. با این حال تعداد ساتراپی‌ها ثابت نبودند. گاهی دو ساتراپی در هم ادغام و یا یک ساتراپی تجزیه و به دو ساتراپی تبدیل می‌شد.

سرزمین پارس مرکز حکومت هخامنشی بود و شاه بر آن فرمان می‌راند. در رأس هر یک از ساتراپی‌ها، یک ساتراپ قرار داشت که در سرزمین تحت حاکمیت خود بالاترین مقام بود و زیر نظر شاه هخامنشی خدمت می‌کرد. آنان از حق استفاده از مُهر شاهی برخوردار بودند و دربارشان تقلیدی از دربار شاهان هخامنشی بود. شاهان هخامنشی معمولاً خویشاوندان مورد اعتماد خود را به مقام ساتراپی می‌گماشتند. از زمان داریوش، ساتراپ‌ها از حق ضرب سکه نقره برخوردار شدند. داریوش برای

جلوگیری از استقلال بیش از حد ساتراپ‌ها تغییراتی در نظام اداری حکومت هخامنشی ایجاد کرد. در حالی که از زمان کورش ساتراپ‌های بابل و سوریه اختیار داشتند که حاکمان محلی را انتخاب کنند، اما داریوش این اختیار را از ساتراپ‌ها گرفت. علاوه بر آن، مدیر دیوانی ساتراپی را خود انتخاب می‌کرد. این مدیر اداری زیر نظر شاه کار می‌کرد و گزارش کار ساتراپ را به شاه می‌داد. داریوش هزار چند گاهی مفتشانی را برای نظارت بر کار ساتراپ‌ها می‌فرستاد.

هر ساتراپی به چند حکمرانی تقسیم می‌شد. رؤسای این حکمرانی‌ها هم با شاه و هم با ساتراپ در ارتباط بودند. هر حکمرانی به هفت بخش تقسیم می‌شد که در رأس هر کدام بخشدار قرار داشت. داریوش، برای اداره مطلوب قلمرو حکومت خود، شبکه‌ای از جاده‌ها احداث کرد. این جاده‌ها در وهله اول در خدمت پیام‌رسانی شاهان بود. پیک‌های سوار و دوندگان تیزپا پیام‌ها را می‌رساندند. از این جاده‌ها برای تجارت و مسافرت نیز استفاده می‌شد. جاده‌ای که شوش و تخت جمشید را به هم متصل می‌کرد، بیشترین اهمیت را داشت. جاده شاه‌ی، سارد را به شوش متصل می‌کرد. این جاده ۲۶۴۸ کیلومتر طول و ۱۱۱ منزل داشت. در هر منزل چاپارخانه‌ای برای پیک‌های دولتی و چاپارهای تندرو و کاروانسرای برای بازرگانان ساخته شده بود. جاده‌های شاه‌ی به خوبی حراست می‌شدند. نیزه‌داران نگهبانی جاده‌ها را برعهده داشتند. سازمان پیک شاهنشاهی زیر نظر رئیس اداره پیام‌رسانی قرار داشت که توسط شاه منصوب می‌شد.^۱

تشکیلات حکومتی سلوکیان

حکومت سلوکی به ساتراپ‌هایی تقسیم می‌شد که در رأس هر یک، حاکمانی که از طرف شاه مأمور بودند، قرار داشت. ۲۵ تا ۲۸ ساتراپی در حکومت سلوکی وجود داشت که هر یک به حوزه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شد. هر ساتراپی به چند «اپارخیا»، هر اپارخیا به چند «هپارخیا» و هر هپارخیا به چند «استاتما» تقسیم می‌شد. هر ساتراپی مرکزی داشت که استراتگ خوانده می‌شد. مقرر فرماندار کل یا ساتراپ و نیز ادارات مرکزی ساتراپی، خزانه و آرشيو حکومتی در استراتگ قرار داشت. فرماندار کل (ساتراپ)، فرماندهی نظامی و ریاست اداری ساتراپی را برعهده داشت. امور مالی ساتراپی را مأموران مخصوص، که مستقیماً زیر نظر پادشاه انجام وظیفه می‌کردند، اداره می‌کردند. با این حال، این مأموران مالی تا اندازه‌ای مطیع فرماندار کل بودند. معمولاً خویشاوندان و دوستان پادشاه، مناصب مهم دستگاه حکومتی را برعهده داشتند.^۲

۱- هینتس، والتر، داریوش و ایرانیان، تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ماهی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۱-۲۸۸.

۲- مشکور، محمدجواد، تاریخ سیاسی و اجتماعی پارتیان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۴، ص ۸۰.

تشکیلات سپاه و نیروی نظامی

نیروی نظامی هخامنشیان: هسته اولیه ارتش هخامنشیان را در ابتدا سربازان پارسی تشکیل می‌دادند. با تکیه بر سربازان پارسی بود که کورش بر حکومت ماد پیروز شد و حکومت هخامنشی را تأسیس کرد. سپس سربازان مادی هم به نیروی نظامی هخامنشیان پیوستند. پس از برقراری ثبات، به تدریج، واحدهای دیگری از سایر بخش‌های قلمرو هخامنشی به نیروی نظامی افزوده شد. سربازان بابلی از این امر مستثنا بودند.

سپاه هخامنشیان، تحت فرماندهی کل یک فرمانده با عنوان «سپاه مهشت» قرار داشت و تعدادی افسر عالی‌رتبه او را در امور نظامی یاری می‌دادند.

ارتش هخامنشیان از نیروی زمینی و دریایی تشکیل شده بود. نیروی زمینی خود از سواره‌نظام (اسه‌باره) و پیاده‌نظام (پدتی) تشکیل شده بود. سربازان سواره‌نظام و اسب‌های آنها پوشش آهنی داشتند. فرماندهی کل نیروهای سواره‌نظام را مقامی با عنوان «اسه‌باره پتی تیش» بر عهده داشت. فرمانده واحدهای سواره‌نظام بر عهده «واسپوهران»، شاهزادگان، اشراف و سران طوایف ایرانی بود. نیروی پیاده‌نظام از ساکنان دهیاوه‌ها تشکیل می‌شد. بعضی از سرزمین‌های تابع هخامنشیان موظف بودند عده معینی سرباز در اختیار ارتش هخامنشی قرار دهند.

سواره‌نظام و پیاده‌نظام به دسته‌های صد، هزار و ده‌هزار نفری تقسیم می‌شدند و هر دسته را یک فرمانده، فرماندهی می‌کرد.

هسته مرکزی نیروی دریایی هخامنشی را ملوان‌ها و دریانوردان فینیقی، قبرسی، کلیکیایی و مصری تشکیل می‌داد.

در نیروی زمینی، علاوه بر سربازان مادی و پارسی، عده‌ای سرباز هندی نیز حضور داشتند. در لشکرکشی‌هایی که نیروی پیاده‌نظام بیشتری نیاز بود، توده مردم نیز به عنوان پیاده‌نظام شرکت می‌کردند. به تدریج تعدادی مزدور یونانی هم وارد ارتش هخامنشی شده بودند.

دسته‌ای از نیروی نظامی هخامنشیان، سواره‌نظام جاویدان بود که در زمان داریوش اول تشکیل شد و تعداد افراد آن همواره ده‌هزار نفر بود. تعداد هزار نفر از سواره‌نظام جزء گارد شاهنشاهی بودند و به آنها «جان اسپار» گفته می‌شد.

سواره‌نظام سنگین اسلحه پارسی، از فناوری زرهی ماساژت‌ها و یونانی‌ها پیروی می‌کردند. در سواره‌نظام هخامنشی، دسته‌ای از سکاها وجود داشت که به عنوان نیروی کمکی خدمت می‌کردند. علاوه بر آن، نجیب‌زادگان آریایی، دسته‌ای به نام آزاده‌ها در میان سواره‌نظام هخامنشی داشتند.^۱

۱- فرخ، کاوه، *سواره‌نظام زبده ارتش ساسانی*، ترجمه بهنام محمدپناه، تهران، سبزان، ۱۳۸۹، ص ۸.

نیروی نظامی سلوکیان: تکیه‌گاه اصلی قدرت حکومت سلوکیان بر نیروی نظامی بود. ترکیب سپاه سلوکی متنوع بود و از مهاجران، مزدوران و افراد قبایل مختلف ایرانی تشکیل شده بود. مجموعه این نیروها به سبک مقدونی‌ها آموزش نظامی می‌دیدند. نیروی اصلی، نیروی پیاده‌نظام یا «فالانژ» بود. نیروی نظامی سلوکیان به دو دسته کلی سواره‌نظام و پیاده‌نظام تقسیم می‌شد. نیروی پیاده‌نظام به دو دسته پیادگان سنگین اسلحه و پیادگان سبک اسلحه تقسیم می‌شد. نیروی پیاده‌نظام سنگین اسلحه از میان کوچ‌نشینان یونانی و مقدونی انتخاب می‌شدند. پیادگان سبک اسلحه عمدتاً از میان قبایلی نظیر کوسیان انتخاب می‌شدند.

سواره‌نظام، با زره و جوشن محافظت می‌شد و شهرت فراوان داشت. علاوه بر پیاده‌نظام و سواره‌نظام، عده‌ای فیل سوار و ارابه‌های جنگی و ادوات حفاظتی و استحکامات نیز جزء سپاه سلوکی بودند.^۱

نیروی نظامی اشکانیان: اشکانیان تلاش بسیاری کردند تا شیوهٔ رزمی و اسلوب خویشاوندان شمالی خود را به سرزمین‌های داخلی ایران بیاورند. سلاح اصلی و مهم سواره‌نظام سبک اسلحه پارت‌ها، کمان بود. آنها کمانداران و تیراندازانی ماهر بودند و از سپر و شمشیر در نبردهای تن به تن روی اسب به خوبی بهره می‌بردند.

سواره‌نظام اشکانی از زره سنگین و کلاه‌خودی همراه با پوششی برای محافظت از صورت استفاده می‌کردند و اسب‌هایشان نیز با پوشش زرهی محافظت می‌شد.^۲

نیروی نظامی ساسانیان: یکی از طبقات چهارگانه جامعهٔ ساسانی، طبقهٔ جنگجویان بود. ساسانیان همانند اشکانیان در شرق، با تهدید هون‌های سفید (هپتال‌ها) و گوک‌ترک‌ها و در غرب با تهدید امپراتوری روم مواجه بودند. استراتژی منطقی و عقلانی برای مقابله با این دو تهدید، تربیت نیروی سواره‌نظام بود که بتواند به سرعت وارد عمل شود. نیروهای سواره‌نظام از میان نجیب‌زادگان و وابستگان به خانواده‌های اشرافی انتخاب می‌شدند. هر واحد از نیروی سواره‌نظام، پرچم مخصوص خود داشت. سواره‌نظام شامل سه دسته کلی بود و اصلی‌ترین دسته آن، جاویدان (جاویدان؛ نامیرا) نام داشت. تعداد افراد این دسته ده‌هزار نفر بود. دسته جاویدان تقلیدی از سپاه جاویدان دورهٔ هخامنشی بود. وظیفهٔ این دسته همیشه آماده، این بود که کشور را در مقابل نفوذ و تجاوز دشمن حفظ کنند. این

۱- مشکور، همان، ص ۴۷۷؛ یارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳ قسمت اول، گرآورنده جی.آ. بویل، ترجمهٔ حسن انوشه، تهران، امیرکبیر ۱۳۹۴، ص ۱۳۳

۲- فرخ، همان، ص ۹.

دسته اغلب به عنوان نیروی ذخیره حفظ می‌شدند تا در موقعیت‌های بحرانی و سرنوشت‌ساز وارد عمل شوند. سرداران و افسرانی که شاخه‌های دیگر ارتش را رهبری می‌کردند، اغلب از میان اعضای نخبه سواره‌نظام انتخاب می‌شدند.

بزرگ‌ترین عنوان نظامی در ارتش ساسانی، «ایران اسپهبد» نام داشت. صاحب این عنوان، در واقع، وزیر جنگ محسوب می‌شد و فرماندهی کل ارتش ساسانی را بر عهده داشت. دارنده این عنوان، اختیاراتی برای بستن قرارداد صلح داشت و به شاه در امور جنگ و صلح مشاوره می‌داد. از نظر سلسله مراتب نظامی، بعد از ایران سپهبد، فرمانده سواره‌نظام بود که با عناوینی همچون «اسپ‌بد» یا «ساواران سالار» از او یاد شده است.

کلاه خود، شمشیر، نیزه، گرز، تبر، تیرکمان، سپر، جوشن و زره، از ابزارهای جنگی و پوشش‌های نظامیان دوره ساسانی بود.^۱

۳- به پایان ببرید

موضوعات اساسی را با همفکری دانش‌آموزان جمع‌بندی کنید. مطالب مهم را بر شمارید و از دانش‌آموزان بخواهید که در مورد آنها توضیح دهند.

۴- ارزشیابی

محور ارزشیابی، علاوه بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس از طریق انجام فعالیت‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های نمونه، میزان تحقق انتظارات یادگیری است.

منابع برای مطالعه بیشتر

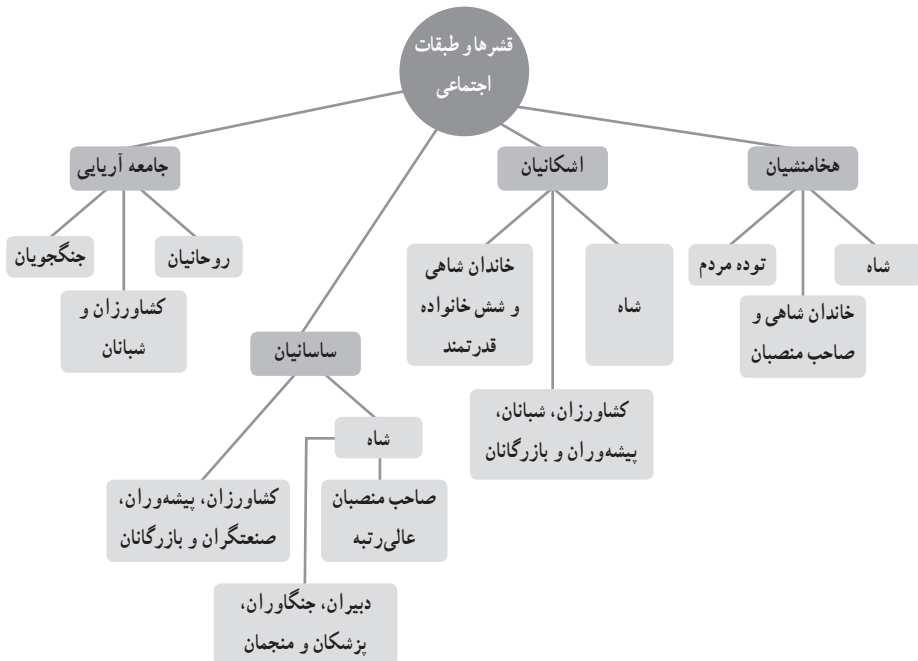
- دریایی، تورج، تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرتی دیزجی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲.
- فرخ، کاوه، سواره نظام زبده ارتش ساسانی، ترجمه بهنام محمدپناه، تهران، سبزان، ۱۳۸۹.
- رجبی، پرویز، هزاره های گمشده (جلد ۵)، تهران، توس، ۱۳۸۰.
- فرای، ریچارد نلسون، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.
- میراث ایران، گروه مؤلفان (سیزده تن از خاورشناسان)، زیر نظر ا. ج. آربری، ترجمه احمد بیرشک و همکاران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
- امپراتوری فراموش شده، جهان پارسیان باستان، گروه مؤلفان، ویراستاران انگلیسی جان کرتیس و نایجل تالیس، ترجمه فرح مستوفی و دیگران، تهران، کتاب آمه، ۱۳۹۲.
- بارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳، قسمت اول، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴.
- شپیمان، کلاوس، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۴.
- بارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳، قسمت دوم، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳.
- هینتس، والتر، داریوش و ایرانیان، تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ماهی، ۱۳۸۷.
- رائین، اسماعیل، دریانوردی ایرانیان از دوران های افسانه ای تا ظهور اسلام، ج ۱، تهران، بی نا، ۱۳۵۰.
- ویسهوفر، یوزف، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
- نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.
- کریستن سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- مشکور، محمدجواد، تاریخ سیاسی و اجتماعی پارتیان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۴.

الف) منطق طراحی و تدوین درس

از یک طرف، هر تمدن، دستاورد مجاهدت‌های فردی و گروهی عده‌ای از انسان‌هاست که در منطقه خاصی از کره زمین زندگی می‌کردند. از طرف دیگر، تمدن در مسیر شکل‌گیری، تکامل و انحطاط خود بر روی زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هایی که در قلمرو آن زندگی می‌کنند تأثیرات بی‌حد و حصر می‌گذارد؛ بنابراین، شناختن ساکنان یک قلمروی تمدنی و بررسی احوال، آداب و رسوم و ساز و کار و طبقه‌بندی آنان، کمک زیادی به شناخت آن تمدن می‌کند.

بنابراین به منظور شناخت تمدن ایران در عهد باستان، در این درس به بررسی نحوه و اساس طبقه‌بندی اجتماعی جامعه ایران و بیان اقشار و طبقات و نیز آداب و رسوم ایشان در عهد مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی پرداخته شده و مخصوصاً موقعیت اجتماعی، حقوقی و دینی زنان در مقایسه با مردان توضیح داده شده است.

شبکه مفهومی درس ۱۲ (جامعه و خانواده)



هدف های درس ۱۲ (جامعه و خانواده)

هدف کلی: درک ساختار و جایگاه طبقات اجتماعی و خانواده در جامعه ایران عهد باستان.

اهداف جزئی

- شناخت جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی اقوام آریایی پیش از دوره ماد و هخامنشی؛
- شناخت جایگاه و طبقات اجتماعی جامعه در دوره ماد و هخامنشی؛
- شناخت جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی در جامعه عهد اشکانی؛
- شناخت جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی در جامعه عهد ساسانی؛
- شناخت جایگاه و ساختار خانواده در جامعه ایران باستان؛
- شناخت جایگاه زنان و حقوق آنان در جامعه ایران باستان؛
- آشنایی با انواع جشن های مذهبی و آیین های سوگواری در ایران باستان.

انتظارات عملکردی درس ۱۲ (جامعه و خانواده)

انتظار می رود دانش آموزان در پایان این درس بتوانند:

- جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی اقوام آریایی پیش از دوره ماد و هخامنشی را فهم و بیان کنند؛
- جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی جامعه در دوره ماد و هخامنشی را درک و بیان نمایند؛
- جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی در جامعه عهد اشکانی را درک و بیان نمایند؛
- جایگاه و ساختار طبقات اجتماعی در جامعه عهد ساسانی را درک و بیان نمایند؛
- جایگاه و ساختار خانواده در تمام ادوار ایران باستان را درک و بیان نمایند؛
- موقعیت زنان در ایران باستان را توضیح دهند؛
- مفهوم جشن و غرض از برگزاری آن و انواع آن و نیز آیین های سوگواری را درک و بیان کنند.

(ب) ایده‌های کلیدی

مفاهیم	موضوعات
زمان، گاه‌شماری و مکان	دوره باستان، ایران
علت و معلول	گروه‌ها و طبقات اجتماعی، ظهور مزدک، موقعیت زنان، جشن و سوگواری
تغییر و تداوم	گروه‌ها و طبقات اجتماعی، جشن و سوگواری
کاربست شواهد	تصاویر، نمودارها
ارتباط و ارائه	تحقیق درباره مزدک، نقش موبدان در عصر ساسانی، بازی‌های کهن، مقایسه هرم اجتماعی ایران در زمان هخامنشیان با هرم اجتماعی عصر ساسانی و ارائه آنها به وسیله پاورپوینت

(پ) توصیه‌های تدریس

۱- آماده کنید

در آغاز بهتر است مطالبی در باب ساختار طبقاتی جوامع کهن و علت و فلسفه و مبنای دینی و اقتصادی آن از درس‌های گذشته برای دانش‌آموزان یادآوری شود و سپس چند نمونه از تمدن‌های هند، بین‌النهرین و مصر ارائه گردد.

۲- آموزش دهید

محور و موضوع این درس، تاریخ اجتماعی در عصر ایران باستان است که شاید از جهتی مهم‌ترین بخش و درس این کتاب باشد. بهتر است این نکته در کلاس تذکر داده شود که مردم عادی شهر و روستا در تاریخ‌های قدیمی یا به کلی غایبند و یا چندان نقشی ندارند و در دوران جدید است که، در اثر تحولات زیور و روکننده فکری و اجتماعی، مردم و نقش آنها در جامعه مهم و برجسته می‌شود و جایگاه درخور توجهی در کتاب‌های تاریخ به آنها اختصاص می‌یابد. در اینجا می‌توان چند کتاب مهم تاریخی زمانه خودمان را که با این رویکرد نوشته شده است نیز معرفی کرد.

در شروع بهتر است توجه دانش‌آموزان را به «یک توضیح» صفحه ۱۰۹ جلب کنید. اوستا و شاهنامه دو منبع بسیار مهم و اصیل دینی و حماسی ایرانند که تاریخ و فرهنگ باستانی ایران را بازتاب می‌دهند. مناسب

است معلم محترم شعری از شاهنامه و یا متنی از اوستا را انتخاب کند و از یکی از دانش‌آموزان بخواهد آن را با صدای بلند بخواند و دیگر دانش‌آموزان به دقت گوش فرادهند. معلم محترم، با توضیح عبارات خوانده شده، کم کم دانش‌آموزان را وارد اصل بحث می‌کند.

نکته مهمی که محققان تاریخ ایران باستان بر آن تأکید کرده‌اند و معلم محترم هم شایسته است آن را به وضوح توضیح دهد، این است که نظام طبقاتی یا قشربندی در ایران باستان پیش از اینکه جنبه سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک داشته باشد، بیشتر مبین نوعی تقسیم کار و دسته‌بندی حرفه‌ای است. این نکته‌ای است که معلم محترم بهتر است آن را در قیاس با وضعیت طبقاتی جوامع در دیگر تمدن‌ها توضیح دهد. در این درس، وضعیت اجتماعی و طبقاتی ایران عهد باستان در چهار دوره مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی بررسی شده است. در تدریس این بخش بهتر است توجه دانش‌آموزان به تصویر سه هرم صفحات ۱۰۹، ۱۱۱ و ۱۱۲ جلب شود و بر اساس آن مطلب توضیح داده شود. توجه دادن دانش‌آموزان به تصاویر عینی تری مانند سنگ‌نگاره صفحه ۱۱۰ و نقش برجسته صفحه ۱۱۱ و شرح جزئیات آنها اعم از لباس و آرایش و وسایل جنگی و هدایا و ترتیب ایستادن افراد نیز به ایضاح مطلب کمک می‌کند.

در اینجا از دانش‌آموزان خواسته شود در حد اطلاعات خود جامعه امروز ایران را، از نظر طبقاتی بودن یا نبودن، با جامعه ایران در عهد باستان مقایسه کنند و به بیان علت یا علت‌های این موضوع در گذشته و حال بپردازند. از طرف دیگر از آنان خواسته شود بررسی کنند آیا چیزی از وضعیت طبقاتی گذشته در جامعه ایران امروز وجود دارد یا نه. این نکته اخیر، دانش‌آموزان را به درک مفهوم تغییر و تداوم رهنمون می‌کند. دانش‌آموزان با این مقدمات برای انجام فعالیت‌های صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳ و انجام کاوش صفحه ۱۱۳ آماده می‌شوند.

مطالب این درس به صورت حرکت از کل به جزء تنظیم شده است. در قسمت اول درس، کل نظام اجتماعی ایران در عصر باستان مورد توجه قرار گرفته، در مرحله دوم از یک واحد بسیار مهم اجتماعی بلکه هسته اساسی آن یعنی خانواده سخن به میان آمده و سپس یکی از دو رکن اصلی خانواده – به لحاظ اهمیتش – یعنی زنان مورد بحث واقع شده است.

برای تدریس این بخش و ملموس‌تر کردن آن بهتر است ابتدا، به طور اختصار، توضیحی درباره خانواده و مناسبات اعضای آن با یکدیگر و اختیارات اعضای آن در عصر ما و در وضعیت کنونی ایران ارائه شود و این وضعیت با وضعیت چند دهه قبل که قدرت پدربزرگ، پدر و برادرها خیلی بیشتر از اکنون بود، مقایسه و از خاطرات معلم در این زمینه استفاده گردد و بعد از این آمادگی وضعیت خانواده در عصر ایران باستان بیان شود. در توضیح بخش راجع به زنان نیز قبل از بیان مطلب، بیان موقعیت زنان در عصر ما و مقایسه آن با چند دهه گذشته به روشن شدن موضوع کمک می‌کند. همچنین تذکر این نکته که اطلاعات ما درباره وضعیت زنان

در گذشته خیلی اندک است به رفع سوء تفاهم‌ها خصوصاً سوء تفاهم دختران در این زمینه کمک زیادی می‌کند. جلب توجه دانش‌آموزان به «یک توضیح» صفحه ۱۱۵ راجع به وضعیت تغذیه مردم، جنبه دیگری از ابعاد اجتماعی زندگی مردم ایران باستان را برای آنان روشن و ملموس می‌کند. در این قسمت معلم می‌تواند فهرستی را از خوردنی‌هایی که از قدیم الایام تاکنون مورد مصرف ایرانیان قرار گرفته به دانش‌آموزان عرضه کند.

بخش آخر این درس به بُعدی دیگر از حیات اجتماعی ایرانیان عهد باستان می‌پردازد. معلم محترم بهتر است در اینجا نیز توجه دانش‌آموزان را به مراسم و مناسبت‌های مربوط به جشن‌ها یا سوگواری در جامعه امروز جلب کند و از دانش‌آموزان، خصوصاً در مناطقی که این آیین‌ها هنوز دست نخورده باقی مانده‌اند، بخواهد فهرستی از این‌گونه مراسم در منطقه خود تهیه کنند، خصوصاً مراسم و مناسبت‌هایی که اهالی کهنسال منطقه فکر می‌کنند سابقه بسیار طولانی دارند. زمینه مقایسه‌ای که به این ترتیب حاصل می‌شود دانش‌آموزان را به تفکر در باب تداوم فرهنگ ایرانی وا می‌دارد.

مکمل این بحث، «یک توضیح» صفحه ۱۱۷ است. بعضی از بازی‌های متداول عصر ما در بعضی از مناطق ایران یا کاملاً و یا با تغییراتی، همان بازی‌های عصر ایران باستان است. البته با این فرق که در آن زمان، جنبه دینی و آیینی داشته‌اند و در عصر ما آن جنبه به مرور در سایه رفته است. معلم محترم در این قسمت نیز می‌تواند با تأکید بر آن، احساس تداوم فرهنگی را در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان زنده کند. در این قسمت نیز می‌توان از دانش‌آموزان خواست فهرستی از بازی‌های کهن منطقه خود را تهیه کنند و در صورت امکان بعضی از آنها را با کمک دوستان خود در کلاس یا بیرون از کلاس اجرا کنند.

دانستنی‌های معلم

اوضاع اجتماعی در دوره ساسانی

حسن کریمیان

درآمد

در میان سلسله‌های پادشاهان ایرانی، دوران استیلای ساسانیان را می‌توان یکی از طولانی‌ترین و اثرگذارترین آنها بر فرهنگ و تمدن ایرانی به حساب آورد. اگرچه نخستین حکومت‌های ملی ایران نزدیک به یک هزاره پیش از ساسانیان شکل گرفته بودند و در این زمان نسبتاً طولانی تعدادی از اصول شهروندی تدوین و در میان آزمون تکامل یافته بودند، لیکن ساسانیان نخستین فرمانروایانی بودند که همه آن قوانین را به صورت مدون و در ساختاری تعریف شده به اجرا درآوردند. به یقین این قوانین می‌بایست براساس اصول تعریف شده و ثابتی وضع می‌شدند. این اصول می‌توانستند برگرفته از عرف، سنت، اسطوره و مذهب باشند و یا از مبانی عقلی سرچشمه گرفته باشند. به هر حال، از آنجا که ساختار اجتماعی مردمان می‌توانست مبنای تدوین قوانین شهری باشد، شاهان ساسانی برآن شدند تا به منظور سهولت در اداره کشور پهناورشان این اصول را تعریف کنند و با بهره‌گیری از پشتوانه‌های مذهبی به اجرا درآورند.

اگرچه شماری از تاریخ‌نگاران کوشیده‌اند تا ضمن بحث درباره تاریخ و تمدن ایران در عصر ساسانیان، ساختار اجتماعی ایرانیان در این دوره را نیز تحلیل کنند، لیکن شمار مقالاتی که درباره این موضوع تدوین شده، بسیار اندک است. از این‌رو در پژوهش حاضر تلاش شد تا با بهره‌گیری از منابع معتبر مذهبی، تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی تصویری فشرده از سازمان اجتماعی ایرانیان در این عصر ترسیم شود.

سازمان اجتماعی ایران در دوره ساسانی

در یک جمع‌بندی و با استفاده از وجوه مشترک اطلاعات ذکر شده در منابع، می‌توان مردم ایران دوره ساسانی را به چهار طبقه اصلی اشراف، دبیران و روحانیان، ارتشیان و عامه مردم تقسیم کرد. هریک از طبقات یادشده نیز خود به گروه‌های کوچک‌تری با سطوح معین تقسیم می‌شدند که به اختصار به معرفی آنها پرداخته خواهد شد.

شاهنشاه

شاهنشاه در رأس هرم طبقاتی جامعه ساسانی قرار داشت و دارای فره کیانی بود. «فر» یا «فرّه» نیروی آسمانی است که در وجود هر انسانی به ودیعه گذاشته شده است. فره به آدمیان در انجام وظایفشان

کمک می‌کند و چنانچه کسی به وظیفه‌اش دل‌نبندد و آن را به نیکی انجام ندهد، از او می‌گریزد. فره‌کیانی یا فره‌شاهی نوعی از فره است که تنها از آن سلسله‌های ایرانی است و شاهان خوب و درستکار ایرانی آن را به عنوان هدیه‌ای از هرمزد نزد خود نگه می‌داشتند.

حلقه و تازیانه‌ای زرین یافت شده، که هرمزد به پادشاهان ایرانی، از جمله شاهان ساسانی داده است. این نیز نماد زمینی فره است. این حلقه، زرین و تازیانه در بیشتر نقش برجسته‌های باقی مانده از عصر ساسانی در دست پادشاهان دیده می‌شود و گاهی سراسر نقش برجسته به صحنه گرفتن این حلقه قدرت از هرمزد اختصاص یافته است.

در آغاز دوره ساسانی با انحلال مجلس مهستان (مجلس بزرگان کشوری) – که از عصر پارتیان باقی مانده بود – و متمرکز ساختن قدرت در مقام پادشاهی، پادشاه به قدرت مطلقه‌ای تبدیل شد که خود را تجلی هرمزد و گاه برادر ماه و خورشید می‌خواند. تقدس پادشاه ساسانی به اندازه‌ای بود که حتی برای سخن گفتن در محضر او و یا نگاه کردن به او نیز آداب و ممنوعیت‌هایی وجود داشت. برای نمونه، آنان که نزد پادشاه بار می‌یافتند، می‌بایستی از خندیدن و برخوردن پرهیز می‌کردند. جاحظ، ادیب و نویسنده عرب قرن سوم هجری، همچنین آورده است: میان پادشاه و نخستین گروه از کارگزاران پادشاهی پرده‌ای قرار داشت و آن پرده نیز ده متر از مکان نشستن پادشاه دور بود. این همان حالتی است که ویل دورانت آن را «الزامات توان فرسا» می‌داند.

شکوه و عظمت شاهان ساسانی از الفاظ و القابی که برای خود به کار می‌بردند نیز آشکار می‌شود. شاپور اول (۲۴۰-۲۷۲م) در کتیبه نقش برجسته حاجی‌آباد خود را «... پرستنده مزدا خدایگان شاپور، شاهنشاه ایران و سرزمین‌های دیگر، که نژادش از ایزدان است» می‌نامد. او همچنین در نامه‌ای که به امپراتور روم، کنستانتین نوشته، القاب «... شاه شاهان، همسر اختران و همتای خورشید و ماه» را برای خود برگزیده است. در تشابه این متن، خسرو اول، پادشاه دیگر ساسانی، نیز در نامه‌ای که به یوستینیانوس، امپراتور روم، نوشته خود را چنین معرفی کرده است: نیکو، ارجمند، شاه شاهان، پارسا، آن که از خدای بزرگ فرمانروایی این سرزمین‌های پهناور را یافته است، قدرتمندی بی‌نظیر و هم‌پیکر ایزدان.

در نامه تنسر، که در اوایل دوره ساسانی نوشته شده، پادشاه چنین معرفی شده است: پادشاه، نظام است میان رعیت و اسفاهی (سپاهی) و زینت است روز زینت و مفرع (مفر) و ملجأ و پناه است روز ترس از دشمن. پادشاهی در ایران دوره ساسانی موروثی بود. ولیعهدی به بزرگ‌ترین پسر می‌رسید و آنگاه که وارث مستقیمی وجود نداشت، موبدان و نجبا شخصی از اعضای خاندان شاهنشاهی را به پادشاهی برمی‌گزیدند.

۱- اشراف. نخستین طبقه از مردمان دوره ساسانی اشراف بودند. این طبقه که بلافاصله پس از شاه شاهان و در بالاترین بخش از هرم طبقات اجتماعی قرار می‌گرفت، خود به سه گروه فرعی تقسیم می‌شد: شهریاران، که در حقیقت پادشاهان ولایات مختلف بودند، اولین گروه از این طبقه، و مشتمل بر دسته‌های ذیل بودند: در دسته اول، فرمانروایان بزرگ و کوچک قرار داشتند که در مقابل به رسمیت شناختن پادشاهی خاندان ساسانی، تاج و تخت موروثی به ایشان واگذار شده بود. به دلیل آنکه این افراد فرمانروایان نواحی مستقل بودند و بر سرزمین‌های دوردست حکومت داشتند لقب و عنوان بیشتر آنان «شاه» بود. بر سنگ نوشته شاپور اول در کعبه زردشت، در میان فهرست بزرگان دربار، چهار شاه شرق ایران، مرو، کرمان و سگستان از بالاترین جایگاه برخوردارند. دسته‌ای دیگر از این طبقه، که عنوان شاه داشتند، حاکمان ولایات دوردست بودند که به پاس وفاداریشان به شاه ساسانی لقب «شاه» به آنان داده می‌شد. در نامه تنسر فرمانروایان نواحی غرب، خوارزم و کابل در این دسته جای داده شده‌اند.

سومین دسته، شاهزادگانی بودند که به حکومت ایالتی گماشته می‌شدند تا با شیوه کشورداری آشنا شوند و پس از مدتی بر تخت شاهی تکیه زنند و از این رو بود که آنها را شاه می‌خواندند. برای نمونه، بهرام سوم (۲۹۳م) که در حیات پدر خویش شاه سیستان بود، سکانشاه، و بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹م) که فرمانروای کرمان بود، کرمانشاه لقب داشتند. تنها سودی که عنوان شاهی برای این دسته از فرمانروایان داشت، آن بود که با این عنوان در گروه اول از نخستین طبقه جای می‌گرفتند. به یقین با توجه به وجود همین شاهان محلی بود که پادشاهان ساسانی خود را شاه شاهان یا «شاهنشاه» می‌نامیدند، زیرا گروه کثیری از حاکمان تحت امرشان عنوان شاهی داشتند.

دومین گروه از اولین طبقه جامعه دوره ساسانی شاهزادگان (واسپوهران) نام داشتند. اینان که رؤسای هفت خانواده بزرگ بودند، در اواسط دوره ساسانی قدرت یافتند و برای شاهان ساسانی خطرآفرین شدند. در سنگ نوشته شاپور اول در کعبه زردشت و نیز سنگ نوشته شاپور سکانشاه در تخت جمشید، از افرادی به عنوان رؤسای خاندان‌های بزرگ در عهد اردشیر و شاپور اول ساسانی نام برده شده است. سومین گروه از طبقه اول، بزرگان نام داشتند. از دیدگاه کریستن سن، بزرگان همان صاحب‌منصبان بزرگ دولت و عالی‌ترین نمایندگان دولتی بودند.

در میان منابع تاریخی و سنگ‌نوشته‌های ساسانی به نقش و حضور این گروه در رفع معضلات کشور اشاراتی شده است. آنها همچنین نخستین کسانی بودند که هنگام جلوس پادشاه بر تخت به او تبریک می‌گفتند و در صورت خروج پادشاه از اصول تعیین شده، می‌توانستند او را برکنار کنند. برای نمونه،

در سنگ‌نوشته پایکولی (در عراق) ضمن شرح غلبه نرسه بر بهرام و در اشاره به واکنش گروه بزرگان آمده است: «شهریاران، شاهزادگان، بزرگان و آزادان چنین پیام‌ها و پاسخ‌ها را فرستادند ... که باشد تا روز بازخواست کشور در زیر فرمان (شما) باشد و از شکوه و بزرگی شما کشور نیز قرین خرسندی شود».

آخرین گروه از این طبقه، آزادان نام داشتند. این افراد از طرف دولت بر مناطق کوچک حکمرانی می‌کردند و میان روستاییان و فرمانروایان مرکزی پیوند برقرار می‌کردند. آزادان خود به دسته‌های کوچک‌تری، مانند اسواران (فرماندهان سواره‌نظام)، تقسیم می‌شدند و گروهی از آنها در سمت مربیان پسران شاه و یا در زمره کارگزاران بزرگ به فعالیت اشتغال داشتند.

۲- روحانیان و دبیران یا شاغلان امور دیوانی. روحانیان (آسرونان) در سازمان اجتماعی دوره ساسانی طبقه‌ای پرنفوذ را تشکیل می‌دادند و از اختیارات ویژه‌ای بهره‌مند بودند. در کتاب عهد اردشیر از این پادشاه اندرزی خطاب به شاپور اول درج شده است که جایگاه این طبقه را روشن می‌سازد: «... بدان، دین و شاهی برادرانی تو آمان‌اند و بی‌تخت شاهی دین نمی‌ماند و شهریاری بی‌دین برجای نمی‌ماند، دین بنیاد شاهی است و شاهی بنیاد دین». ریاست این طبقه به موبد موبدان تعلق داشت که از شأنی همانند پیامبران برخوردار بود. او نگهبان دین بود و بالاترین منصب قضایی نیز به او اختصاص داشت. مقام او در کارنامه اردشیر بابکان بسیار بالا قلمداد شده است. در بخشی از این کتاب آمده است که اردشیر داوری میان خود و همسرش را، که به جانش سوء قصد کرده بود، به موبد موبدان سپرد. ایوانف معتقد است که دارنده این منصب در اواخر دوره ساسانی، پس از پادشاه، دارای بالاترین مقام بوده است. کریستن‌سن بر این باور است که طبقه روحانیان افزون بر مسئولیت‌های رسمی‌شان (مانند قضاوت، ثبت ولادت و ازدواج و اجرای مراسم دینی) به دلیل داشتن املاک و ثروت‌های ناشی از صدقات و جرایم دینی قدرت ویژه‌ای یافته بودند. پیگولوسکایا صاحبان این منصب را تاحدی رقیبان پادشاه معرفی کرده و بر این باور است که به همین دلیل بعضی از پادشاهان ساسانی می‌کوشیدند تا در حد امکان قدرت روحانیان زردشتی را متعادل سازند.

طبقه روحانیان نه تنها مجری اعمال دینی بودند، بلکه آموزش این آداب به جامعه را نیز برعهده داشتند. روحانیان زردشتی به دو دسته موبدان و هیربدان تقسیم می‌شدند. کرتیر، روحانی زردشتی که تصویر او در سنگ‌نوشته معروف به نقش رجب در کنار پادشاه ساسانی نقش شده است، موبد و هیربد را دو عنوان جدا از هم ذکر می‌کند.

انجام امور قضاوت، آموزش‌های مذهبی و نظارت بر حسن اجرای دستورهای دینی برعهده موبدان بودن. هیربدان به نگاهی از آتش مقدس اشتغال داشتند و از لحاظ مقام، پایین‌تر از موبدان بودند؛ اما

رئیس آنها دارای مقامی هم‌پایه با رئیس موبدان بوده است. روحانیان همچنین به چهار طبقه قضات، علما و مراجع دینی، ناظران اجرای دستورهای دینی (دستوران) و معلمان تقسیم می‌شدند. دیاکونف در تقسیم‌بندی مشابه روحانیان را به قضات، موبدان، نظارت (دستور) و واعظان (مغان اندرزیات) تقسیم کرده و موبد موبدان را در رأس همه آنها قرار داده است.

از آنجا که وظایف روحانیان زردشتی، به‌ویژه در قضاوت و تنظیم عقود و قراردادهای تا حد قابل توجهی با وظایف مستخدمان دستگاه دیوانی درآمیخته بود، این دو گروه را در یک طبقه قرار دادیم. تمرکز وحدت در کشور، جمع‌آوری آگاهی‌های دقیق و مکتوب از اوضاع کشور، گردآوری مالیات و برپایی عدالت، از جمله وظایف دستگاه دیوانی وسیع، دقیق و بسیار پیچیده‌تر دوره ساسانی بوده‌اند. منشیان، نویسندگان احکام دادگاه‌های قضایی، نویسندگان اجاره‌نامه‌ها و قراردادهای تاریخ‌نگاران، پزشکان و اخترشماران اجزای این گروه را تشکیل می‌دادند. با توجه به وظیفه مهم و حساس اعضای این گروه، چیره‌دست‌ترین دبیران در آن به کار گرفته می‌شدند. خوارزمی در مفاتیح‌العلوم (۵۵-۷۷) از دیوان‌های هفتگانه‌ای مشتمل بر دیوان خراج، دیوان خزانه، دیوان برید، دیوان سپاه، دیوان ضیاع و نفقات، دیوان آب و دیوان دبیران و رسایل نام برده است. هر دبیر، تصدی یکی از دیوان‌های هفتگانه مذکور را عهده‌دار بود و «ایران دبیرد» یا نویسنده عالی‌مقام ایرانی، در رأس تشکیلات اداری عصر ساسانیان قرار داشت. این فرد در واقع رئیس دفتر شاه ساسانی به حساب می‌آمد. گروه دبیران و متصدیان امور دیوانی در سده‌های پنجم و ششم میلادی به طبقه سوم اجتماعی ارتقا یافته بود.

۳- ارتشیان (آرتشتاران یا جنگیان). ارتشیان ساسانی را نیز می‌توان طبقه‌ای متنفذ و کارآمد در نظام اجتماعی دوره ساسانی به‌شمار آورد؛ زیرا تمام فرماندهان بلندپایه آن از میان نجبای ایرانی منصوب می‌شدند. ارتش ساسانی دارای دو گروه سواره‌نظام و پیاده‌نظام بود. گروه سواره‌نظام خود به دو قسمت سواره‌نظام سنگین و سواره‌نظام سبک تقسیم می‌شد و فرماندهی سواره‌نظام سنگین را نجبای بزرگ ایرانی عهده‌دار بودند. در حالی که سواره‌نظام سبک از نجبای کوچک و فرزندان حکام ولایات تشکیل می‌شده است. پیاده‌نظام که سلاح و تجهیزات عادی داشت، متشکل از روستاییانی بود که به اجبار به خدمت نظام مشغول می‌شدند. فرمانده ارتشتاران سپاهید نام داشت و شاهان ساسانی با منصوب کردن چهار سپاهید در چهار بخش کشور، قدرت نظامی را میان چهار نفر تقسیم می‌کردند.

۴- مولدان ثروت، صنعتگران، تجار و کشاورزان که مجموعاً در این مقاله از آنها به عنوان «مولدان ثروت» نام برده می‌شود، چهارمین طبقه از مردمان ایران در عصر ساسانی محسوب می‌شدند. این طبقه بیشترین جمعیت کشور را دارا بود و منبع اصلی تأمین ثروت ملی و نیز درآمد دولت، به‌شمار می‌آمد. از

سه قشر ذکر شده، بازرگانان و صنعتگران بعضاً در حومه و عموماً در بخش‌های معینی از شهرها زندگی می‌کردند و تشکیلات صنفی مخصوص به خود داشتند. بازرگانان از منابع مهم ثروت ملی به حساب می‌آمدند و مرتباً تولیدات شهرهای ایران را به همه (در درون کشور) و یا به خارج از ایران، به‌ویژه به سرزمین‌های شرق (هند و چین) و سرزمین‌های غرب (اروپا و آفریقا) می‌رساندند. این قشر در تعدادی از شهرهای بزرگ ایران دارای شرکت‌های تجاری بودند. صنعتگران نیز عموماً در بخش‌های معینی از حومه شهرها به فعالیت می‌پرداختند، یا قسمتی از بازار را به فعالیت خود اختصاص می‌دادند. کشاورزان در حومه شهرها و روستاها می‌زیستند و به پرورش دام، تولید محصولات کشاورزی و باغداری اشتغال داشتند. از آنجا که میزان فعالیت و جمعیت بعضی از قشرهای ذکر شده در شهرها یا مناطقی خاص افزایش می‌یافت، بنابراین شهرهای ایران عموماً در نوع ویژه‌ای از فعالیت‌های تجاری، کشاورزی و یا صنعتی شهرت داشتند. برای نمونه، شوشتر و اهواز از مراکز نساجی جنوب غربی ایران به‌شمار می‌آمدند.

از اقبال دیگری که در اواخر عهد ساسانی در میان این طبقه رشد کردند عیاران بودند. این گروه به جوانمردی و سخاوت شهرت داشتند و به دفاع از مظلومان در مقابل ظالمان می‌پرداختند و به همین جهت گاه به شدت از جانب حکام ساسانی به تبعیت از افکار مانی، همان فردی که در مقابل ساختار اجتماعی عصر ساسانی قیام و به برابری تمام افراد جامعه و رفع تبعیض توجه داشت، سرکوب می‌گشتند. افراد این طبقه برای خود آتشگاه‌های مستقل داشتند و مهم‌ترین آتشگاه آنها در ریوند (نزدیک سبزوار در استان خراسان) قرار داشت و به آتشگاه «برزین مهر» شهرت داشت. افراد این طبقه اعتقاد داشتند که این آتش را خود زردشت از آسمان آورده است. رؤسای این طبقه از میان اعضای خاندان اعیان تعیین و مستقیماً از جانب شاه منصوب می‌شد و وظیفه جمع‌آوری مالیات را برعهده داشت و به همین دلیل آنها ریاست اداره مالیه نواحی را نیز عهده‌دار بودند.

نتیجه

با عنایت به آنچه در این مجموعه بررسی شد، می‌توان نتیجه گرفت، اهالی ایران به روزگار ساسانیان به چهار طبقه اصلی تقسیم می‌شدند و در نظام طبقاتی - که دربار ساسانی آن را طراحی کرده و به شدت از آن پیروی می‌کرد - جای می‌گرفتند. هر طبقه، برپایه نوع کارکرد اعضای آن، از دیگر طبقات بازشناخته می‌شد و اگرچه خود به شماری طبقات کوچک‌تر نیز تقسیم می‌شد، اما کارکرد مشترک و اهداف واحد، آنها را در یک گروه جای می‌داد. همه اعضای یک طبقه مجبور به کار در همان طبقه

بودند و به عبارت دیگر، حق تغییر کارکرد و کارآفرینی را نداشتند؛ اما می‌توانستند با کوشش گروهی و به دست آوردن توفیق بیشتر بر میزان اعتبار و اهمیت طبقه خود بیفزایند و آن را بر طبقه‌ای دیگر ممتاز سازند. همچنین از آنجا که طبقه‌بندی مردم براساس نوع کارکردشان صورت می‌پذیرفت، اعضای هر طبقه ناگزیر به اقامت در بخش معینی از شهر و یا حوالی آن می‌شدند تا به سهولت بتوانند به انجام کارکردهای اجتماعی و معیشتی خود بپردازند. سخن آخر اینکه، نظام اجتماعی عصر ساسانی دارای تشکیلات مدون، قابل نظارت و تا حدودی تغییرناپذیر بود. نگارنده کوشیده است تا در جدول ذیل این نظام اجتماعی را به‌طور فشرده بازنمایاند.

نظام طبقاتی حاکم بر ایران در روزگار ساسانیان

طبقة	طبقة اصلی	طبقات فرعی	جایگاه در سازمان اجتماعی	وظایف عمده
۱	اشراف	۱- شهریاران ۲- شاهزادگان ۳- بزرگان ۴- آزادان	<ul style="list-style-type: none"> - پادشاهان ولایات - ریاست‌های قبایل - نمایندگان و بازرسان دولتی - حکمرانان مناطق کوچک 	<ul style="list-style-type: none"> - حفظ امنیت و تأمین اقتدار پادشاهان ساسانی بر کشور - حفظ نظم و تأمین سلطه حکومت مرکزی - تهیه گزارش از وضع ولایات - ایجاد ارتباط بین مردم و حکمرانان ولایات و رفع معضلات
۲	روحانیان	۱- موبدان ۲- هیربدان	<ul style="list-style-type: none"> - بالاترین مناسب قضایی و - آموزش‌های مذهب 	<ul style="list-style-type: none"> - قضاوت - پاسداری از دین
	دبیران	<ul style="list-style-type: none"> ۱- منشیان ۲- نویسندگان احکام قضایی ۳- نویسندگان قراردادهای و اجاره‌ها ۴- تاریخ‌نگاران ۵- پزشکان ۶- منجمان 	<ul style="list-style-type: none"> - مجریان امور دینی و مسئولیت نگهداری آتشگاه‌ها - مستخدمین دستگاه‌های دولتی در مرکز حکومت و مراکز حکمرانی ولایات 	<ul style="list-style-type: none"> - آموزش امور دینی - اجرای مراسم دینی - گردآوری اطلاعات و ثبت آنها - گردآوری مالیات و ثبت اطلاعات مالی - نوشتن و نگهداری احکام محاکم قضایی، قراردادهای، اجاره‌نامه‌ها و ثبت تاریخ کشور - آموزش‌های علمی

- کنترل مرزها و تأسیسات حساس - مقابله با هجوم بیگانگان - مهار آشوب‌های داخلی - جنگ و لشکرکشی	- نجای ایرانی - فرزندان حکام و ولایات - روستاییان موظف شده به خدمت نظام	۱- سواره نظام (سنگین و سبک) ۲- پیاده نظام	۳ ارتشیان
- انجام امور تجاری - ایجاد مراکز تهیه و توزیع کالا - تولیدات صنایع - تولید محصولات کشاورزی ^۱	- طبقه مرفه - طبقه متوسط - طبقه کم‌درآمد	۱- تجار ۲- صنعتگران ۳- کشاورزان	۴ تولیدکنندگان ثروت

خانواده در ایران باستان

کتایون مزداپور

آگاهی‌ها

هیچ نوشته‌ای که به صورت مستقیم و ویژه به بحث دربارهٔ خانوادهٔ ایرانی پرداخته باشد، از روزگاران کهن بازنمانده است. هرچه در این باره می‌دانیم، متکی بر برداشت‌های ما از اسناد و مدارکی پراکنده و کوتاه است. همچنین این نوشته‌های اندک، پراکنده و نامنظم گاهی چندان روشن نیستند و مبهم و بحث‌انگیزاند. چون درازای زمان چند هزارساله و مهاجرت اقوام ایرانی را به سرزمین‌هایی با همسایگان و بومیانی که فرهنگ‌های متفاوت و کم‌شناخته داشته‌اند، در نظر گیریم و انواع دادوستدهای فرهنگی و تحولات اجتماعی و قوانین را بر بحث‌انگیزی و ابهام زبانی بیفزاییم، روشن خواهد شد که تا چه میزان زمینهٔ بحث دربارهٔ نهاد اجتماعی خانواده در ایران باستان مستعد و آماده برای پدید آمدن تعبیر و تفسیر گوناگون و متفاوت است و بررسی را بر استنباط و استخراج مفاهیم از متونی محدود و نه چندان روشن متکی می‌سازد.

کوشش برای حل معماهایی که در این بررسی مطرح است، ما را ناگزیر به بازنگری ساخت خانوادهٔ عتیق هند و اروپایی می‌کند. اقوال اوستایی و آنچه از کتیبه‌های فارسی باستان دربارهٔ نهاد اجتماعی خانواده و ساخت اجتماعی کهن ایرانی برمی‌آید، هنگامی که با آگاهی‌های ما در این باره از هندوستان و دنیای قدیم یونان و روم باستان سنجیده شود، به روشن شدن برخی از مفاهیم و اصطلاحات مبهم یاری می‌رساند. آگاهی ما از جامعهٔ ساسانی و خانواده در آن بیشتر است و آثاری که به زبان فارسی میانه

۱- تاریخ جامع ایران، ج ۳، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۳ تا ۶۷.

زردشتی در دست است، منبع آن به شمار می‌رود.

در جامعه عتیق هندواروپایی، خاندان گسترده و پدرشاهی بود و نقش‌های متعدد و استقلال داشت. سلطه پدر و اقتدار او را باورهای مقدس و دینی پشتیبانی می‌کرد و روابط و پیوند اعضای خانواده و نسل‌های گذشته و حال و آینده خاندان را همان باورها و تکالیف معین می‌ساخت. با دگرگونی ساخت جامعه و پدید آمدن حکومت مرکزی و زندگانی شهری و روستایی به شیوه جدیدتر در اعصار بعدی، از تنوع نقش‌های خاندان و دامنه حقوق و اختیارات پدر بر اعضای آن کاسته شد و نهادهای اجتماعی و شهری و کشوری برجای آن نشست؛ اما دیرزمانی بقایایی از آن اندیشه‌ها و باورهای کهن همچنان دوام آورد و مفاهیمی ویژه پیرامون خانواده آفرید.

همین باورهای دیرینه و مقدس، پس از گذر از صافی آموزش‌های دینی زردشتی و اصلاحات مداوم و پیگیر^۱، با دنیای جدید سازگاری یافتند و رنگ جدید دینی زردشتی به خود گرفتند. به موجب همین سازگاری و نو شدن بود که این اعتقادات قدیمی توانستند باقی بمانند و تأثیر سایه گسترده و سنگین خود را بر آیین‌ها و عقاید اجتماعی دوران‌های بعد و متون پهلوی بر جای نهند. در دوران ساسانیان، که جامعه دستخوش تغییر بسیار گشته و نهادهای اجتماعی به شکلی پیچیده‌تر و دگرگون درآمده بود، هنوز اوستا و زند آن، با مضامین قدیمی خود، به مثابه محور و مدار اصلی در احکام و قوانین به شمار می‌رفت و در آن روزگار جدید نیز آن منابع و مأخذ باستانی و کهن را باز هم مرجع و منبع نهایی و راستین می‌دانستند. بدین شمار، قواعد و آیین‌ها و باورهای پیرامون خانواده باستانی، گرچه اصولاً به زردشت پیامبر ارتباطی ندارد، پیوسته پیوند خود را با کتاب اوستا نگه داشته است.

رایبندان و صاحب‌نظرانی که مرجع روحانی برای بحث‌های فقهی و حقوقی و پاسخگویی به مسایل مختلف درباره روابط خانوادگی و امور آن بودند، همواره پیوند خانواده و احکام حقوقی آن را با فقه حفظ می‌کردند. از همین کتاب‌های حقوقی و فقهی است که بخش اصلی آگاهی‌های ما درباره خانواده ساسانی به دست می‌آید. این اطلاعات که فاضلانه و کتابی است، حتی در مادیان هزار دادستان، که کتاب حقوقی متعلق به دوران ساسانیان و از اغلب منابع دیگر قدیم‌تر است، یکنواخت و یکسان نیست. نظریات مختلف و گاه متضادی در آنها مطرح می‌شود و قوانین برحسب عرف و عادت و فتوای مختلف در آن به ضبط رسیده است.

هنگام بررسی اسناد و مدارکی که توصیف خانواده باستانی ایرانی را باید از آنها استخراج کرد، نخست

۱- نمونه‌هایی از این شیوه جدل و به اصطلاح «بیکار» در دوران ساسانیان ضبط شده است و از آن خبر داریم. مثلاً نک: مقاله «جاشته‌ها یا سه نحلّه فقهی دوران ساسانیان» از نگارنده (مردادپور ۱۳۷۶).

به نوعی ابرام و پافشاری در نگاهداری اصطلاحات و واژه‌های قدیمی بر می‌خوریم. دیگر اینکه، پاره‌هایی از رسوم و سنت‌های مقدس در زمینه تکالیف اعضای خاندان و روابط میان آنان با جان سختی پایدار مانده و قداست دیرین خویش را نگاه داشته‌اند. سوم اینکه روند عادی در زندگانی واقعی در متن جامعه سبب تغییر ساخت اجتماعی و خانواده می‌شد و به موازات آن، در عین حال، کوشش بر آن بود که میان واقعیت و واژه‌ها و آداب و رسوم بازمانده از دوران‌های کهن انطباقی فراهم آید. همزیستی این مجموعه به پیدایش رویه‌های عرفی و قانونی پیچیده‌ای در عهد ساسانیان، و ناگزیر چندی پیش از آن، انجامیده است که آثار و نشان‌های آن را در نوشته‌های پهلوی باز می‌یابیم. بخشی از تنوعی که در آرا و نظریات در این باب مشاهده می‌شود، آشکارا دستاورد تلاش‌های گوناگون است برای یافتن راه حل جهت مسائل حقوقی، به طرزى که در این چارچوب و قالب و نظام پیچیده بگنجد.

در نتیجه، در این آثار با آشکالی از ازدواج روبه‌رو می‌شویم که برخی از آنها، خلاف انتظار، بنابر تعریف و قرارداد، فاقد یکی از ابعاد اقتصادی یا ارتباط جنسی زن و شوهر است و یا نام و تبار اصلی پدر واقعی و جسمانی قانوناً و عرفاً به فرزندش نمی‌رسد و تکالیف آیینی و رسمی آنان در برابر یکدیگر مسکوت می‌ماند. در این موارد، نخست با نوعی خانواده سر و کار پیدا می‌کنیم که اگرچه اعتبار اقتصادی و قانونی دارد، اما در آن، ارتباط جنسی میان همسران آیینی و رسمی برقرار نیست. در نوعی دیگر، زن و شوهر واقعی با هم ارتباط اقتصادی ندارند و بر فرزندشان نام پدر دیگری اطلاق می‌گردد و وی وارث قانونی خاندانی دیگر جز خاندان پدر جسمانی خود است. چنین رسوم و مفاهیمی طبعاً با گذشت زمان دیگرگونی و تغییر یافته و سرانجام از میان رفته‌اند.

با جست‌وجو و کندوکاو بیشتر، در می‌یابیم که در پس ظواهر پیچیده و بغرنج الفاظ، مصداق‌هایی عادی و آشنا وجود دارد و فقط چون الفاظ آشنا بر معنایی که اینک دیگر برای آنها به کار نمی‌رود، اطلاق می‌شوند، غرابت می‌آفرینند، و اما هر گاه در این باب، برای معناها همان کلماتی را که برای ما آشنایند، بگذاریم، با مصداق‌ها و ساخت‌هایی روبه‌رو خواهیم شد که آشناتر و بیشتر عادی‌اند. بر اثر چنین امری است که حتی در سده‌های نخستین اسلامی، مردم عادی و به اصطلاح «عام»،^۱ ناگزیر می‌بایست اختلاف انواع ازدواج را از فقیهان و دستورانی چون منوچهر گُشن جمان و امید آشوه‌هستان و آذر فرَبَنگ فرزندان بیرسند تا تفاوت آنها را دریابند و مسائل مربوط به آنها را باز شناسند. به موازات این گونه مسائل و مفاهیم در محافل تفسیر و علوم دینی، خانواده‌زردشتی ایرانی سیر تحول طبیعی و واقعی خود را، فارغ و مستقل از نام‌ها و تأثیر سنگین باورهای کهن و آداب بازگردنده به آنها، طی می‌کرده

۱- اصطلاح «عام» در زبان دری زردشتی (گوبش بهدینان) در تقابل با موبدان و دستوران (دری زردشتی: dastirun) به کار می‌رود.

است تا به شکل خانواده تک‌همسری و هسته‌ای امروزی درآید.

به همین روال، در جامعه یهودیان و سپس مسیحیان ایرانی، خانواده و روابط اعضای آن تابعی بود از شریعت و قانون و کیش خود آنان. نویسایان مانوی نیز خانواده تک‌همسری و زندگانی آکنده از زهد و پرهیز در همه جوانب حیات و به‌ویژه در ارتباط جنسی داشتند و گزیدگان مانوی مجاز به ازدواج کردن نبودند. اما در کنار اینها، احتمالاً می‌توان نشان‌هایی دال بر وجود خاندان‌هایی متفاوت با این اشکال رسمی و شناخته را در ایران یافت که از یک سو تا ایلام باستان ریشه تاریخی آنها را می‌شود دنبال کرد و از سوی دیگر، تا افسانه‌ها و حماسه‌های متأخر. این پژوهش تنها به خانواده رسمی زردشتی ایرانی خواهد پرداخت.

واحدهای خویشاوندی کهن ایرانی

واژه‌های dāmāna گاهانی و nmāna اوستای غیرگاهانی برخانه و خانواده اطلاق شده است. واحد خویشاوندی بزرگ‌تر از آن را با نام اوستایی vīs و فارسی باستان viθ می‌خواندند. این دو واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی شناخته شده‌اند و کار رفت بسیار دارند.

این دو، دو واحد کوچک‌تر در سلسله‌مراتبی چهارگانه بوده است که گروه‌بندی جامعه ایران کهن را تشکیل می‌دادند. آن دو واحد دیگر که بزرگ‌تر بودند، یکی zantu، یعنی «قبیله» و دیگری dahyu، یعنی «سرزمین» خوانده می‌شدند. از اینها، واژه zantu در گاهان نیامده است. جز این، واژه‌های zantu و dahyu حتی در هند باستان نیز معادل درستی ندارند. البته نه آنکه واژه‌های همسنگ zantu و dahyu را در سنسکریت نشود یافت، اما نکته این است که شباهت آنها فقط ظاهری و لفظی است و نه معنایی؛ واژه سنسکریت jantu به معنای «آفریده، مرد، شخص» و واژه dasyu به معنای «دیو، دشمن خدایان، وحشی، مرد نابکار» است.

پژوهندگان کوشیده‌اند تا این گروه‌بندی چهارگانه را، که در اوستای گاهانی و متأخر نیز یکسان نیست، با اصطلاحات گروه‌های خویشاوندی فارسی باستان انطباق دهند. واژه taumā فارسی باستان، به معنای «تخمه، تبار و نژاد، خانواده»، شاید از ریشه tav به معنای «توانستن، قدرت داشتن» باشد و همیشه با «توده» در فارسی، به معنای «توده و انبوه مردم». این واژه را برابر با nmāna اوستایی دانسته‌اند. گمان نگارنده بر آن است که واژه teutā* هندواروپایی و به معنای «قبیله، ملت، مردم» بوده و با dūdag پهلوئی در صورت و معنی خویشاوندی بیشتری دارد. سمرنی تحول بنیاد سه‌گانه خویشاوندی هندواروپایی را، که با واژه‌های برساخته dom- و wik- و teutā* به نمایش در می‌آید، به صورت

۱- در سورسخن برابر با معنای dūdag آمده است (بند ۱۶، متن‌های پهلوئی ۱۸۹۷: ۱۵۷)؛ mardōmān ī xwād (مردمان خویش). از فحوای کلام برمی‌آید که این عبارت شاید ترجمه باشد از اوستای کهن و مبتنی بر پیشینه‌ای باستانی.

مراتب چهارگانه -dam- و -vīs- و -zantu- و -dahyu- خاص اقوام ایرانی می‌شمارد. در اوستا و فارسی باستان dahyu هم برای اقوام آریایی و هم اقوام غیرآریایی به کار می‌رود. سپس در فارسی باستان، بر اثر سازماندهی کشوری و سیاسی هخامنشیان واژه xšaça فارسی باستان و xšaθra مادی مرتبه‌ای برتر از dahyu یافت و به معنایی برابر با «کشور و شهریاری» امروزی در زبان فارسی درآمد. روشن است که چنین تغییراتی در ساختار جامعه و پدیدآمدن حکومت جدید، خاندان‌های پادشاهی دیرین را به شکلی تازه درآورده و قدرت نهادهای کشوری اختیارات پدر را محدود کرده است. همچنین پیچیده‌تر شدن نظام اجتماعی از تعدد و تنوع نقش‌های خانواده بزرگ قدیمی کاسته است. بازتاب چنین تحولی را در آثار حقوقی دوران ساسانیان به روشنی باز می‌یابیم. اما واقعیت دیگر این است که جامعه سنت پرست و عمیقاً دینی باستانی هرگز نمی‌توانسته است به سادگی و با سهولت چنین تغییراتی را از سر بگذراند و تازه‌های زمانه را آسان بپذیرد. فزون‌تر آنکه، همپای بازماندن نشانه‌ها و بقایایی از رشته‌باورهای پیشین با نقش و صورت‌هایی تازه، آثاری را در اسناد و مدارک بحث می‌توان یافت که بر تلاشی دانسته و آگاهانه برای پدیدآوردن نوعی سازش و آشتی میان عقاید کهن و شرایط و اندیشه‌های جدیدتر گواهی می‌دهد^۱.

در زبان فارسی میانه، واژه‌های mān (فارسی: «مان») و wīs (فارسی: ویس) و zand (فارسی: زند) و deh (فارسی: ده، دیه) در زند، یعنی ترجمه پهلوی، به ترتیب، در ترجمه nmāna/dēmāna و vīs و dahyu و zantu اوستایی می‌آید. کار رفت deh پهلوی به معنای «کشور و سرزمین» که خلاف تحدید معنایی آن و در آمدش به معنای «روستا و قریه» است، در واقع، نمایانگر آن است که معنای قدیمی و سنتی این واژه به صورتی فاضلانه و کتابتی حفظ می‌شده است. به ویژه واژه dehad، به معنای «شاه» همین شیوه کاربرد قدیمی واژه‌ها را نشان می‌دهد. در آثار مانوی نیز واژه‌های wisbed و zandbed به کار رفته است. ماندگاه و جای سکونت خاندان، هدیش (اوستا: hadiš؛ پهلوی: hadiš) و همین نیز نام ایزد خانمان و خانه بوده است.

اما از اینها که بگذریم، در متون حقوقی پهلوی در دوران ساسانیان و در آثاری که پس از اسلام به زبان پهلوی به نگارش درآمده است، اصطلاح و واژه اصلی برای نامیدن «خانواده» dūdag (به معنای دوده، دودمان، خاندان و خانواده) است. همچنین واژه‌های kadag (کده، خانه) به ویژه در ترکیبات kadag-xwadāy (کدخدای، رئیس خانواده) و kadag-bānūg (کدبانو، زن رئیس خانواده) و مشتقات آنها و

۱- نمونه‌هایی از این گونه دوام عقاید و باورهای باستانی را در «زوت» بودن پدر خانواده در آداب گرفتن باز و برسم هنگام خوردن طعام، و یا سالاری پدر بر دختر در عقدنامه کنونی زردشتی می‌شود دید (نک: دنباله همین گفتار).

nāf و (ag) tōhm (تخمه، نژاد و تبار و خانواده) و نیز mān و (xān (ag) خانه) و srāy (سرای) و نظایر آنها بر خانواده و خاندان و خانه دلالت می‌کند. اصطلاح xānag-ē dar، که بعضاً به معنای «یک باب خانه، یک در خانه» است، به معنای «خانواده» و «یک خانواده، هر خانواده» به کار می‌رود. گرچه برای آگاهی بیشتر دربارهٔ dūdag ناگزیر می‌باید به اوستا و به‌ویژه احکام و نندیادی رجوع کرد، ولی گروه‌بندی کهن خویشاوندی و واحدهای چهارگانهٔ ساختاری جامعه فقط به همان ادوار باستانی باز می‌گردد.

ساخت خانواده و اصطلاحات کهن خویشاوندی

بنابر همهٔ گواهی‌های اصلی و روشن، ساخت خانوادهٔ پدرسالار و مردمدار هندواروپایی در ایران نیز دوام یافته است. گرچه نشان‌هایی از خانوادهٔ زن‌سرور و مادرنسب را در داستان‌های ایرانی می‌شود یافت و در دینکرد آمده است که مزدکیان نسب از مادر می‌بردند، اما خانوادهٔ ایرانی در اسناد و مدارک رسمی و حقوقی، مردسالار و پدرنسب و پدرمکان است. همچنین تداوم سنت‌های دیرینهٔ هندواروپایی را در خانوادهٔ رسمی ایرانی از لحاظ قوانین، آیین‌ها و باورهای کهن و نیز واژه‌ها و اصطلاحات خویشاوندی می‌توان مشاهده کرد.

سایه‌ای از قداست دیرین خانواده و ضرورت ابدی، یا به اصطلاح زردشتی، «فرشکردی» بودن خانواده، بخشی از این یادگارهای عتیق است. توضیح این دیدگاه و نیز رشته‌باورهای پیرامون فروهر نیاکان و درگذشتگان خاندان‌ها در ایران باستان را، که همراه با برگزاری آیین‌های پرتفصیل است، می‌باید در تاریخ اجتماعی و پیشینهٔ حقوقی و ساخت دیرینهٔ نهاد اجتماعی خانواده جستجو کرد. عقاید بنیادین در ادوار عتیق موجب پیدایش قواعد و احکامی با پیامدهای اقتصادی و حقوقی بوده است که در یونان و روم باستان و نیز هندوستان به ضبط رسیده است. با رجوع به آنها، بر معضلات معماوار پیرامون ابعاد و مسائل گوناگون خانوادهٔ ایرانی در متون بهلوی پرتوی روشنگر می‌تابد و نکاتی از آن روشن می‌گردد. در آن اعصار عتیق، دین خانوادگی بود و حقوق خانوادگی و روابط اعضای آن را رشته باورهای استوار دینی، با قداستی محرز و آسمانی تعیین می‌کرد. دین که بنیاد خانواده و تداوم آن را مقدس می‌شمرد، بر جمیع ابعاد اندیشه و وجود گوناگون حیات فرد و گروه فرمان می‌راند. این خانوادهٔ مقدس گسترده بود و وظایف و نقش‌های متعدد اقتصادی و دینی و قضایی و نظامی داشت و اموال و دارایی و

نیز کلیه حقوق در آن، میان اعضای خاندان مشترک به شمار می‌رفت. اعضای خاندان را، چه زندگان و چه درگذشتگان و آیندگان، دور رکن مقدس و تصور اصلی به هم پیوند می‌داد: یکی آتشگاه خانگی و آداب و آیین‌های آن، و دیگری مراسم و شعائر بزرگداشت نیاکان و فره‌های آنان. خطوط کلی و مشترک این مفاهیم و پنداشته‌ها، که در هند و یونان و رم باستان می‌شود باز یافت (فوستل دوکولانژ ۳۱-۱)، در آیین‌های کهن ایرانی و اسناد و مدارک مربوط به خانواده در ایران نیز پدیدار است.

در جهان باستانی، مردم به دین و آیین‌های مذهبی ایمان مطلق داشتند و همه امور اجتماعی و نهادهای جامعه بر مبنای باورهای استوار و مقدس آن می‌چرخید. درباره خاندان کهن هندواروپایی به‌ویژه همین حکم صدق می‌کند و شالوده نهاد اجتماعی خانواده را بر اجرای مناسک و آیین‌هایی که از نیاکان آموخته بودند، مبتنی می‌شمردند. این باورهای مذهبی برگزاری آیین و آداب دینی خانواده را دارای تأثیری کیهانی می‌دانست و مقرر می‌داشت که این مراسم می‌باید به دست پسران قانونی و رسمی خاندان که به جایگاه پدری رسیده باشند، برگزار شود و مقام و سلطه چنین پدری واجد قداست بود.

گذشته از منظور کردن خیر و اصول قانونی و آیینی برای زندگان، به‌ویژه برپا داشتن آیین‌های مقدس را موجب بقای ارواح رفتگان و درگذشتگان می‌پنداشتند. از این روی، آنان نیز در جمع خانواده حاضر بودند و همواره سهمی به آنان اختصاص می‌یافت. این‌گونه تکلیف و تصور به خانواده و تداوم آن تا ابد و جوی مقدس و ایزدینه می‌داد و به مقام پدری و اختیارات وی مشروعیت و حرمت و قداست می‌بخشید. به رغم گذر زمان و تغییرات بنیادین ناشی از دیگرگونی‌های دینی و اجتماعی، رنگ‌ها و نشان‌هایی از آن باورهای قدیمی و قداست دیرین در خانواده باستانی ایرانی بازمانده است. نه تنها در فروردین یشت و در خود مفهوم فروهر، یادگار پالایش یافته و تازه‌تر و بیشتر عقلایی را از حضور درگذشتگان برزمین و در خانواده و قدرت آنان را در خاندان و میهن خود می‌بینیم، بلکه همین باورها به صورت زنده هنوز در جامعه زردشتی برجای است. قداستی که از این رهگذر به خانواده و فره «هستان و بیدان و زادان و ورزادان» منسوب می‌گردد همراه با آن اندیشه دینی که در دنیای عتیق هندواروپایی پیرامون آن وجود داشت و به ابعاد گوناگون آن شکل می‌بخشید، یاری می‌دهد تا برخی از خصایص خانواده باستانی ایرانی را بهتر بشناسیم.

عقاید و قواعد و احکامی که فوستل دوکولانژ در توصیف خانواده یونان و رم باستان ذکر می‌کند و به کار این بررسی می‌آید، برخی به شرح زیر است: یکی ضرورت تداوم جاودانه خاندان و داشتن فرزند ذکور؛ دوم اشتراک در اموال خانواده و وحدت حقوقی آن در قالب سلطه کامل پدر بر افراد و دارایی خاندان و تجزیه‌ناپذیر بودن آن؛ سوم رهبری روحانی پدر بر خانواده و حق و حقانیت وی در اجرای

آیین‌های آتش و کیش اجاق خانوادگی که خوردن طعام نیز بخشی از آن آیین مقدس به‌شمار می‌رفت؛ چهارم حقوق پدر بر افراد خانواده که مشتمل بر حق به شوهردادن دختر و پذیرفتن فرزند و حتی فروختن اعضای خاندان هم می‌شد؛ پنجم مقام مادر به عنوان همسر رسمی و قانونی پدر که حضورش در برگزاری آیین‌های کیش خانوادگی و نیز پذیرفتن فرزند در خانواده ضروری بود.

زبان‌شناسی تاریخی گواهی‌هایی دیگر در این باب به دست می‌دهد. سمرنی با تجزیه و تحلیل اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌های هندواروپایی ثابت می‌کند که خصایص متمایز خاندان کهن هندواروپایی را پدرنَسَب و پدرتبار^۱ و پدرمکان^۲ بودن باید دانست. ارث و جانشینی اصولاً در شاخه مذکر خانواده از نسلی به نسل بعدی می‌رسید و پسران وارث پدران می‌شدند. همچنین خانواده پدریادان^۳ بود، یعنی اختیار و حقوق و اجازه اداره کردن اعضای خاندان به مثابه حقی در دست پدر و خویشاوندان پدری قرار می‌گرفت. همه این ویژگی‌ها اصولاً در «دوده» یا خاندان تک شوهری ایرانی در آثار پهلوی به روشنی پدیدار است و همه گواهی‌ها به اثبات می‌رساند که در دوران‌های دیگری نیز جز این نبوده است. نام و عنوان اعضای خانواده به اعتبار روابط خانوادگی آنها با یکدیگر از جمله میراث‌های مشترک هندواروپایی است که در زبان‌های ایرانی برجای مانده است. از آن جمله است واژه‌های پدر (اوستا: pta/pitā؛ پهلوی: pidar، pid)؛^۴ مادر (پهلوی: mādar، mād)، پسر (اوستا: hunu، puθra؛ پهلوی: pusar، pus)، دختر (اوستا: duγdar/dugədar؛ پهلوی: duxtar، duxt)، برادر (اوستا: brātā؛ پهلوی: brād، brādar)، خواهر (اوستا: xʷanhar؛ پهلوی: xwahar، xwah)، نوه (اوستا: napāt (مذکر) و napti (مؤنث)؛ پهلوی: nab)؛ و نیز عمو (اوستا: tūirya) و عمه (اوستا: tūiryā)، خُسر یا خَسور یعنی پدرشوهر و پدرزن یا مادرشوهر و مادر زن (اوستا: xvasura؛ نیز فارسی: xūsūr) (سمرنی: ۱۹۷۷: ۶۳)، داماد (اوستا: zāmātar؛ پهلوی: dāmād)، بیوه (اوستا: viδavā؛ پهلوی: wēwag).

واژه nāiri (از nar به معنای «مرد، مردنیک و پهلوان، پهلوی: nārīg)، به معنای «زن نیک، بانو» و نیز «زن» (اوستا: janī و γnā و gənā، فارسی میانه: zan) برای «زوجه» ضبط شده است. واژه اوستایی vadū را به معنای «زن جوان، زوجه» دانسته‌اند. در دوران قدیم، احتمالاً صورت‌های باستانی واژه

۱_ Patrilineal

۲_ Patrilocal

۳_ Patripotestal

۴_ آوانویسی واژه‌های پهلوی در این بررسی از کتاب فرهنگ پهلوی مکتبی برداشته شده است.

«مرد» را برای نامیدن شوهر به کار می‌بردند و در پهلوی، mērag (مرد، آقا، سرور)^۱ و نیز šōy برای «شوهر» آمده است. واژه پهلوی ziyānag به معنای «زوجه»^۲ است.

با تحول زبان‌های ایرانی گونه‌های مختلف این واژه‌ها و واژه‌هایی دیگر در این حوزه معنایی بازمانده است و در گویش‌های مختلف می‌توان این گونه را باز یافت. همچنین نام‌های خویشاوندی اقوام هندواروپایی منحصر به خویشان پدری نبوده و منسوبان مادری را نیز دربر گرفته است. اما در دوران‌های بعدی، در فارسی دری و بسیاری از گویش‌های جدید ایرانی، اغلب برای نامیدن خویشان درجه دوم، اصطلاحاتی که به کار رفته است، واژه‌های ترکیبی مانند «برادرپدر»، یا واژه‌های دخیل عربی، مانند عمو و عمه و خال یا خالو و خاله است. واژه «دایی» را باید در این میان استثنا دانست.^۳

دودمان

بدین شمار، واژه پهلوی dūdag (دوده) یا دودمان در آثار پهلوی بر خانواده گسترده و بزرگی اطلاق می‌شود که دنباله و بازمانده طبیعی و اصیل خاندان هندواروپایی کهن به شمار می‌رود. گرچه در بافت اجتماعی و شرایط جدید، از اختیار و قدرت ریاست و «سالاری» (پهلوی: sālārīh) پدر بر دودمان و نیز نقش‌های قدیمی و متعدد دودمان کاسته شده بود، اما بقایایی از آن برجای ماند که ابعادی شگفت در مفاهیم و باورها و احکام حقوقی پیرامون خانواده دوران ساسانیان آفرید، مانند اختیار فروختن اعضای دودمان یا دادن مرد زن خود را به شوهر. با وجود این، در این آثار نشانه‌هایی از نفوذ قوانین میانرودان و نیز تأثیر سنت نگارش کاتبان آرامی هنگام ضبط مطالب درباره خانواده ایرانی به چشم می‌آید.

در زند، یعنی ترجمه اوستا به زبان پهلوی، چنان که گذشت، واژه‌های zand, wīs, mān و deh برای نام بردن گروه‌های ساختاری جامعه به کار رفته است، اما کاربرد واژه dūdag را در زند و ندیداد و نیز زند یسنا و ویسپرد به ندرت می‌بینیم.

۱- در گویش بهدینان، mira منحصرأً به معنای «شوهر» است و gavra، یعنی «مرد». به شوخی merdog (= مردک، مرد) نیز به همین معنی به کار می‌رود.

۲- گویش بهدینان: ziyuna, yuna, yenun به معنای «زنان، زن» و yenog به معنای «زنک، زنیکه» است.

۳- نمونه گویشی از این واژه‌ها در گویش بهدینان است: xāpser/xāpder/xoybder (خواهرپدر، عمه) و xoy-māder/xāmog/ xāmer/ xoymer (خواهرمادر، خاله) (سمرنی از ذکر آنها خودداری کرده است. در همین زبان bamas (بامس)، یعنی «بابابزرگ، پدربزرگ» و memas (ممس)، یعنی «مادربزرگ» نیز به کار می‌رود.

۳- به پایان بپردازید

این درس، بحثی کلیدی و مهم در کتاب حاضر است؛ زیرا بُعد اجتماعی‌ای را که در تاریخ‌های قدیم موجود نیست، برجسته می‌کند. معلم محترم با تأکید بر این نکته و اهمیت آن و با استفاده از ترتیب ارائه مطالب در این درس، یعنی سیر از کل به جزء، به خلاصه کردن و جمع‌بندی مطالب درس بپردازد و فهرست‌وار مفاهیم اصلی این درس را، در قالب ابعاد حیات اجتماعی ایران در عهد باستان، یادآوری کند تا مانع از گم شدن دانش‌آموزان در پیچ و خم مطالب گردد.

شماری از مفاهیم اصلی:

- رده‌بندی جامعه در چهار دوره مادی و هخامنشی، اشکانی و ساسانی؛
- موقعیت، کارکرد و ویژگی‌های خانواده در ایران باستان؛
- موقعیت زنان در ایران باستان؛
- جشن‌ها و سوگواری‌ها با تأکید بر جنبه دینی آنها.

۴- ارزشیابی

محور ارزشیابی، علاوه بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس از طریق انجام فعالیت‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های نمونه، این است که انتظارات یادگیری تا چه میزان محقق شده است.

منابع برای مطالعه بیشتر

- بلوکباشی، علی، بازی‌های کهن در ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶.
- بهرامی، عسکر، جشن‌های ایرانیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۹.